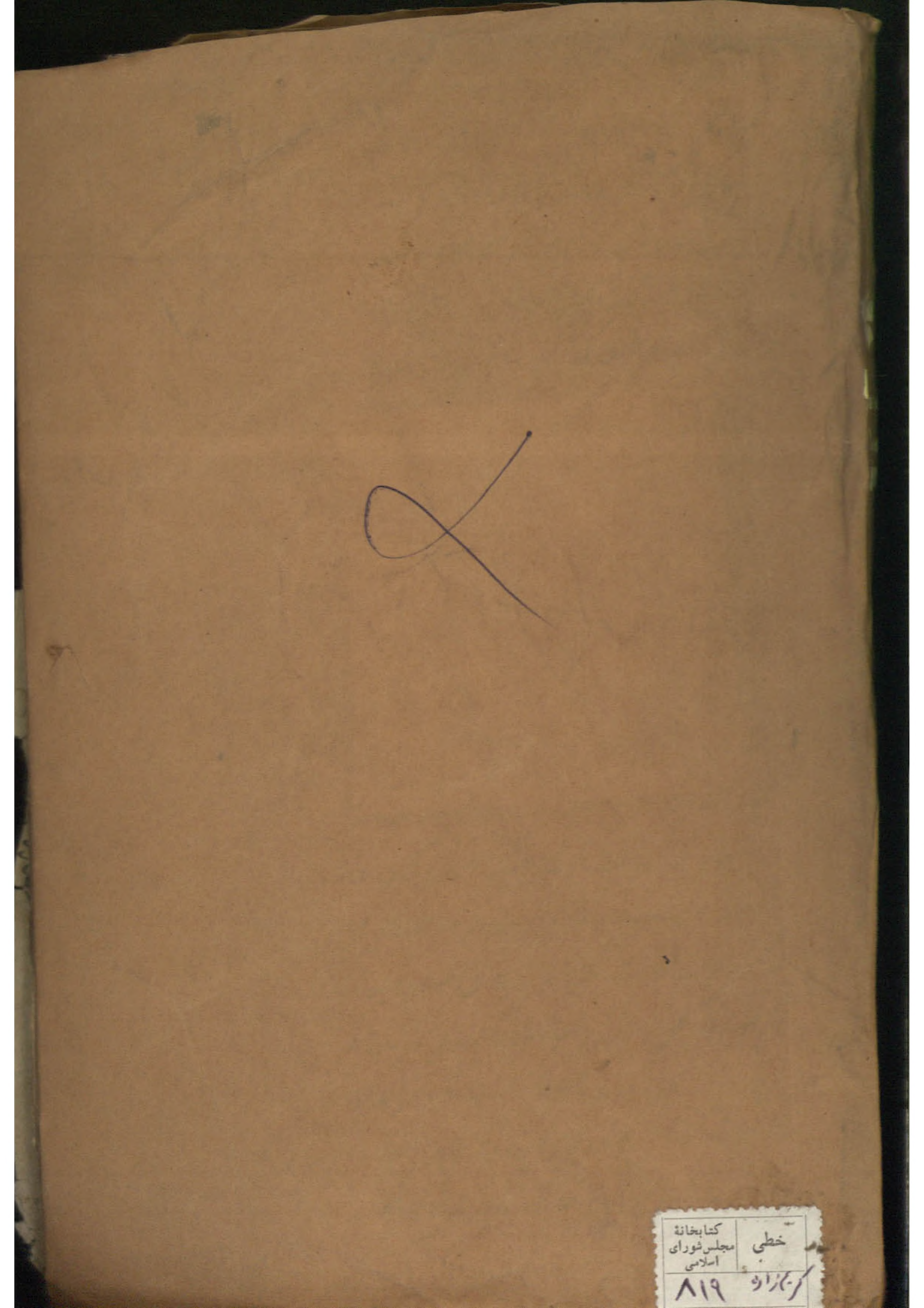
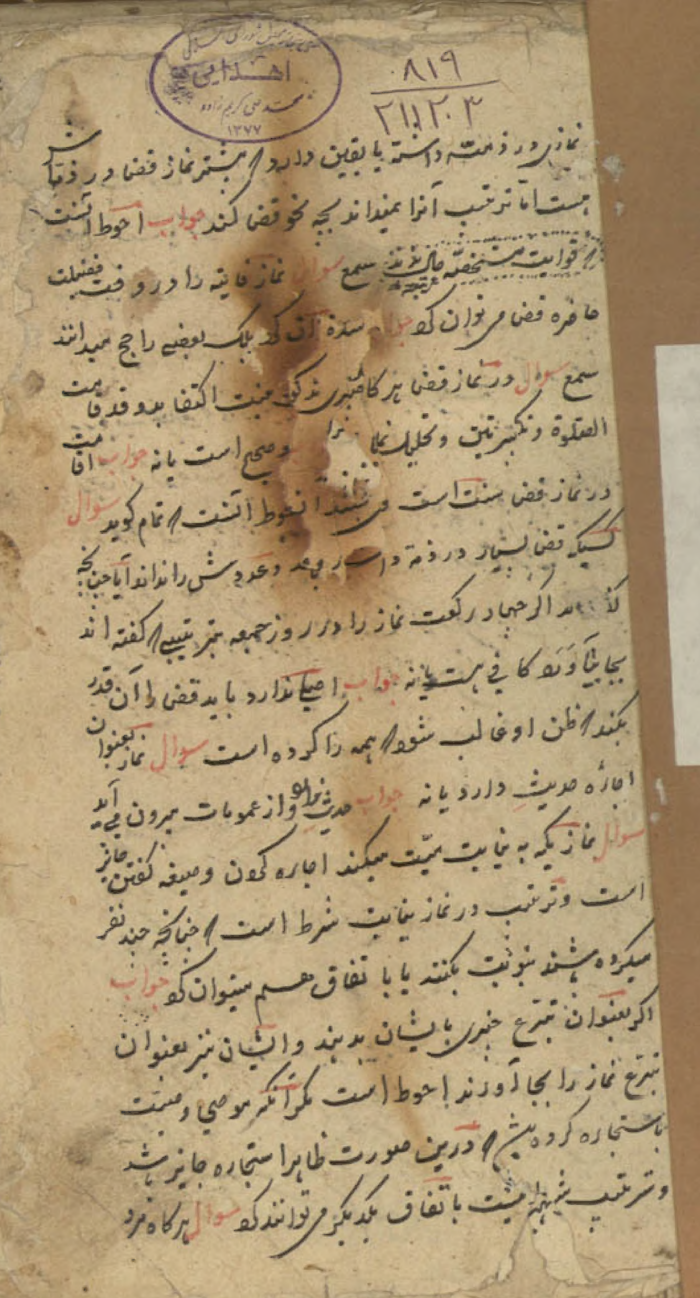




نمازی در ذمه داشته یا یقین دارد که بیشتر نماز قضا در ذمه اش
هست اما ترتیب آنرا نمیداند بچه نحو قضا کند جواب احوط آنست
که بقوانیت مشخصه ترتیب حاصل نماید سمع سوال نماز فائته را در وقت فضیلت
حاضره قضا میتوان کرد جواب [illegible] آن کرد بلکه بعضی راجح میدانند
سمع سوال در نماز قضا هر گاه تکبیری ذکر کرد مثبت اکتفا بدو قد قامت
الصلوة و تکبیر نیت و تحلیل [illegible] و صحیح است یا نه جواب اقامت
در نماز قضا سنت است [illegible] احوط آنست که تمام گوید سوال
کسیکه قضا بسیار در ذمه دارد [illegible] و عددش را نداند آیا جایز است
که [illegible] چهار رکعت نماز را در روز جمعه بترتیب که گفته اند
بجا بیاورد کافی هست یا نه جواب احتیاط ندارد باید قضا را آن قدر
بکند که ظن او غالب شود که همه را کرده است سوال نماز بعنوان
اجاره حدیث دارد یا نه جواب حدیث ندارد و از عمومات بیرون می آید
سوال نماز یکه به نیابت میت میکند اجاره کردن و صیغه گفتن جایز
است و ترتیب در نماز نیابت شرط است یا چنانچه چند نفر
میگیرند بنوبت بکنند یا باتفاق هم میتوان کرد جواب
اگر بعنوان تبرع خبری بایشان بدهند و ایشان نیز بعنوان
تبرع نماز را بجا آورند احوط است مگر آنکه موصی وصیت
باستجاره کرده باشد که درین صورت ظاهرا استجاره جایز باشد
و ترتیب شرط نیست باتفاق یکدیگر می توانند کرد سوال هرگاه مرد


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب
مؤلف
موضوع
شمارهٔ اختصاصی
ازکتب اهدائی :
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب



نمازی در ذمه داشته یا یقین دارد که بیشتر نماز قضا در ذمه اش
هست اما ترتیب آنرا نمیداند بچه نحو قضا کند جواب احوط آنست
که [illegible] سوال نماز فائته را در وقت فضیلت
حاضره قضا میتوان کرد جواب [illegible] آن که بعضی راجح میدانند
سوال در نماز قضا هر گاه تکبیری ذکر کند مثل تکبیر بعد قد قامت
الصلوة و تکبیر قنوت و تکبیر [illegible] و صحیح است یا نه جواب اقامت
در نماز قضا سنت است [illegible] احوط آنست که تمام گوید سوال
کسیکه قضا بسیار در ذمه دارد [illegible] و عددش را نداند آیا جائز است
[illegible] الرحمن چهار رکعت نماز را در روز جمعه بترتیبی که گفته اند
بجا بیاورد که کافی هست یا نه جواب اصلی ندارد باید قضا کند تا آن قدر
بکند که ظن او غالب شود که همه را کرده است سوال نماز بعنوان
اجاره حدیث دارد یا نه جواب حدیث [illegible] و از عمومات بیرون می آید
سوال نمازی که به نیابت میت میکنند اجاره کردن و صیغه گفتن جائز
است و ترتیب در نماز نیابت [illegible]

[illegible] جمیع نماز را بجا آورند احوط است مگر آنکه موصی وصیت
باستجاره کرده باشد و در این صورت ظاهرا استجاره جائز باشد
و ترتیب [illegible] میت باتفاق یکدیگر می توانند که سوال هر گاه مرد

به نجاست زن نماز کند یا بالعکس معتبر در جهر اخفات احوال
مصلی است یا منوب عنه جواب ظاهر اجزا آنست در اعتبار هرکدام
را خواهد مثل احمال وجوب جهر و اخفات ثابت نیست و بر تقدیر
تسلیم محتمل است اما مصلی [illegible] شد والله یعلم سوال چه فرمایند
در باب شخصی را نماز را [illegible] از غیر متحمل شده آیا در مرض
مرجو الزوال [illegible] قدر [illegible] نشسته بجا می تواند آورد
یا نه و مرض مرجو الزوال [illegible] بر قیام بوده پس چه حکم دارد
و دیگر نقرا باشد را اجیر هر گاه [illegible] چشم داشته پس دفع موضع سجود
جایز است یا نه و دیگر آیا از جهت آنکه زود بری الذمه شود در
ذکر رکوع و سجود بیک سبحان الله اکتفا می تواند که یا نه بجهت تحصیل
جواب بسم الله در نماز استجاره چون غالب اوقات منظور
و اهل میت آن صبا شدم بر وجه کمال واقع شود و احوط آنست
را در مرجو الزوال انتظار صحت بکشند و در غیر مرجو الزوال ایشان را
اعلام کنند و اگر راضی شوند فسخ کنند و اگر دست بایشان نرسد
بکنند احتیاطاً وصیت را با ستر ضمایر ایشان بکنند والله یعلم سوال اگر
ابوین میتهم بخلاف مذهب یا جزماً مخالف باشند قضای صلات و
صوم بطریق وجوب اگر پدر باشد یا قریب اگر مادر باشد میتواند که
یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم اگر معلوم باشد را امامی نبودند ظاهرا
قضا ایشان نتواند که و اگر متهم باشند و ظا[illegible] باشند که [illegible] احوط

بست

ذرق طیور طهارت اقوی میدانم خصوصاً وقتیکه مشتبه باشد و در
سایر اشیا تا علم بنجاست بهم نرسد اجتناب ضرور نیست
و استخاره مطلق صورتی ندارد والله یعلم بحقایق الاحکام کلمه
سوال اینکه در حدیث وارد شده را چندین مرتبه فلان عبارت
را از جهت استخاره بگویید دیگر خبری مذکور نیست آیا بچه نحو معلوم می
شود را آن کار را باید کرد یا [illegible] این نوع دیگر از استخاره
است را چون خواهند کاری بکنند آن عمل را بجا آورند و متوجه
آن کار شود آنچه خیر او ست رو میدهد مولف گوید را احکام
قصر صلوة در کتاب صوم از جهت اشتراک و اختصار بشرح مذکور
خواهد شد انشاء الله تعالی کتاب صوم و در آن دو فصل است
فصل اول در آداب صوم و توابع آن سوال در بلدی را عرض
آن بسیار و روز در نهایت درازی باشد در روزه تمام روز را
امساک باید کرد یا نه جواب اگر شب آنقدر باشد را وسعت نماز و
افطار داشته باشد احوط آنست را تمام روز را امساک کند اگر ممکن
باشد و اگر وسعت نداشته باشد حسب المقدور امساک میکند سوال
غسل ارتماسی در روز ماه مبارک رمضان عمداً چه حکم دارد
و غبار غلیظ و دخان غلیظ را باختیار بحلق شخصی رود یا بما [illegible]
ممکن باشد چه حکم دارد جواب احتیاطاً جمیع ایشان اگر قضای آن روز
را بدارند بهتر است و اظهر عدم نقض است در جمیع سوال غبار غلیظ

و اگر خون از حلق کسی رود روزه را باطل میکند یا نه جواب اجتناب احوط است اما حکم ببطلان روزه کردن مشکل است

سوال اگر آب دهان متغیر شود بخون و آب دهان را حرکت دهد تا تغیر مزه خون برطرف شود و آن آب را فرو برده روزه ماه مبارک رمضان چه حکم دارد جواب اگر عین خون بوده باشد احوط قضا و کفاره جمع است و اگر ظنش غالب باشد که خون برطرف شده ضرری ندارد سوال شخصی خود را جنب کند یا محتلم شود بعد از طلوع فجر قضا نتوان داشت سوال بعضی عوام در شب ماه مبارک رمضان جماع میکنند و زنان خود را یا مردان ایشان نزدیک بطلوع آفتاب یا بعد از آن غسل میکنند اما اگر علم ندارند کفاره باید داد یا جهل مسئله یا علم چه حکم دارد جواب چنانچه متعمدا بطلوع صبح ممکن نشود خوف ضرر بوده باشد باید تیمم کند و در وقت امکان غسل کند و اگر غسل ممکن بوده قضای آن روز را باید گرفت و احوط آنست که کفاره نیز بدهد خصوصا عالم سوال جنب و حایض که در شب حیضش منقطع شده باشد و مستحاضه که بواسطه نماز غسل باید که دهد استحاضه متوسطه و کثیره را لازم است که در ماه مبارک رمضان قبل از صبح غسل کنند یا نه و بر فرضی که عمدا غسل را ترک کنند در قضا و کفاره چه حکم دارد جواب اقوی و اشهر آنست که قبل از صبح غسل کنند و اگر عمدا غسل را ترک کنند ... کفاره چه حکم دارد

غسل کند روزه صحیح قضا یا روزه سنت میتوان داشت جواب روزه سنت میتوان داشت ... قضا

ازو بغیر خوبی و ملازم جماعت باشد عادل است و در نماز جماعت بهتر است که صفها متصل باشند و از پیش نماز تا صف پیش او دور نباشد بیش از آنکه مخالطت نماز ظاهر شود میکنند اقتدا به پیش نماز از جهت فرزندان برادری و رضای خدا کافیست و در نمازها که بلند میخوانند چنانچه صدای قرائت پیش نماز را هیچ نشنوند قرائت کنند و اگر بشنوند گوش به قرائت آنرا کنند و در رکعت آخر نمازها تسبیح بگویند و روش مذکور و در نمازها که آهسته میخوانند در دو رکعت اول در محل قرائت سبحان الله بگویند و باقی افعال و اذکار نماز را بغیر قرائت جمیع ماموبین باید بجا آورند اما بعد از پیش نماز و در جمیع امور تابع باشند تا او برکوع و سجود نرود نروند و تا سر از سجده برندارد ایشان برندارند و اگر امام به رکوع رفته باشد احتیاط آنست که اقتدا نکنند و صبر کنند تا رکعت دیگر اقتدا کنند و اگر چنانچه کسی در رکعت دوم یا سیوم یا چهارم اقتدا کند آن رکعت را اول نماز خود قرار دهد و حساب نماز خود را مبدا کند و آنچه با امام دریابد اول نماز اوست و آنچه در کار است از تشهد و قنوت در موضع آن بجا آورد و بنوعی ملحق میشود و در جای که محل تشهد و قنوت او نباشد تابع امام شده آن نیز بعمل آورد اما در جائیکه محل تشهد و قنوت او نیست تابع امام شده آن تیز با نشیند و امام که سلام داد ... بگ

از نماز باقی ماند تمام کند اگر پیش نماز در دو رکعت آخر
تسبیح بخواند و در رکعت اول ماموم شد باید بقدر مقدور قرائت
حمد و سوره کند چنانچه حمد بخواند و قرائت سوره در رکعتین جواب
ماموم را لازم است ظن غالب داشته باشد بعدالت پیشنماز
و آنچه از ظاهر احادیث مفهوم میشود عدالت را باین روش می
توان دانست که آنشخص محافظت با وقات نماز کند و بدون
عذر ترک حاضر شدن بجماعت مسلمانان نکند و ساتر عیوب
خود باشد و کبیره نکند و مصر صغیره نباشد سوال کبیره کدامست و افراد
چه معنی دارد و هرگاه فرضا کبیره کند باز عود کردن بعدالت او را
بچه روش میتوان دانست جواب در ظاهر احادیث در عدد
کبیره خلاف ثابت و بعضی دلالت بر آن میکند که آنچه خداوند عالمیان
بر کردن آن وعده آتش کرده است کبیره است و احتیاط است
که آنچه در کردن آن وعده آتش شده باشد اجتناب کند و بعنوان
اجتناب کردن از کبیره و کسیکه عیب کسی را میگفته باشد چنانچه از جماعت
سندتین و ظاهر الکلام باشد محمل قرار باید داد و اینچنین شخصی غیبت
بقصد غیبت تجویز نمیکند و اگر مجهول باشد تفتیش باید کرد
مشغول بجماعت صلحا و در همه جهت دین داری اش قرار معلوم
نیست مذکور در مزاج اینها است و اندک امری از جا در می آیند و
دفع عیب کنند صالح یا غیر صالح تندی و درشتی میکنند که ترک قبل از جماعت
کنند

مشهور و خواه نقص ایشان را در مرتبه باشد که باید تادیب کرد
باید آیا این مقر باشد با امامت باید و اگر مقر باشد بعد از آن صلاح
آن همان استغفار کافیست یا استرضای آن شخص هم در کار است
و اگر نقص ان داشته باشند همین که ندامت و استغفار از آن شخص بشنویم
کافیست یا در اصل محمل صحیح قرار میدهیم که موقعش بعد و ضرر ندارد
بعدالت و امامت جواب اگر صلاح و دین داری او مظنون شده باشد
و فعل او محمل صحیح داشته باشد بر محمل صحیح حمل باید کرد والله یعلم بحالهم
سوال جایز است فاسق را امامت کردن هرگاه ماموین او را عادل
دانند یا نه جواب احوط ترک است سوال کسیکه معدوم عادلش دانند
و آن شخص از خود بعضی معایب داند که عادل نیست جمیع اهل تکلیف
پیش نماز او را کنند قبول میتواند کرد یا نه جواب مشهور میان
علما آنست که قصد امامت نمیتواند که خود را عادل نداند اگرچه
ظاهر احادیث بدون نمی آید و احتیاط آنست که در چنین صورتی
قبول نکند هرگاه ممکن شود که با دیگری نماز کند سوال کسیکه بشخصی گوید که
جمیع مایعرف خود را بتو هبه کردم و آن شخص ساکت شود و نگوید
که قبول کردم و بقبض موهوب که نمیدهد و بعد از مدتی رجوع از بعضی
از آن نماید و در این مدت مبلغی از مال مستحقین را نگیرد باین
قصد که غیر آنرا ندارم و آخر آنشخص که هبه نما و کرده گوید که قبول هبه
نکردم چنین شخص مال مستحقین را که گرفته رد نکند نماز با او میتوان کرد

دیده
سند

جواب نماز کردن با او مشکل است چنانکه از روی مال مستحقین سوال
شخصی که بجهت مستحقین از زکوة یا خمس بگیرد و در وقت تسلیم
آن بمستحق بگوید که فلان قدر از آن مبلغ را بمن هبه کن نامرح
بگوید ملک را باو بفهماند و آن شخص بترسد که اگر ندهد او نیز بجهت
او چیزی نگیرد نماز با چنین شخصی میتوان کرد یا نه جواب بعد از
توبه کردن نماز میتوان کرد و توبه او آنست که مال مستحقین را
بایشان پس کند و اگر رد نکند نماز کردن با او مشکل است زیرا
که تضییع حق فقرا میکند سوال دو نفر از علما که بسبب استدلال یا
رجوع با علم یک نماز جمعه را واجب داند و بجا آورد و یکی حرام
داند این دو نفر یکدیگر را اقتدا میتوانند کرد یا نه حق یکی است و
دیگر از این دو نفر غلط فهمیده اند جواب هرگاه از اهل دیانت باشند
و در تحصیل علوم ضروری استدلال یا برجوع علما سعی کرده باشند
و بذل جهد خود را بجا آورده نماز میتوان کرد نعوذ بالله اگر
این ضروریات و چنین مسائل مثلا ترک نماز جمعه بسبب بعضی
اعراض باشد یا تقلید غیر علما را رجوع یا جائز باشد بشود
سوال اگر کسی حالش اینست که نماز کردن مردم را در پی سر او
خوشحال میشود و از حال خود داند که هرگاه از جمله ماموین که همیشه
با او نماز میکنند بدون آنکه ایشان را مانعی باشد بعضی یا اکثری حاضر نشوند
در دل خود دلگیر خواهد شد امامت میتوانند کرد یا نه جواب اگر غرض دنیوی

دی

منظورش

منظورش باشد از کثرت ماموین یا نماز کردن مرد بزرگ مانند رواج
دین و رغبت مردم بصلاح بدتر نیست والا اگر اظهار نکند و این
معنی در دلش نگهدارد و شاید ضرور نداشته باشد و احوط آنست که
سعی کند که اینها در نفس او نباشد و غرضش برای خدا خالص باشد
سوال میان امام و ماموم یا میان دو صف در نماز جماعت
چه مقدار فاصله جایز است جواب احوط آنست که صفها بیکدیگر
متصل باشند و اگر مسجد صف اخیر و موقف عقب میان ایشان بقدر
گام گذاشتن متعارف زیاده نباشد سوال هرگاه میان بعضی ماموین
و امام دیوار فاصله باشد و ماموین بعضی ماموین عقب پیش خود را نبینند
اقتدا جایز است یا نه جواب ظاهرا جایز است سوال هرگاه در نماز
جماعت کسی قصد شخصی معین کند که امامت میکند و آخر شخص دیگر
دیگری بوده نماز او چه حکم دارد جواب مثلا اگر دو نفر را عادل میدانسته و
میدانسته که یکی از این دو نفر از این موضع نماز میکند و قصد اقتدا
بامام حاضر که نمازش درست است هر کدام که بوده باشد و اگر حاضر را قصد
شخص معین کند و آخر ظاهر شد که دیگری بوده اگر او را نیز عادل داند حکم
ببطلان نماز نمیتوان کرد ظاهرا نمازش درست است سوال نماز عصر را بظهر یا
و عکس و مغرب بعشا و عکس اقتدا کردن جایز است یا نه جواب الظهر
حتما اشهر جواز است و در اقتدای عصر بظهر خلافی هست و در آن نیز
تمام ظهر جواز است والله یعلم و در وقت دیگر ممنوع شده که ظاهر است

را جایز است اقتدا ظهر بعصر و بعکس و همچنین مغرب بعشا و بعکس
و مغرب دو رکعت اولی عشا را بعشاء تنها و بعد از سلام امام باقی را منفردا
تمام کند و همچنین جایز است حاضر را که مغرب را بعشاء مسافر و عشا
را بمغرب مسافر اقتدا کند و بعد از سلام باقی را منفردا تمام کند
بلکه ظاهر آنست که جهریه را با خفائیه اقتدا توان کرد و هر نماز را
بهر نماز مثل جمع را بظهر اما اقتدا جهریه با خفائیه آنست که قرائت
را اخفات نکنند والله تعلم سمع **سوال** هرگاه احرام بست و ماموین
نیز احرام بستند تمام بعد از آن معلوم شد پیش نماز را که غیر نماز که
احرام باید کرد قصد کرده باکار دیگر کرده بسبب آن نماز باطل است آیا
درین صورت اگر امام خواهد باز دیگر نیت کرده تکبیر بگوید علاج
حال ماموین چیست **جواب** اگر ماموین هیچ یک تکبیر نگفته پیش خود تکبیر بگویند
و اعلام ایشان در کار نیست و اگر بعضی یا همه تکبیر گفته اند باید اعلام
کند تا ایشان نیز اعاده تکبیر کنند والله تعلم **سوال** هرگاه امام یقین
در طهارت و شک در حدث داشته نماز را با ایشان جماعت کرده و بعد از
فراغ از نماز بخاطرش آمد که در وقت نماز طهارت نداشته باشد
و خود پیش نماز را اعاده باید که لازم است بر او ماموین را اعلام کند
تا ایشان هم اعاده کنند یا نه **جواب** اگر در خارج وقت بیادش آمد
اظهر آنست که اعلام واجب نیست و اگر در وقت بخاطرش آید باز ظاهرا
اعلام واجب نباشد اما احوط آنست که حسب المقدور اعلام نماید و ممکن

سنت است اعاده از جماعت یکبار سمع **سوال** نماز گذار بجماعت گذارده شود ایا
و ماموم تا هر مرتبه که هم بجماعت میتواند گذارد **جواب** احتیاط در آن
آنست که اکتفا بمرتبه دوم بجماعت گذارده نشود **سوال** آیا نماز عید
غدیر را بجماعت گذاردن کسی قایل شده **جواب** قایل شده اند
اما لیکن صورتی ندارد **مبحث** دوم در احکام نماز جمعه **سوال** در
نماز جمعه اجتهاد شرط است یا نه **جواب** اجتهاد یا تقلید مجتهدی ضرور است
و قدرت بر ادای خطبه کما ینبغی در کار است والله تعلم **سوال**
از کلام بعضی ظاهر میشود که فرقی میان امام جماعت و جمعه هست
و از کلام بعضی ظاهر میشود که فرقی هست مفتی به کدام است **جواب**
بسم الله الرحمن الرحیم از احادیث اذا کان لهم من یخطب و
امثال آن ظاهر است که فرقی هست والله تعلم **سوال** کسی که از علوم
مقدمات حدیث قدری در هر کدام ربط دارد و قدرت بر فهم
و تفتیش مسائل عقاید خود نموده بر علما عرض کرده اما اکثر احادیث
مشکله و عبارات دقیقه فقه ها مذکور شود شاید اگر عرض بر علما
و سعی بسیار کند بفهمد هرگاه عادل باشد نماز جمعه با او میتوان کرد
و فرض که خطبه با حد وسط در بلاغت تواند ادا نمود یا نه و قدرت
بر خطبه شرط میدانید در نماز جمعه و جواب از کدام حدیث می
رسد و مال اینکه من یخطب اخطبهم احتمال دارد که از دو خطبه معلوم
بخواند بر تقدیر یکه غلط این وصف مراد باشد احتمال استحباب دارد
چنانچه جمعی از علما عمل بر آن کرده اند **جواب** اگر اهلیت ترجیح دارند خود تفحص کنند
تا معلوم شود و الا در فهم دیگری اعتراض نمی باشد والله الموفق **سوال**
که فهم دیگری اعتراض نمی باشد

ها فرنماز جمعه میتواند کرد یا نه جواب هرگاه عدد را در انعقاد نماز جمعه
شرط است بحاضرین منعقد شود مسافر را مستحب است اقتدا بجمعه
اما اگر به مسافران عدد تمام شود اظهر آنست نماز جمعه منعقد نشود
والله یعلم سوال بفرمایید در جایی که کسی نباشد را امامت جمعه کند
ابا او نماز جمعه بکنیم آیا امثال فقیر کسی میتواند کرد یا نه خصوصاً
هرگاه جمعی بگویند را اگر فردا بیاید واجب است و میکنید و تا فقیر بمیکنیم
و مفسده و موانع نباشد آیا واجب است میکنیم یا نه اگر بکنیم ...
در تحقق بعضی شرایط بهت را احتیاطاً اعاده کنیم آیا احتیاج باعاده
نیت جه امام را وجه ماموم را جواب احوط فعل است با اعاده و ...
بدون اعاده نیز توانید کرد والله یعلم سوال کاهیکه در خارج شهر
مقدس نماز جمعه منکرده باشند و در اطراف شهر مانع نیز از کردن در این
صورت هرگاه جزم بوجوب نمیتوان کرد با غفلت ... از ...
اثناء نماز جمعه و اگر کسی بکند احتیاط خواهد بود اگر کسی ترک کند احتیاطاً
میتوان کفت را بدکرده یا نه جواب احوط آنست را مذکور شده سوال
هرگاه در نماز جمعه در رکعت دوم قبل از رکوع ملحق شود اقتدا
میتواند کرد یا نه و قنوت را بچه نحو میخواند جواب اقتدا میتواند کرد
و آن رکعت را رکعت اول خود حساب میکند و قنوت مختصر
قبل از رکوع میخواند و همراه امام برکوع میرود و قنوت بعد از رکوع
را نیز بتبعیت امام میخواند و بعد از سلام امام رکعت دوم را تنها

بصورت

بصورت رکعت دوم جمعه میگذارد حتی مستحب است سوره منافقین
در آن بخواند و قنوت را در رکعت ثانیه خود بعد از رکوع بخواند
و بصورت رکعت اول بجا نمی‌آورد زیرا که در اخبار نهی واقع شده
از آنکه کسی اول نماز را آخر آن قرار دهد سمیع سوال هرگاه کسی در رکعت
دوم جمعه ملحق شود و بحیثیتی دور باشد را اصلا همه قراءت
بکند آیا در آن سوره جمعه میخواند یا منافقین جواب چون
رکعت اول اوست سوره جمعه میخواند و سوره منافقین را
در رکعت دوم خود که تنها میخواند خواهد خواند سمیع سوال
در روز جمعه کسی که ظهر کند و در آن سوره جمعه و منافقین نه
خواند آیا مستحب است جهر در قراءت یا نه جواب بلی سوال اگر
کسی اراده دارد را در روز جمعه در نماز ظهر چهار رکعتی سوره
جمعه و منافقین بخواند و غافل شود و بسم الله بقصد سوره حمد
یا سوره توحید بخواند خواه غیر از بسم الله قدری از سوره را
بخواند یا نه آیا عدول میکند بجمعه و منافقین یا نه جواب مشهور میان
علما آنست را عدول میتواند کرد از حمد و توحید بجمعه و منافقین تا
تجاوز از نصف نکرده والحق در روایت بنظر رسیده آنست که
از سوره توحید مطلق عدول میتواند کرد و در حمد شاید عدم عدول
احوط باشد والله یعلم سوال آیا نافله روز جمعه را هرگاه شخصی نکرده باشد
تا از وقت ظهر بگذرد تا آخر وقت همین نافله را میکند ادا یا نافله

بطریق یومیه میگذارد جواب اگر باهم کنند خواه پیش از ظهر و خواه بعد از
دو نماز و خواه بعد از عصر بعضی گفته اند که شانزده رکعت میکند
و خالی از قوتی نیست والله یعلم تذنیب دوم در احکام نماز قضا
نمازی که بعنوان اجاره یا نیابت کرده شود سوال هرگاه از کسی نمازی
فوت شده باشد و قدر فوائت و ترتیب آن معلوم نباشد در قضا
وقت کردن ابتدا بکدام نماید جواب اگر نماز اولین که فوت شده است
معلوم نیست بآن ابتدا نماید و اگر معلوم نباشد نماز صبح ابتدا نماید و به
عشا ختم و اگر نماز ظهر ابتدا نماید نیز خوب است والله یعلم سوال
کسیکه نماز قضای بسیار در ذمت داشته باشد و ترتیب فوت را نداند
در وقت قضا ترتیب ساقط است یا نه و همچنین بعضی در سفر و بعضی
در حضر از او فوت شده باشد و ترتیب آنها را نداند جواب ظاهرا
درین صورت ترتیب از او ساقط است سوال هرگاه کسی قضای
نماز بسیار در ذمت دارد و آنهائی که قضا میخواهد بکند به ترتیب باید
قضا بکند یا بی ترتیب هم خوب است جواب اگر ترتیب را
میداند به ترتیب قضا کند و اگر نمیداند ظاهرا بی ترتیب نیز خوب است
والله یعلم سوال هرگاه کسی قضای نماز بسیار بر ذمه داشته باشد اول کدام را
قضا کند جواب احوط آنست که ظهر مطلق قضا کند اعم از ظهر امروز و ظهر
سابق و تخصیص ندهد بظهر امروز سمع سوال هرگاه کسی امروز قضای
نماز مشخصی که ترتیب آنرا میداند بر ذمه دارد و شک دارد که پیشتر هم

نمازی

غیر ضرورت جائز است یا نه جواب و اگر از کشیدن قاصد نیت باید
نشود و اعضای سابقه برطوبت باقی باشد قصور ندارد و اگر به
احوط عدم فاصله است سوال اگر بعد از شستن دست با جفت
جنبت قدم راه برود یا زیاله وسیع و مسح سر را بکند چه حکم دارد جواب
ظاهرا قصور ندارد و اگر اعضا تر باشد و احوط آنست که مشغول
بمسح مالیدن و تخلیل اعضا شود تا رسیدن بآن مکان سوال
در وضو ساختن و غسل کردن هرگاه بسبب آب جاری کردن تنها
باعضا رسید که در بدن چه باشد بعضی جاها و بیخ موها خشک نماید
آیا دست مالیدن ضرور است تا که خشکی بالکلیه برطرف
شود یا نه جواب بقدریکه ظن غالب بهم رسد که آب بجمیع موضع غسل
جاری شده کافیست و بعد از آن خشک نمودن ضرور ندارد و
در مالیدن دست سنت است تفریع سوال سلسلت البول است مشهور
آنست که بعد از هر نمازی که وضو بسازد و حد آمدن بول کدام است
و چه حفظ لازم است جواب ظاهر آنست که مراد از سلسلت البول کسی باشد
که بول را در اثنای نماز محافظت نتواند کرد ظاهر آنست که حدیثی
وضو همان بول معتاد است و اینکه بجهت هر نماز وضو باید ساخت
فقها نوشته اند و حد مثبتی بنظر نرسیده و احوط عمل مشهور است
دوم در احکام شک طهارت یا شستن بعضی از طهارت و بعضی اعضا
در موضع طهارت و طهارت پیش از وقت و امثال آن سوال اگر

وضو یا غسل کند و بعد از فارغ شدن شک کند که آیا فلان موضع
را شسته ام یا مسح کرده ام یا انگشتری که تنگ بوده در وقت شستن حرکت
داده ام یا نه و همچنین در غسل تیمم بعد از فراغ از غسل شک کند
که هر دو جانب را شسته ام یا نه چه حکم دارد جواب شک بعد از اتمام
اعتبار ندارد سوال اگر کسی را در اثنای وضو یا بعد از فراغ ظن غالب
شود که فلان عضو را ترک کرده بودم چه حکم دارد جواب در اثنا که
بجا آورد و شک بعد از آن اعتبار ندارد و اگر ظن او بعد از فراغ
بر ترک عضو غالب شود احوط اعاده وضو است سوال اگر کسی
یقین دارد که وضو داشته و شک دارد که بعد از آن حدثی واقع
شده موجب بطلان وضو باشد یا یقین میداند که وضو نداشته
و شک دارد که آیا بعد از آن وضو ساخته و همچنین در غسل و
تیمم جواب در جمیع اینها آنچه یقین داشته بنا بر آن کند و شک
اعتبار ندارد پس اگر یقین بوضو داشته و شک دارد در حدث
حکم بصحت وضو میکند سوال هرگاه موضعی از اعضای وضوی کسی
نجس شد نجاستی که جرم ندارد یا مشخص نیست که آیا زوده
عین آن برطرف میشود یا نیست در وضو فراموش کرده که آنرا
تطهیر دهد و وضو ساخته آیا آن وضو درست است یا نه و
هم اعضای وضو پاک نشده و هر جایی که این رطوبت بآن رسیده
همه نجس است یا نه و همچنین اگر در موضع غسل باشد در غسل تیمم جواب

اگر غیر

اگر غیر نجاست بول یا ولوغ کلب
تعدد در ازاله آن شرط نیست ظاهرا پاک شود چنانچه زوال
در ضمن شستن شده باشد و آن وضو و غسل را اعاده باید کرد
و الا اگر نجاستی باشد که تعدد در ازاله نجاست آن شرط باشد
یا زوال عین نشده باشد نجس است هر موضعی که ملاقی شد مگر آنکه
داند که بر موضع نجس دو مرتبه آب ریخته است سوال اگر مثلا
دست کسی زخم شده و آنرا پاک کرده وضو ساخت و نماز کرد
روز دیگر وضو و غسل کرد یا دست خود را شست و بعد از آن
یک ساعت یا زیاده مثلا دید که دستش بسیار سرخ است و چون
آب بر آن ریخت و بسیار دست کشید سرخی برطرف شد آیا لازم
بر چه چیز کند و کسی که باین بسیار مبتلا است چاره او چیست جواب ترجیح
که آخر ببیند ضرر نشستن اولی خواهد کاه یا شده آخر بهم رسید
باشد همین که دست را بآب کشید کافیست سوال بعضی از اعضای
کسی جدا میشود و خون در زیر پوست جمع میشود و وضو ساختن
چه حکم دارد بنا بر فرضی که پوست بالای آن خون جسمی علیحده باشد
جواب اگر پوست سوراخ نشده باشد وضو درست است و آن خون
ضرر ندارد و اگر جایی که در پوست سوراخ شده باشد کهنه تر بیرون آمده اگر
رنگ دارد که بقدر مقدور که جراحت نشود ازاله کند اگر رنگ
نخواهد احتیاج بازاله ندارد و وضو درست است سوال چرکی



نجس ناخن مانع صحت غسل و وضو میشود یا نه ج مانع شدنش ثابت
و احتیاط در آن است که چرک را برطرف کند سؤال هرگاه مکلف
بجهت نمازی که میشود وقت آن داخل نشده وضو بسازد آن وضو
صحیح است یا نه و با آن نماز میتوان کرد یا نه جواب احوط آنست که وضو
پیش از وقت چنین قصد کند که وضوی میسازم تا آنچه طهارت
شرط در صحیح بودن آنست مباح شود بر من و در نفس خود داند
وضوی سازم تا بعد از این هر نماز که خواهد تواند کرد و اگر در وقت
وضو گرفتن منظور لازم نماز واجبی باشد نیت وجوب جهت
گذاردن آن نماز میتواند ساخت در جای دیگر از آن نیت
شده که احوط آنست که پیش از وقت وضو را بقصد شرط بالطهارت
بجا آورند هرچند که اراده بفعل آوردن آن نداشته باشد سؤال
در وضوی که پیش از غسل جمعه میکنند چه نحو نیت باید کرد ج
بهتر آنست که اگر مشغول الذمه بنماز واجبی باشد بقصد آن بکند
و الا بقصد رفع حدث و مباح بودن مطلق نماز واقع سازد تا هر
نمازی که خواهد تواند کرد و قصد قربت هم با آن ضم کند سؤال وضوی
سنتی هرچند از برای غیر نماز سنتی باشد نماز واجب میتواند کرد
یا نه جواب ظاهرا توان کرد و احوط آنست که استباحت عبادات
مطلق آنچه طهارت شرط صحت او است قصد کند مبحث سیوم در
طهارت در مکان غصبی و آب مضاف و امثال آنها سؤال در

غصبی

نجس ناخن مانع صحت غسل و وضو میشد باشد جواب مانع شدنش اشکال است

و بعد بود زلزله شده نماز برود واجب است یا نه جواب

تم سفر عرضی میبرسد بشهادت عدلین یا باشیاع یا ...

است سوال دیگر که بعضی ... زلزله شود واجب ا...

نماز زلزله را بعد از پاک شدن بکند یا نه جواب ...

کردن مشکل است اما احتیاط است که ترک نکند سوال

کیفیت نماز آفتاب گرفتن آنست که نیت کند ... و ...

گرفتن یا آفتاب گرفتن میگذارم بجهت آنکه واجبست ...

پس الله اکبر میگوید و حمد و سوره بخواند و برکوع رود پس سر

میدارد والله اکبر میگوید و حمد و سوره میخواند و قنوت میخواند

برکوع میرود پس سر بر میدارد والله اکبر میگوید و حمد و سوره

میخواند و برکوع میرود پس سر بر میدارد والله اکبر میگوید ...

و سوره میخواند و قنوت میخواند و برکوع میرود و چون ...

رکوع پنجم بر میدارد سمع الله لمن حمده میگوید و بسجود میرود و

... میکند و می ایستد و حمد و سوره میخواند و قنوت و برکوع ...

... میدارد والله اکبر میگوید و حمد و سوره میخواند ...

مطلق ... میدارد و حمد و سوره و قنوت ...

طهارت ... بخواند

... پس آید بجا آورد سوال ظنی که عبارت از رجحان یک طرف

... خلاف آن قایم مقام علم است در جمیع افعال و اقوال

رکعات نماز الا چون بعضی در رکعت اول نماز چهار

و نماز مغرب تعیین را شرط میدانند اگر در دو رکعت

... نماز چهار رکعتی یا در عدد نماز صبح یا مغرب ظن غالب

... شد بعد در و یقین میداند احتیاط آنست و این

... بنا بر ظن گذارد و نماز را تمام کند و اعاده نیز بکند

... ترک کردیم و از محل گذشتیم و باید تدارک کرد یا اگر

... و ترک واجب کرده از محل گذشتیم و بعد از آن

... یا ظن غالب شد بر اینکه آن ... در آن

... آورده ایم یا در این صورت نماز باطل است

... احوط اعاده است بعد از اتمام سوال در صورت

اگر بعد از گذشتن از محل مشکوک فیه یقین یا

ظن غالب ... بر آنکه آن فعل را نکرده نماز صحیح است یا

... نماز باطل است اگر آن فعل واجب بوده باشد

... سوال اگر بعد از گذشتن از محل ارکان نماز

... شد که فلان رکن را ترک کرده یا دو مرتبه کرده یا

فراغ از نماز ظن غالب شده که رکنی ترک شده یا ...

... گفتیم که شده یا ... شده ... ترک ... آب ...

باید کرد بنا بر آنکه ظن در نماز حکم یقین دارد یا نه جواب هم
بحث خالی از قوتی نیست و احوط اتمام و اعاده است
کثیر الشک کیست و در یک نماز سه شک اگر کند جواب
بیکدفعه و در دعای دیگر فرموده‌اند بنا بر اوصاف بر سه
بحدی که گویند فلان شک بسیار میکند کثیر الشک است
شک در در مسئله دیگر نه کرده شده جواب و دادم هم و
نماز جماعت سؤال شرط طهارت و کیفیت اطمینان بعدالت
هم چه بسید یا آنکه بدی از او ظاهر نشود و ستاتر جمیع عیوب
و ملازم جمعه و جماعت باشد و بدون عذر ترک جماعت
نکند و عمده آنست که جای مسائل ضروری خود را اصول
بدوشیه از صحیح و مشهور میان علما است گذشته‌ام و
ما بین حضرت بدلیل یقین کرده‌ام و مسائل طهارت نماز
آنچه آنرا ضرور است چنانچه قوت آن ندارد و رجوع بعلما
مسائل ضروری خود نمود بغیر علم عمدا ده باشد و از عذر
و غیبت شنیدن موشان احتراز کند پیش نماز این زمانه
عمده که هست در همین باب عدم اخذ مسائل از ماخذ
و جرأت در فتوی و غیبت کردن و شنیدن و شیوع در
درین زمان دارد و عدالت شهادت و و عادل و
... نشو اندام محمد و جزئت اگر بیست گویم

عفی

بدا

و بعد از صد سال حقیقت آورا دنده که و بعیان بیخ اسر
را تعلیم کند و نفی حقیقت از بن احوال و بعد ازین اعوجوکت
بغیر از بالک نقل کنند و شهر بیه که مزارات در بین بلاد میان
عوام میدارد اکثر مستند باتبع نمیباشد بنابراین ظاهر آنست
و این موضع مدفن آنحضرت نبوده باشد سؤال بیان معلوم نبودن
حلال از حرام و پاک از نجس استخاره جایز است و عمل بآن
میتوان کرد یا نه مثلا صنعتی مرغی بدست ما آید و بچه بیاورد و بعید به
احتمال نشود هم در آن رود یا مرغ صید شود حلیت و حرمت
گوشت آن معلوم نباشد آیا باستخاره گوشت آنها میتوان خورد
و در زمان مرغی که ماکول اللحم و غیر ماکول اللحم بودن آن معلوم نباشد
را از زرق آن بقصد تطهیر موقوف باین نحو اگر ... حیات دانیله
این جامه را بقصد طهارت از نجاست آب بکشم خوبست یا نه
و الف رضا و حکم توبنیت و هر چه آید بآن عمل نماید جایز است
جواب بسم الله الرحمن الرحیم الکریم سید ابن طاوس ره در امثال
یا استخاره قائل شده است اما ظاهرا عموریت ندارد و در مسئله
احکام حلیت غالب است و اجتناب از این قسم شبهات بهتر است الا اگر
... و در مسئله ثانیه جمعی از علما ما اعتقاد دارند و بیان اله ...
... بطرمت با حلیت ... شود و این مقدم نزد ... یا تکلیف آب خود ...

ها را خوب است **جواب** غسل زیارت جهارده معصومان علیهم السلام
و زیارت ایشان هر روز سنت است یا مخصوص روز جمعه
هر روز ظاهرا خوب است و بهتر آنست که در ایام یا محل زیارت
واقع شود **سوال** در حدیث هست که میت ملحق میشود
ایشان در مدفن خواهد بود یا نه و هرگاه در مدفن باشند
چه جا سنت است ایشان از برای قربا و دیگر شیعیان صاحب سنت
پس رفتن نزد ضرایح مقدس ایشان چه رجحان خواهد داشت
جواب بسم الله الرحمن الرحیم ظاهر بسیاری از احادیث و اقوال اکثر
علما آنست که جسد مطهر ایشان در ضرایح مقدسه هست و
بر احوال زوار مطلع میشوند و رفتن نزد ایشان قبور ایشان
مانند رفتن نزد خانه خدا با اطلاع حق تعالی بر همه و نسبت
او به همه امکنه **سوال** موضع دفن حضرت عزیر علیه السلام در کجا است
جواب در روایتی و کتابی بنظر نرسیده که تصریح بموضع دفن
عزیر شده [illegible] مولد و مدرس و منشا و مدفن
بنی اسرائیل شام و بیت المقدس بود و از اخبار و آثار
مشهور که ابتدا و منشا آنحضرت بیت المقدس بود بخت النصر
در زمان [illegible] اسرائیل اسیر کرده ببابل برده و [illegible]
[illegible] از جب او [illegible]

اخوی و اشهر آنست که قبل از جماع غسل کنند و اگر عمدا
ترک کنند قضاء آن روز را باید گرفت و کفاره نیز
باید داد **سوال** روزه قضای ماه مبارک رمضان را که به جنابت
صبح کرده قبل از ظهر توان خورد یا نه **جواب** ظاهرا جایز باشد
والله یعلم **سوال** روزه رمضان که فوت شده و داشته باشد
یا نداشته باشد آن و سفر مباح بدون ضرورت منافات
و غیر آن کند یا اثنا و سفر سنت است در جمیع امور ضرورت
چه حکم دارد **جواب** اثنا سفر بیش از هشت و سیوم بدون ضرورت
مکروه و مرجوح است **سوال** اگر کسی روزه سنتی میدارد و او را
کسی تکلیف افطار کند که این شخص در خانه او بیت ملک در
کوچه و بازار و غیر آن تکلیف میکند و لقمه نانی یا خرمایی به این کس
میدهد که افطار کنی و طعام جهت او مهیا کرده آیا در این صورت
افطار سنت است در روزه مکروه هست یا نه و آیا تفاوتی در
کون تکلیف بیابان روزه که سنت است و غیر آن یا نه **جواب** در غیر
طعامی که در خانه کسی وارد شویم و دعوت کنند حکم بکراهیت صوم
شکال است ظاهرا فرق میان سنت و تطوع نباشد و اگر امتناع از
کسی از ما انکس دعوت کنند آن داخل سنت والله یعلم **سوال** هرگاه
کسی روزه سنت داشته باشد و بخانه مومنی وارد شود و پیاله قهوه
بکشد با خرما یا لقمه نانی با دو دهند که بخورد یا تکلیف آب خوردن کند

کنند داخل طعام است و افطار با نها سنت است یا نه جواب
ظاهر اینست که افطار کردن بچنین چیزها صورت ندارد و ظاهر اخبار
آنست که اگر تخانه مومنی وارد شود و طعام حاضر کنند افطار سنت
است سوال روزه مؤکد هر ماه سه روز یا روز غدیر یا ماه شعبان
را هرگاه کسی روزه بدارد و تکلیف افطار کنند ثوابش بیشتر است
است و قضای آن را باید داشت یا نه جواب قضا نباید داشت
هرگاه افطار شرعی بعمل آمده باشد سوال دعاء وداع ماه مبارک رمضان
را چه وقت باید خواند جواب یا در روز آخر بقرینه ظاهر دعای صحیفه
کاملة اذا اشتد شوقنا غدا الیک و یا در شب آخر بنا بر توقیع ما
الامر صلوات الله علیه و اخبار دیگر که وارد شده اعمال ماه مبارک
رمضان در شب آخر جمع سوال در عید ماه مبارک رمضان که از
اول ماه سی روز گذشته باشد بدون آنکه کسی خود ماه را دیده باشد
چه روش باید نمود و هرکس ثابت شود تا آنکه جایز باشد افطار کردن
محض آنکه از بعضی علما و صلحا شنیده رحجا عینی شهادت داده اند که ماه
را دیده اند جایز است افطار کردن یا نه جواب احتیاط اینست که
همین شنیدن از آن جماعت که نزد ایشان ثابت شده اکتفا نکند
بلکه خود از شهود بشنود تا علم عینی به شهادت حاصل شود از شهادت
عادلین با شیاع و ظاهر آنست که اگر اطلاع بهم رسانند که اکثر اهل بلد
از علما و صلحا بسبب دیدن ماه افطار کرده اند افطار توانند کرد

فی چند حرف زده و مردان ایشان به ثبوت سوال هرگاه جواب
شن وا برخاسته و جمعی گویند و شهادت و بعضی ماه را دیدند در بلد
در خارج بلد و یا آنکه بعضی از اطراف است ثابت شد چند گواه ثابت
شود سوال عقاب به رؤیت هلال ثابت نشود یا نه جواب مشکل است
ثبوت هلال عقاب به بلکه آنکه منظم بقراین چندی که افاده علم کند
سوال هرگاه هلال شوال پیش از زوال دیده شود افطار باید کرد
یا امساک جواب احوط امساک است بنیت احتیاط سوال احتیاط چگونه
میتوان کرد و حال آنکه از ماه رمضان است و امساک واجب
است و اگر روز عید است امساک حرام است و در امر مردد بین وجوب
و حرمت آن تقص باشد چگونه احتیاط میتوان کرد جواب دلیل بر
حرمت امساک در صورت نیست و ابقاء بنا بر حجیت استصحاب
حکم امساک بر طرف نشده و الا اقل امساک حرام خواهد بود که
و در افطار احتمال وجوب کفاره نیز میرود فصل دوم در احکام
قصر در صوم و صلوة و در آن چهار بحث است بحث اول
در بیان مسافتی که در آن قصر لازم است سوال قصد چهار فرسخ
موجب قصر است یا نه جواب هرگاه قصد چهار فرسخ داشته باشد
و عزم اقامت در سر چهار فرسخ یا جایی که در آن استیطان
شش ماه محقق باشد نداشته باشد قصر میکند در راه و در منزل و الا در
راه و در منزل برود و تمام میکند سوال کسیکه قصد مسافت چهار فرسخ

جواب در جمیع ... [illegible]

در احکام قصر صوم و قصر صلوة

استیطان

ثبوت هلال ماه شوال

داشته باشد و نیت اقامت ده روز در آنجا نداشته باشد قصر
یا تمام جواب اگر قصد اقامت نداشته باشد قصر باید کرد سؤال
قصد چهار فرسخ نموده همان روز نداشته باشد اما
عشره قصد رجوع داشته باشد تمام میکند یا قصر جواب قصر
اظهر میدانم و شاید احتیاط تمام را نیز بکنم سؤال اگر در چنین
احتیاط هر دو را خواهد بکند وقت مضیق باشد کدام یک را مقدم
دارد جواب چون قصر اظهر است آن را مقدم میدارد و اگر وقت
نمانده باشد بعد از آن تمام را قضا بجا می آرد و سمیع(?) سؤال هر گاه
قصد چهار فرسخ دارد و نمیداند که در همان روز بر خواهد
گشت یا بیش از ده روز قصر کند یا اتمام جواب ظاهراً اتمام احوط باشد
سؤال آنکه گفته اند مسافر مخیر است در قصر و اتمام در سفر چهار
فرسخ هر گاه اراده عود در همان روز نداشته باشد آیا مراد
این اطلاق است نسبت بکسی که قصد رجوع پیش از ده روز
یا بعد از ده روز دارد و یا قصد رجوع اصلا ندارد و
جواب مراد اطلاق است و ابن ابی عقیل رجوع پیش از
ده روز را اعتبار کرده است سؤال پنج فرسخ و شش فرسخ و
هفت فرسخ نیز حکم چهار فرسخ دارد در قصر و اتمام یا نه جواب
بلی سؤال اگر کسی قصد دارد در سفر چهار فرسخ بعد از ده روز
خواهد برگردد این نحو که از سر دو [illegible] رفتن از منزل خود یک فرسخی

یا دو

یا دو فرسخی [illegible] روز مثلا خواهد بود در مکان مخصوص است چهار
فرسخ است نه روز یا کمتر خواهد بود و بعد از برگردیدن در آنجا
آن مرتبه نه روز مانده بود یا ده جای دیگر از این عرض راه
نه روز خواهد بود آیا چنین کسی با وجود آنکه قصد هشت فرسخ
دارد ذهاباً و ایاباً و قصد اقامت در هیچ ندارد قصر میکند یا تمام
جواب کان فیه قصر است و اگر جمع بین القصر و الاتمام کند
خروج عن الخلاف ظاهراً بد نباشد سؤال هر گاه اراده داریم
از همه جا بوکه(?) منزل خود دو دو و نیم فرسنگ است هیچ کمتر از یک
فرسنگ زیاده از آن نباشد تا برسیم بجایی که اول بآنجا رسیده
بودیم از آنجا بمنزل خود آییم تا هشت فرسخ تمام شود آیا نماز را
در این صورت تمام باید کرد یا نه اگر شش فرسخ مذکور رسیده
فرسنگ دائره نباشد مثل کاهی تا منزل او نیم فرسخ است و
[illegible] فرسخ و نیم مثلا مجموع باز هشت فرسخ نشود باز حکم
[illegible] باشد یا نه جواب اگر انتهای [illegible] خود تجاوز بکند
مجموع حرکت هشت فرسخ است ظاهراً قصر باید کرد سؤال هر گاه
اراده جایی داریم اما از آنجا هفت فرسخ یا آنکه زیاده است
تا منزل داریم اما هشت فرسخ هست یا نه با آنکه اراده [illegible] داریم
تا آنجا چهار فرسخ بودن مشخص نیست و قبل از عشره اراده
عود داریم فقط هر کدام از این سه صورت و فیه که از منزل خود

بتوق میرویم بسمتی دیگر غیر سمت مقصود قدری حرکت کرده
بمکان دیگر میرویم و بعد از آن بسمت مقصود متوجه میشویم اما در
صورت اول آنقدر میرویم که مجموع حرکت هشت فرسخ شود و در
صورت ثانیه این قدر که هشت فرسخ ذهابا و ایابا مشخص
ابتدا
از قصر فایده دارد یا نه بر تقدیر یکه فایده داشته باشد آیا سوال
و در آن مکان غیر مقصود از منزل خود بقدر ترخص باشد
یا شرط نیست جواب ظاهرا آنچه است اما رعایت قدر ترخص
در کار است سوال اگر این حرکت زیاد غیر مقصود بلاد در صورت
مذکوره در وقت بیرون رفتن از منزل خود نکند بلکه و قصد
بنماید بعد از رسیدن بمکان مقصود از مکان مشخص شدن مسافت
بدون آنکه شغلی دیگر داشته باشد تا بجای مذکوره بطرفی حرکت کند
باز برای قصر فایده دارد یا نه جواب ظاهرا خوب است سوال و در شماره
و رستنیها اعتماد میکنند مردم آن ولایت میتوان کرد اگر بمرد خراسان
باشند جواب ظاهرا اعتبار شهرت توان گذاشت
سوال کثیر السفر را باید نماز و روزه تمام کند کدام است جواب
مکاری و جمال و اجیر و ساربان و کسیکه در سفر سیوم البته باید تمام
بکنند و اگر این جماعت ده روز در منزل خود باشند یا در بلاد
دیگر قصد اقامت ده روز کنند بعد از آن در سفر اول لازم
احتیاطا قصر و اتمام هر دو بکنند و بعد از آن در سفر سیوم تمام
جواب در هر صورتی که در منزل خود ... میشود از آن محل تا خانه هشت

ایضا فرمودند که سکه عملش سفر باشد مثل مکاری و برکاردار
خود اقامت نماید و بعد از آن سه فرسخ احوط آنست
تمام هرا بکنند تا آنکه وضع دیگر منزل خود برسد و قصد اقامت
... در این صورت قصر بر او لازم است سوال جایی که
... بسمت خود میکرده باشند آیا در سفر سیوم و بعد
از آن تمام کنند یا قصر جواب قصر اقویست واحتیاط آن است
تمام نیز بکنند سوال هرگاه کسی به دستانی رود و قصد نداشته
ده روز باشد مثل همیشه در تحقیق است و گاهی در بعضی جاها
ده روز میماند بی قصد و گاهی زیاده و گاهی کم و همین
گاهی یک فرسخ و گاهی دو و گاهی هشت و گاهی نه و
چهار و برا این قیاس در نظر ... دوار ده سه ماه و چهار ماه
... باشند چنین کسی نماز را قصر میکند یا تمام جواب اگر
... محل هشت فرسخ باشد نماز را قصر میکند مگر آنکه ...
... تجارت ده بده گشت یا آنکه خرمنها یا بدینه نشین باشند
... آب و علف رفته و الله یعلم سوال هر قسم شکاری باشد
... چرغ و باز و باشه و غیر اینها هرگاه صاحب شکار احتیاج
... نداشته باشد بر تقدیر یکه لشکار رود و در شکار ... چند روز
... شکار صرف میشود اما آن شکار موجب قصر نماز و
روزه هست یا نه جواب اگر برای لهو باشد تمام میکند و اگر برای قوت

خود و عیال خود باشد قصر میکند سؤال هرگاه شخصی نوکر شد نزد
حاکمی و تنگ دارد اگر نوکری نکند ضرری باو خواهد رسید یا اگر
ضرر نخواهد رسید و در هر یک از این دو صورت در سفر نماز روزه
را قصر میکند یا تمام جواب بسم الله الرحمن الرحیم نوکری حکام اگر
بجرایم و بکردن با خوف ضرر شدید باشد مرتکب نمیتواند شد
بی از از ارتکاب آن خصوص هرگاه مجبور باشد ارتکاب آن
جایز نیست و قصر کردن نماز محل تأمل است باین وجه که مذکور شد
والله العالم سؤال حکام جور هرگاه در بلاد حکومت خود از جایی
بجایی سفر نمایند نه بقصد حکومت و ایذای مسلمانان بلکه
جهت سیر و تفرج و هرگاه باشند آن قدر حکومت و تسلط
هم ایشان را در مکان اول میسر بود در مکان ثانی مقصود
نماز ایشان در سفرات غیر مباح و اتمام قصر است و الله العالم شیخ
جواب اگر کسی سفر مشروع کند و در اثنای راه اثنای قصد برگرداند
سفر خود را مباح سازد و یا از راه جدا شد بطرف دیگر و
آن راه جهت امر مشروع حرکت نماید و باز بسر جاده راه برگشت
و تا بسر آن راه آمدن قصر میکند یا تمام و مقدار مسافت
از موضع شرط است یا نه از ابتدای سفر و همچنین اگر یک کسی
انتقال
هم در اثنای سفر مشروع بغیر مشروع منتقل شود جواب در صورت اول
ظاهر آنست قصر باید کرد و در اشتراط مسافت از موضع انتقال بحث

است و اشهر اشتراط است و بعد آنست که از موضع انتقال بحد
ترخص آنجا نرسد جمع کند بین القصر والاتمام و در صورت ثالث
مطلق تمام میکند تا از این قصد مسافت سیم در قواطع
سؤال اینکه در احکام وارد شده که اگر کسی در دهی یا شهری
شش ماه استیطان نمودی هرگاه در اثنای سفر بآنجا برسد سفر
قطع میشود مراد آنست که هرگاه سالی یا شش ماه مانده باشد یا سال
اگر شش سال هر سال یکماه مانده باشد یا بعضی سالها شش ماه
مانده باشد نیز کافیست جواب ظاهرا مراد آنست که هر سال شش ماه
در آنجا مانده باشد و شرط نیست که شش ماه متوالی باشد بلکه تفریق
هم کافیست و اگر قدر هر سالی شش ماه نمانده در صورت دیگر
اگر قصد اقامت کند احوط جمع بین القصر والاتمام است
سؤال هرگاه از وطن اصلی خود بجای نقل کرده باشد و با جای مسکن خود
کرده باشد و چند سال شد پس بعد چند سال دیگر اتفاق افتاد که
آنجا نباشد بعد از این اگر بآنجا رسید بدون قصد اقامت چه حکم
دارد جواب هرگاه اعراض از آنجا نمود و مسکن خود نکرده باشد پس در حکم وطن
نمیشود و حکم وطن دارد تمام میکند سؤال و در صدق وطن بودن مانند
در آن مکان کافیست یا ملک داشتن هم شرط است و بر تقدیر
ملک داشتن شرط باشد در وقت اقامت شرط است یا اگر در
در وقت اقامت ملک داشته باشد اما حالا ملک از دستش رفته

یا بعد از آن ملک بهم رساند نیز کافیست جواب ملک داشتن شرط است
والاظهر احوط آنست که در وقت اقامت شرط ملک داشتن یا آنکه خود یا خدمه
سؤال اگر شخصی اراده جائی دارد که تا آنجا صد فرسخ است در
هر منزلی کمتر از هشت فرسخ منزلها دارد که در آن ملک دارد و در آن شش ماه
بود آیا نماز را در آن منازل و غیر آن تمام میکند یا نه جواب بنابر آنکه
منزلی را شش ماه استیطان کرده قاطع سفر است چنین خواهد بود
اما این مسئله محل اشکال است مگر آنکه هر سال شش ماه در آنجا
بماند سؤال هرگاه شخصی اراده جائی دارد که تا آنجا چهار فرسخ
زیاد است اما بحد مسافت نمی رسد و در اثنای راه منزلی دارد آیا در
آن نماز را تمام باید کرد و آیا اگر قصد کند که در وقت رفتن و یا
آمدن بآنجا رود یا آنکه در وقت رفتن قصد نداشته باشد و بعد از
بیرون رفتن قصد کند که بآنجا رود آیا قصر کند در هر کدام از
شقوق یا نه جواب ظاهرا در هر دو صورت سفر بهم میخورد
سؤال اگر در راه هشت فرسخ بقدر یک میل از حد ترخص بگذرد آیا
قصر میکند یا تمام جواب مشهور آنست که اگر از حد ترخص آن
نگذرد سفر منقطع میشود و مسئله محل اشکال است سؤال گفته اند هر
گاه کسی در موضعی قصد اقامت کند و یک نماز تمام در آنجا کند بعد از آن
هرچند رأیش از ماندن برگردد و باز تا آنجا هست قصر نمیکند آیا مراد
نماز تمام نمازیست که از شان او قصر است مثل ظهر یا عصر و عشا

و هرگاه بقصد نماز حضر کند همین حکم دارد جواب مراد نماز است
که از شان او قصر باشد سؤال هرگاه شخصی در بلدی قصد اقامت
داشته باشد و چون بکمتر از حد ترخص آن بلد رسد وقت نماز ظهر شد مثلا
داخل بلد شد و خود جاهل بوده از خلاف قصر و اتمام بود نماز گذارد و بعد از
بلد قصد اقامت نمود و هنوز نماز را در آن بلد نکرده است
آیا بعد از آن اگر در همان روز و همان بلد نماز کند تمام
باید بکند جواب بنابر آنکه یک نماز تمام در آنجا کرده یا قصر چنین
نماز تمام فایده ندارد باید بعنوان جزم تمام کند مع
چهارم در بیان حد ترخص سؤال معیار حد ترخص که هرگاه به قدر
آنجا برسد قصر باید بکند چیست جواب خفاء اذانست و معتبر در
اذان اگر بلد عظیم نباشد اذان بلد است و اگر عظیم باشد اظهر آنست
اذان محله معتبر باشد سؤال اگر کسی بدون عزیمت سفر بحد ترخص بلد
خود رسیده و در آنجا عزیمت سفر بهم رساند از برای قصر همان حد
ترخص کافیست یا در همان جا قصر بود و لازم است که عزیمت سفر
تا آنکه هرگاه بحد ترخص دیگر از آن مکان دور شود قصر لازم
شود و اگر آن بلد بلد اقامتش باشد یعنی بلد خودش نباشد اما در آنجا
قصد اقامت عشره نموده باشد حکمش چیست جواب اگر بلد خودش باشد
از همان مکان قصر میکند بنابر آنکه بدون عزم سفر در زمان بعد
ترخص با آن مسافت تمام باید بکند یا آنکه اول عزم عود داشت

عشرهٔ مستانفه داشته ظاهرا اگر بقدر حد ترخص دیگر حرکت کند
قصر میکند سؤال جائی هست که قصر یکی از نماز و روزه باید کرد
دون دیگری جواب در موضع تخییر موافق مشهور در نماز تخییر است
و در روزه قصر باید کرد و چند موضع دیگر فرق که نماز و روزه
مشهور است سؤال هرگاه مسافر در جائی قصد اقامت نماید
و نماز را تمام کند و بعد از آن از موضع اقامت حرکت خواهد کرد
بقدر کمتر از مسافت زیاده از حد ترخص آیا نماز را تمام میکند
یا قصر جواب بسم الله الرحمن الرحیم اگر بعد از مراجعت قصد دارد ده
روز دیگر بماند تمام باید کرد و اگر ندارد احوط آنست که قصر و اتمام
هر دو بکند والله یعلم سخط مد ظله و در جای دیگر فرموده اند که اگر عزم
مراجعت بآن مکان اصلا ندارد قصر باید کرد و اگر دارد و قصد
ماندن ده روز دیگر دارد و رفتن و آمدن در مکان مقصود
تمام میکند و اگر عزم مراجعت دارد و قصد اقامت دیگر ندارد
باز تمام کردن اولویت و اگر احتیاطا قصر را نیز بکند بهتر است سؤال
چه میفرمایند در باب مسافری که در مکانی قصد اقامت عشره نماید
و بعد از آن تجاوز نماید از حد ترخص آن مکان بقصد عود و اتمام
عشره منویه دون عشره مستانفه آیا قصر صلوة و افطار صوم میکند
یا نه جواب درین مسئله خلاف بسیار است و احوط آنست که جمع کند
میان قصر و اتمام والله یعلم سؤال هرگاه نمازی در حضر بر شخصی واجب

شد

زکوة و خمس

شد و آن را نکرد و مسافر شد یا بالعکس آیا وقت وجوب معتبر است
و تمام باید کرد یا وقت ادا و قصر بکند جواب ظاهر شیخ طاب ثراه اعتبار
ادا است و احوط جمع بین القصر و الاتمام است و در جای دیگر
فرموده اند که احوط آنست که هرگاه در بلد وقت داخل شده یا
قبل از خروج نماز را بکند همچنین مسافر را احوط آنست که هرگاه
قبل از دخول وقت داخل شده بین نماز که داخل شهر و [illegible]
بین قصر و اتمام احتیاطا باید که احتیاط آنست که در ماه مبارک
رمضان روزه بگیرند و قضا کنند کتاب زکوة و خمس و در آن
سه مطلب است مطلب اول در بیان احکام زکوة و در آن چند
مبحث است مبحث اول در بیان آنکه زکوة بچه چیز واجب است سؤال
هرگاه ملکی را اجاره دهند زکوة بر کیست جواب بر مستاجر است
و اگر علم داشته باشد موجر که مستاجر زکوة نداده و عین آن جنس را
باو داده احوط دادن زکوة است سؤال هرگاه زارع مستاجر از
موجر زر بعنوان قرض بگیرد زکوة حاصل بر کیست جواب بر مستاجر
است سؤال شخصی ملکی را [illegible] و در آن زراعتی یا باغی دارد
اگر [illegible] حاصل آن را بخرد زکوة را مشتری باید بدهد یا صاحب ملک
جواب اگر در حین بیع کردن وقت تعلق گرفتن زکوة شده باشد
بر ذمه صاحب ملک تعلق میگیرد و اگر پیش از تعلق گرفتن زکوة
شده باشد بر مشتری است سؤال از مال صغیر زکوة دادن و غلات و غیرها

بر وجهی یا قیمتی یا کسیکه مالک صغیر عرفاً باعتبار خویشی در دست
اوست واجب است یا نه جواب مشکل است دادن زکوة در
چنین صورتی بحث دویم در بیان نصب زکوة و چیزهای که در
آن زکوة واجب است سوال نصاب گوسفند چند است جواب
بسم الله الرحمن الرحیم نصاب اول گوسفند چهل است و در آن
یک گوسفند باید داد و نصاب دویم صد و بیست و یک است
و در آن دو گوسفند باید داد و نصاب سیوم دویست و یک
و در آن سه گوسفند باید داد و نصاب چهارم سیصد و یک
و در آن چهار گوسفند باید داد اگر شرایط وجوب متحقق باشد
والله العالم بحقایق احکامه سوال در زکوة گوسفند هر گاه بسیصد و
بر صد یا یک گوسفند باید داد یا بچهار صد جواب احتیاط است
که در سیصد و یک چهار گوسفند بدهد و در چهار صد نیز چهار
سوال جو و گندم نصابش چند است و قرار نصاب بعد از وضع
اخراجات است یا نه و چه قدر میباید داد جواب نصاب [illegible]
صد و پنجاه و سه من و نیم است بوزن شاه تقریباً و از آن بعد از وضع
خراج سلطانی قبل از وضع اخراجات دیگر عشر یا نصف عشر باید
داد سوال زکوة زر نصابش چند است جواب نصاب اول بیست
اشرفی است و نصاب [illegible] نقره سیزده هزار و دویست دینار است
تقریباً و زکوة نقد با این شرط واجب است که تمام سال نقد باشد

بقدر

نصاب زکوة

بقدر ربع عشر هر ساله باید همه را داده است سوال
محصول وقف هر گاه بسر حد نصاب رسد زکوة هست جواب که اول
زکوة را باید اخراج نمود و بعد از آن بمصارف وقف صرف
باید کرد مگر آنکه در مصارف وقف مستحق زکوة باشد [illegible]
سیوم در بیان مصارف زکوة سوال مراد از مومنینی که اورا
یتیم او را زکوة توان داد و حاجت عامی که معاملات بدین قدر باشند
مثل بعضی دوازده امام شنیده و نام ایشان را نمیدانند و
بعضی نام را یاد گرفتند اما نمیدانند که امام چه معنی دارد که خلیفه
بر حق بعد از پیغمبر است چه جای آنکه دلیل اجمالی بر حقیقت ایشان
یا بر حقیقت نبی داشته باشند [illegible] بمومن است
که اول مرتبه معرفت باصول خمسه و اعتقاد بحقیقت ایشان
بدلیل اجمالی داشته باشند و ظهور صلاح [illegible] دانسته اند و بعضی
هستند که در نهایت احتیاط معتقدند اما نماز نمیکنند یا اگر نماز میکنند
بر وجهی باطل آورند که جزماً بسبب عدم قرائت یک یا غلط
کلمات و اعراب و ترک بعضی واجبات نماز شان باطل است
و زکوة و فطره دادن بچنین جماعت چه حکم دارد جواب اگر
دانسته اند صالح بهم رسد بهتر است و اگر چنین شخصی بهم نرسد
بضرورت میتوان داد سوال طلبه علوم را توانند میان قدر تحصیل و
کسب یا تجارتی و زراعتی جمع کنند بهتر است یا از وجوه مستحق آن

٣١

بگیرند و در تحصیلات بیشتر مشغول شوند و هرگاه جماعتی مذکوره از
سواد اعظم نقل کرده به روستایی روند از برای رعایت مردم
و معاش از غیر وجوه مذکوره میسّر شود لازم است رفتن یا
هیچ یا بر عکس چون در سواد اعظم در خدمت فقها مسائل
شرعیه تحصیلات میکنند و در علم نیز ترقی میشود سؤال بسم الله الرحمن الرحیم
با قدرت بر کسب اگر با طلب علوم ضروریه جمع شود و در نیت
او بهتر از اخذ زکوة و صدقات باشد و اگر داند که بتحصیل
او فواید عظیم از نشر علوم و رفع بدع مترتب میشود و با کسب
جمع نشود اخذ صدقات بهتر خواهد بود والله یعلم سؤال
هرگاه شخصی مسلمان و فقیر باشد و اهلیت آن نداشته باشد که زکوة
باو بدهند اما خود طفل صغیری دارد وجوه زکوة باو میتوان داد
یا نه جواب ظاهراً توان به پدرش داد که خود خرج او کند یا شخص دیگر
بجهت او بدهد که خرج او کند جواباً بهتر ولی نداشته باشد زکوة دادن هم
صورت دارد جواب احوط آنست که خود صرف آنها نماید سؤال
در بعضی صورت که یافته را تصدق میکند با نیت که هرگاه صاحبش
معلوم شود اگر راضی باشد فبها و الا خود عوض را باو بدهد و اگر
احیاناً بقرینه معلوم باشد که صاحب آن سید بوده [illegible]
بسبب نقص [illegible] ظاهر نشد آیا بسید میتوان داد یا
چنانچه سید نباشد جواب [illegible] باب احوال متصدق مستطر اعتبار

داده بوند صاحب مال است جمیع سؤال سادات اضطرار
بحدی رسیده که از زکوة واجب و فطره از غیر سید میتوانند
گرفت جواب ظاهراً اگر اضطرار بحدی رسیده که خوف تلف شود در این صورت بقدر سد رمق میتوان گرفت
سؤال کسیکه مادر او سیده است پس دادن زکوة باو چه صورت
دارد جواب میتوانند زکوة بوی گرفت که نسبت از جد و مادر
سید نباشد اما زکوة بهتر خود را میتوانند گرفت سؤال
هرگاه از شخصی طلب داشته باشیم و او نداشته باشد اگر بدو عوض
زکوة حساب شود یا نه جواب و اگر [illegible] و ظاهر [illegible] زکوة
احتساب میتوانند کرد سؤال [illegible] از فقراء [illegible]
میگیرند [illegible] مذهب حق تشیع [illegible] از ما میگیرند
جواب [illegible] زکوات حساب میتوان کرد سؤال وجه زکوة صرف تعمیر
مسجد و مدرسه نمودن جایز است یا نه جواب مشهور
جایز است و با وجود مستحق احوط ترک است سؤال فطره
ماه مبارک رمضان چه مقدار است که باید داد و بچه شخص
واجب است و وقت فطره دادن [illegible] وقت
است جواب کسیکه خواهد بجمیع احادیث نهایت احتیاط کند
از هر نفری دو من بوزن تبریز باید داد و اقلش یک من
چهار ده مثقال [illegible] بوزن تبریز باید داد و در هر [illegible]
اوقات قوت او و عیال او دست و کسیکه قوت [illegible] از

جهت خود و عیال با عزت داشته باکسی داشته باشد که وفا
باخراجات او و اهل و عیال او نمیکرده باشد واجب نیست
که فطره بدهد فطرهٔ خود را و جمیع واجب النفقهای خود از غلام
و کنیز و کسیکه در شب عید قبل از غروب آفتاب در خانهٔ
آن شخص بضیافت رفته باشد و نفقهٔ او اختیار کرده اما
وقت فطره دادن پس شب عید بعد از دیدن ماه واجب
میشود و میباید که داده شود پیش از نماز عید و تا وقت
ظهر روز عید ادا است و بعد از ظهر خلاف است که آیا
فطره ادا است قضا یا تصدق است و اظهر آنست که فطره
قضا است و کسیکه قوت سنه خود داشته باشد یا کسبی داشته باشد
که وفا باخراجات او کند سنت است فطره دادن چنین
شخصی را از خود و عیال خود و اگر قدرت نداشته باشد که یک صاع
گندم را میان ... اراده دست گردان کند و از مستحق
خارج بدهد سؤال هرگاه نوکر یا اجیر جیره قرار کرده باشند که در
شب عید باو جیره بدهد و ناگاه در خانه آن مرد طعام خورده
باشد آیا فطرهٔ او بر صاحب خانه لازم است جواب در شیعود
بر صاحب خانه لازم نیست بلکه در هر صورت که عیال او شود
لازم است این حق اجرت ... سؤال هرگاه مهمانی در
شب عید فطره خبری بدهد و بآن افطار کند و معطی فطره او

لازم است

لازم است یا نه جواب ظاهر الازم نیست زیرا که ضیف وارد
نشده بجهتی که عیال مضیف شود و سائل داخل ضیف نیست
سؤال فطره یک شخص را تبعیض است یا نه جواب

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله والسلام علی عباده الذین
اصطفی باید دانست که آخوند شیخ ابراهیم بن محمد همدانی که از
حضرت امام علی نقی علیه السلام روایت کرده است که صاع
شش رطل است به رطل مدینه و نه رطل عراقی و درهم است
پس صاع هزار و صد و هفتاد درهم است و بعض علمای شیعه
و سنی اتفاق کرده‌اند که هفت دینار و ده درهم جاهلیت و اسلام تغییر
نیافت و ایضاً اتفاق کرده‌اند که هفت دینار ده درهم است
و درهم شرعی موافق ... دینار شرعی میشود از زر
رایج قدیم و مثقال شرعی سه ربع مثقال صیرفی ...
و بنابراین صاع نیم من شاه و چهار ده مثقال ... میشود
و بعض احادیث واقع شده که صاع چهار مد است و اجماع
علما نیز بر این نقل کرده‌اند پس مد ... درهم ...
و چهار مثقال میشود ... و بعض احادیث وارد شده
درهم زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... واقع
... است پس بر وفق ... نیم ... دینار ...
... و یک مثقال قدیم است و این احادیث را مذکور شد

اکثر در حد صاع فطره وارد شده است و موافق حدیث
سلیمان بن حفص مروزی را از حضرت امام رضا علیه السلام روایت
کرده اند صاع نه رطل است و نهصد و شصت درهم است و
درهم شش دانگ است و دانگ شش حبه است و هر حبه
برابر دو جو است اما جوهای وسط پس صاع موازی صد هزار
و هشت صد جو میانه میشود و جو در وزن اختلاف بسیار
دارد و بسیار میشود که تفاوت یک من شاه بشود و نه صد بیست هزار
و سیصد و شصت جو میشود و رطل عراق نه یک صاع میشود
و ابن بابویه علیه الرحمة و الرضوان چنین جمع کرده است میان
احادیث صاع را که محمول بر خبر سلیمان بن حفص نماها
اند و صاع فطره را بر حدیث ابراهیم محمد و الدفقیر رحمه الله
علیه این وجه را متوجه شده است زیرا که شواهد احادیث بر این
دلالت دارد و بگمان فقیر موافق جمع بین الاخبار آنست
که در خبر شش نه درهم بر خبر سلیمان شود و بنابر عدد
صاع و درهم بر حدیث ابراهیم پس بنابر تحدید مشهور درهم
صاع ممکن است شش یک کفه است که چهار یک صاع من و بیست و
یک مثقال و نیم تقریبا میشود و مد چهار یک این مقدار او شود
رطل سه یک این مقدار است و اوقیه موافق احادیث نیم
درهم است و موافق مشهور بیست مثقال و نیم صرافی است او

درانی

فصل در احکام خمس است

و موافق حدیث سلیمان سی مثقال و ربع و قیراط و حب
مشهور شیء یک مثقال و شش حبه و بعضی دوازده و یک
نیز گفته اند و نفع معلوم بر یک فرد رساله اوزان مذکور است
و الله تعالی لحقایق الامور و حجة الکرام علیه السلام مقصد دوم
در احکام خمس و در آن شش بحث است مبحث اول اول
در بیان چیزهایی که خمس در آن واجب است سوال خمس در چه
چیز لازم میشود جواب اغلب اوقات در ارباح تجارات و صناعات
و زراعات واجب است سوال خمس از چه منافع باید داد
بچه شرط خمس قرار میگیرد جواب هر نفعی را از ارباح تجارات
و زراعات و مکاسب بغیر از اخراج مؤنات و بعد از اخراجات
فرزندان آن شخص آنچه در آخر سال زیاده بیاید خمس باید داد
سوال در غیر ارباح تجارات و امثال آن مثل آنکه نوکری کند
یا وظیفه یا اجاره نماز و روزه گرفتن یا اجرت خواندن قرآن
مبلغی بهم رساند هر گاه از قوت سنه زیاد بیاید واجب است
خمس آن را بدهد یا نه جواب اظهر این است و هر گاه عرفا کسب او
شده باشد باید داد و احتیاط آنست که در همه بنسبت بحال
او خطیر گویند و در میراث که باو رسیده از جایی که گمان نداشت
خمس چه بدهد بنابر حدیثی که علی ابن مهزیار نقل کرده سوال
آنچه بعنوان میراث بشخصی برسد از ملک و غیر آن باید بشود

فصل در احکام خمس

فرع صحیح میشود بهانت چون باو والمدات شد وحیث اعتبار آیا
در این صورت بعد از گرفتن خمس جمیع آن را باید داد یا بقیه
را باید داد جواب اگر کل قرض بجهت بوده احوط آنست که جمیع
را بدهد والله یعلم سؤال چیزیکه خمس آنرا داده دیگران
خمس آن واجب است یا نه واگر آنرا در آن وقت نفروخته
و بعد گران شود وخمس مستقر میشود یا نه جواب بعد از
نقد کردن خمس داده میشود جواب ندیم در شروط خمس سؤال
ایجاد ارباح تجارات وزراعات وصناعات بهر سه اولا خمس
خمس فاضل موئنت سال را باید از آن داد یا بعد از انقضای
سال آنچه معلوم شود که زیاد آمده جواب قبل از انقضای
سال میشود اما ظاهرا توان داد سؤال قرار ابتداء سال که هرچه
زیاد آید از اخراجات سال خمس باید داد مفوض باینکس
است که هرگاه خواهد قرار دهد یا قاعده علیحده دارد جواب
اولش آن وقتی است که شروع بکسب یا به تجارت یا زراعت
کرده است سؤال آیا در هر فرد چیزیکه از خرج روز بروز زیاد
آید گذشتن سال شرط است در وجوب خمس یا اینکه مثلا اگر ابتداء
سال فایده خود را عید ماه رمضان قرار دهد ودر آن روز
فوائد کلی برای او حاصل شود اگر در عرض این سال اگرچه
روز آخر ماه رمضان باشد آنرا صرف کند خمس ندارد واگر

در ... خمس

باو خمس در آن واجب است یا نه جواب مشهور آنست که
واجب نمیشود واز حدیثی ظاهر میشود که اگر میراث بهم رسد از کسیکه
گمان نداشته باشد یا بخشش عطائی باشد که متوقع نباشد باید داد
ودور نیست که سنت باشد واحوط عمل باو است سؤال
اخذ مال الناصب حیث ما وجدته وادفع الینا الخمس چه معنی دارد
جواب کسیکه عداوت اهل بیت علیهم السلام داره مالش حلال است
وخمس باید داد واز بعضی احادیث ظاهر میشود که جمیع شیعیان
این حکم دارند ودر صورت اخیر احوط ترک است سؤال اگر
کسی یک تومان داشته باشد ومثلا بعد از ده سال یا بیست سال
مال او صد و یک تومان برسد بسبب سود واگر یا زراعت یا
کسب آیا در این صد تومان خمس واجب است باعتبار اینکه
از نفقه این سالها زیاده آمده یا نه وهمچنین بر زن واجب است
که از مهر خود خمس بدهد یا نه جواب خمس صد تومان را باید داد
ودر مهر خمس واجب نیست سؤال در نتاج شتر و گاو و گوسفند هرگاه
از اخراجات سال زیاد آید خمس واجب است جواب وجوب
معلوم نیست سؤال وهمچنین اگر قیمت زیاد شود جواب اگر ملک را
برای تجارت خریده باشد بلی والا نه سؤال اگر شخصی ملکی را با چهار جریب
دو دو سال یا سه سال بخرد و یا نوکری کند و آنقدر اخراجات او هرروز
بشده باو نرسد دو دو سه سال بکند و در هر دو صورت اگر

اخمو

روز جمعه و نیم یا نیمه ماه مبارک رمضان فایده کاسبی او افتد و آن را خرج نکند تا بروز عید تا عید ماند حاصل است که از خرج سال باید آمد و خمس واجب است کدام ازین دو مراد است جواب از روز عید تا عید دیگر هرچه منافع بهم رسید بعد اخراج متعارف حال او شده از کم یکدیگر جدا میروند و آنچه باقی ماند خمس آنرا و بدهد سوال اگر امسال صد تومان قرض کنیم و خرج شد و بعضی از آن باقی مانده و در سال آینده آنقدر چیز بهم رسید از او گذشت و قدر خرج زیاد آمد آیا خمس آنچه زیاد آمد آیا خمس آنرا باید داد جواب بلی باید آنرا در هر سال بهم رسید قرض آن سال را از آن میتوان داد و قرض سال دیگر را دادن اشکال دارد سوال کسی مثلا ده تومان داشت و خمس آنرا داده و در اختیار سال دیگر تجارت میکند جمیع اخراجات سال او باید از فایده باشد یا بعضی از اصل و بعضی از فایده و بر فرضی که مداخل دیگر نیز داشته باشد چه حکم است جواب اخراجات از فایده او است و چنانچه مداخل دیگر نیز داشته باشد اخراجات را توزیع بر ربح تجارت و آن مداخل بالسویه میکند جواب قول شهید در تعبیر فی وجوب الخمس فی الارباح اخراج مؤنته و مؤنة عیاله الواجبی النفقة و غیرهم حتی الضیف متقصد فیها اسراف و تقتیر بحسب اللایق بحاله فان اسرف حسب علیه ما زاد و ان قتر حسب له ما نقص علی الجمیع آن متفق است یا نه جواب موافق فتوی است

سوال هرگاه شخصی زمین میکند جهت مس و آهن و نمک و غیر آنها آیا اخراجات آن سال و اخراجات معدن هر دو را بیرون باید کرد و بعد از آن خمس داد یا همان اخراجات معدن را و بس جواب اخراجات معدن بیرون میرود و بس سوال هرگاه مثلا کسی نذر کند هرچه از ربح تجارت بهم رساند در وجوه بر فلان مدرسه صرف کند آیا بعد تحقیق سایر شرایط وجوب خمس اول خمس و اخراجات و مصارف خمس باید صرف نمود یا تمام آن ربح را باید در مصرف نذر صرف نمود جواب ظاهر اول باید خمس و اخراجات نمود و باقی را صرف مصارف نذر کرد سوال هرگاه شخص غریبی آمده گوید من سید م بدون ثبوت خمس باو میتوان داد بر فرضی که مشهور باشد غیر سید گویند میتوان داد بدون علم بضبط سلسله جواب خمس دادن بدون ضبط سید یا شهادت عدلین برو علم شرعی بنسب او بهم رسد مشکل است سوال خمسی که واجب است دادن آن خواه حصه امام خواه حصه غیر امام خود صاحب مال خود میتواند آن را بصاحبانش برساند یا واجب است بمجتهد جامع الشرایط عصر داشته باشد تا برساند جواب احوط است تجویز فقیه جامع الشرایط خصوصا حصه امام را سوال از خمس حصه امام با غیر حصه امام چه را مالک خود یا تجویز بعض علما که مرتبه استدلال

در خصوص تقسیم باید که فقیه یا هر قدر خمس بمستحقین اگر کسی
داشته باشد یک فقیر یک یک شخص میتواند داد و استحقاق
در سید البته شرط است باید و اگر اصلا چیزی ندارد یا قدری
دارد و بقدر تتمه قوت سنه آن شخص میتواند داد یا زیاد
جواب حصه امام علیه السلام را بتجویز فقیه باید داد و احوط اینست که
غیر حصه امام علیه السلام را نیز بتجویز فقیه در تقسیم آنچه مصلحت داند به
او دهد و استحقاق شرط است و زیاده بر قوت سنه نمیتوان
داد سوال هرگاه در خمس احتیاط باید کرد و بتجویز فقیه جامع الشرائط
داده شود گاه بعضی طالب علمان را در آن زمان حاضر نکنند کیف
نکنند بدادن خمس بسادات و حسرت تمام کشند و اگر عموم
هم ادای خمس نکنند آیا تجویز میکنند که به نیابت شما تکلیف
بدادن خمس از برای سادات محروم کنیم یا که هر کدام و باب جواب
باید جواب عموما این تجویز نمودن مشکل است و اگر در عاید آید
نفقه شد سید در حمل خمس تجویز [illegible] صدق [illegible] بدهید
نیابت سوال [illegible] سادات [illegible] نیز استحقاق شرط است
باید جواب احوط آنست که رعایت استحقاق بشود سوال سهم امام
از خمس چه باید کرد جواب بخدمت مجتهد جامع الشرایط برسد یا به اذن
او خود بشخصی که داند مستحق است برساند سوال حصه امام را در غیبت
زمان که باید داد جواب بغیر از مجتهد عادل برسد یا او به

بر وجه [illegible] سادات برسد سوال هرگاه در ولایتی مجتهد نباشد
حالت مستحقین را حصه ایشان کفایت نکند حصه امام را چه کنند
جواب احوط آنست که اگر تواند از مجتهد عموما یا خصوصا تجویز
حاصل کنند باید بقدر ضرورت بایشان توان داد سوال هرگاه
سادات احتیاج داشته باشند و حصه ایشان کفایت ایشان
نکند جایز است نگاه داشتن حصه امام علیه السلام یا نه جواب بتجویز فقیه به
ایشان دادن اولی است سوال سید را با عدم کفایت خمس
از مال امام بر سبیل تتمه قلیلی را بآن سید احتیاج کرده میتوان
داد جواب تا بقدر قوت سال باشد او میتوان داد والله
العالم [illegible] سوال هرگاه کسی مبلغی بعنوان قرض به شخصی
داده و سید است و بعد از آن آن شخص فقیر شده یا مرده
از او چیزی نمانده یا چیزی مانده و ورثه آن شخص قرض را
نمیدهند [illegible] است و دارد و نخواهد آن را بدهند آیا
در این صورت مذکوره میتواند آنها از خمس حساب کند هرچند
سادات فقیر شده‌اند و روز بروز چیزی از دست میدهند
و بسیار شده‌اند [illegible] جواب خمس را بدون
مصلحت فقیه دادن مشکل است و اگر فقیه مصلحت در حساب دین
دادن داند میتواند سوال جماعتی از سادات نهایت احتیاج
دارند اگر کسی بعنوان قرض [illegible] بعد از آن [illegible]

خمس چیزی نگیرد و باید ان تسلیم نکند بلکه بعوض طلب خود قرض او را
متصرف شود و باید ان نگوید چون نیست و ایضاً اگر در عین حینی
قرض بدهد و در طلب دیگر از وجه مذکور بقدر قرض خود بگیرد
و در آن عهد سادات مستحقین حاضر نیستند تا اتفاق وجه خمس
و غیره داشته باشند و تا صادق بیاید آنچه را تعیین شده بعوض
داده **جواب** باید او را مطلع کند یا او را قرض باو بدهد او را
از او بگیرد اگر وجه خمس بهر سه نخواهد طلب خود بدهد و معالم
خمس چنین باید نمود عالم با خبار اهل بیت علیهم السلام را واجب است
سعایت داشته باشد بنحوی که در هر چه مصلحت او قرار خواهد گرفت
عمل خواهد آورد **سؤال** هرگاه زن شخص را بقدر خرج نان باشد
ملک داشته باشد و اطفال سید داشته باشد میتواند از مال ان
خمس بگیرد یا واجب است که از آن ملک خود بعوض نفقه
ایشان کند هر چند خود احتیاج نهایت داشته باشد **جواب** بلی ایشان
ظاهر احسن نفقه میتواند گرفت والله تعالی اعلم **فصل** سوم در ذکر بعضی از
امور متعلقه بخمس و زکوة **سؤال** مستحق خمس و زکوة و فطره کسانی اند
میباشند در صلاح و چیزی و کسی که قادر بر تجارت یا زراعت باشد
بسبب مشغولی بتحصیل علم عینی یا کفائی و عبادت که از وجه
مستحقین میتواند گرفت یا نه **جواب** کسی که متظاهر بفسق نباشد و قوت
سنه یا لفعل داشته باشد یا کسبی نداشته باشد و وفا باخراجات او
کند

نکند چنانچه کسبش وفا نکند تتمه را میتواند گرفت و کسی که بسبب
تحصیل علم ضروری عینی یا کفائی و مشغول شدن بعبادت از تحصیل
معیشت باز ماند میتواند گرفت اخراجات ضروری خود را از زکوة
مستحقین **سؤال** کسی که قوت سال از حاصل ملکش یا کسبش بهم
نرسد و اما ملکی و سرمایه دارد که بقدر قوت سالش میشود از وجه
زکوة و خمس باو میتوان داد و درین صورت فرقی میان خمس
زکوة هست یا نه **جواب** بجهت حاجت زکوة و خمس و فطره اذن
از وجوه استحقاق … خرج … اینقدر بگیرد و بهر
خود بدهد … و حلال میشود جایز است یا آنکه باید …
… نماید … خرج … نکرد بهتر کدام است **جواب** اگر
قصد … خود میتواند گرفت والله تعالی اعلم
سؤال هرگاه کسی از جمله طلبه علوم از برای تعلم و تعلیم محتاج بکتب
باشد آیا میتواند از هر یک علوم کتب متعدده داشته باشد
از وجوه استحقاق چیزی بگیرد یا آنکه باید کتب را فروخته صرف
معیشت خود نماید هرگاه صرف نشود بعنوان عاریه بگیرد و
آیا اگر بعضی از کتب را که ضرور داشته باشد نوعی یا فرزند خود
تملیک نماید آنها بجا باشد و از وجوه استحقاق تواند
گرفت یا در عوض میشود یا نه بیینوا توجروا **جواب** بسم الله الرحمن الرحیم
در تحصیل مسائل ضروریه و ترویج اخبار و آثار ائمه طاهرین

علیهم السلام صرف و بیش ظاهرا مستثنی باشند مگر آنکه بعادت او تا سالی
برادر او میسر شود و اگر تملیک بزن یا فرزند کنند ظاهرا بد نباشد
و اگر چه بغیر ضرورت شرعیه ضبط این اموال نکردن بهتر است والله
تعلیم سوال شخصی که از وجوه استحقاق میگیرد خرج او باید چگونه
باشد مثلا اگر موافق ذی اقوام باید بود و ذی اقوام مختلف باشند
بعضی در ده و بعضی بیوتنع (?) و بعضی در شهر و صاحب وضع باشند
موافق کدام باید بود مثلا در ماکولات اگر متوسط و عرفی باید
رعایت کرد و این تاخیر جهت ترکیب حقیقت آنها را کافی نخواهد
چرا که احوال مردم اختلاف بسیار دارند و این خبر اشتباه تمام
دارد مثلا در قصبه نمیتوانند قناعت کرد نان و خربزه تنها
اکتفا نمود و میوه ان انگور و پنیر و هندوانه و سایر میوه‌ها
دیگر گرفت و همچنین هر شب گوشت میتوان گرفت و طبخ کرد
و در هر هفته دو مرتبه برکاه ریاضت بکشند اکتفا میتوانند کرد کافی
باشد و در این صورت اخیر از دست آنکس شکایت کنند و به
دیگران مشغول باشد امید متوجه شده ضابطه در [illegible] بوده
و رفع شبهه و وسوسه بشود جواب در این امور ضابطه قرار دادن
مشکل است و مدار بعرف و عادت امثال او و آن حد خوب است
والله تعلیم سوال کسیکه از جمله ارباب استحقاق باشد بنحوی که در
کتب فقهیه در باب انفاق واجب النفقه مقرر است کافی باشند

باید

هر زیاد ازان بگیرد مثلا هر عید و نوروز رخت تازه میخواهد
و اگر امثالش ازان صرف عوض و خرج نمیکنند بیان فرمایید که چه صورت
دارد دیگر نباید داد یا کفایه کنند یا آنکه هر عید و نوروز رخت
میتوان داد جواب باید بعرف و عادت اقارب و امثال او ببینید
سوال هرگاه در ده یا بلدی یا شهری خمس یا زکوة باشد و در
آن ده مستحقان باشند آیا باید اول مرتبه احتیاجات سال
مستحقان آن ده را داد و زیادتی را بجای دیگر تا آنجا چهار یا
فرسخ یا دو فرسخ است بجهت و اگر زیاد نباید آنها را جمع نمود هر چند
که در نهایت اضطرار باشند یا آنکه میانه این ده و ده دیگر
بالسویه قسمت باید کرد جواب ظاهرا توان نقل بجای دیگر داد اما بهتر
آنست که اگر در محل مستحق باشد نقل بجای دیگر نکنند خصوصا در زکوة
و اگر در محل مستحق نباشد و بعد از رسیدن تلف شود
عوض آنرا بدهد سوال کسیکه زکوة و فطره و غیر آن برو واجب
میشود یا خمس براو واجب شود و خویشان او در شهر یا ده
دیگرند و در محل او کسان از همسایه و غیره که مستحقند که
مستحق‌اند آیا جهت خویشان بفرستد یا در همان مکان
آنرا بمستحقان برساند جواب هر دو جایز است و شاید که
دادن بخویشان بهتر سوال خمس و زکوة را در بلد مستحق باید
رسانید یا در بلد مالک جواب زکوة را در بلد مال دادن اولی

وخمس شاید منوط بیان فقیه باشد سؤال اگر شخصی مستحق خمس و
زکوة است در بلدی باشد و در بلد دیگر مال خمس و زکوة باشد
آیا جایز است که شخصی از اهل آن بلد مال را وکیل کند که
خمس و زکوة را بگیرد و بفرستد یا نه جواب ظاهر این است که مستحق
در آن بلد مال بهم رسد اگر باینها بدهد بهتر است سؤال اگر
شخصی قرض کند و حواله کند بر مردم مالدار که زکوة و خمس بدهند
ایشان تا از زکوة و خمس قرض او را بدهند این حیله و دغدغه در
از صورت سابق هست یا نه جواب ظاهرا چندان تفاوتی ندارد
سؤال کسیکه مشغول الذمه مقداری از مال خمس است مثلا و مال
زر ندارد که بدهد اگر جمعی از سادات شخصی را وکیل کنند که
بنیابت ما آن شخص قرض کند با آن شخص مشغول الذمه بخمس و قرض
بدهد تا او آن زر را بعنوان خمس بتو بدهد و به نیابت ما قبول
کن و بعد از آن مبلغ را بشخصی که از او جهت ما قرض کرده
بعوض پس ده تا آن مرد مشغول الذمه بخمس قرضدار ما باشد و
هرگاه زری بهم رسد و بغیر ما بدیگری نتواند داد آیا این حیله
و دغدغه است یا نه جواب خمس را زیاده از قدر خرج سالیانه
سادات دادن مشکل است و اگر درین معامله نکنند زیاده
از خرج ستاند خواهند شاید بد نباشد سؤال و رقعه رسید که مذکور
شد اگر بجای خمس زکوة بدهند یا بجای زکوة معینه و کیل بفقرا باشد

اگرچه

اگرچه وکالت از فقیر باشد درست است یا نه جواب بدون
وکالت فقیر نیز صحیح ندارد سؤال کسیکه احسان بمنزلکی
ومعطلی مستحق نباشد و قرینه قاطعه نباشد که آن شیء از
جهت وجوه استحقاق است آیا واجب است که سوال کند که از چه
وجه است یا نه جواب اگر علمی نداشته باشد و از قراین ظاهر نباشد
که از چه زکوة است سوال کردن در کار نیست سؤال کسیکه
چیزی را بخمس و زکوة میدهد اگر از ده و دوازده زیاده ثبت یا
بیشتر حساب کند خواه فقیه بخواند جایز است یا نه جواب جایز
نیست و بقیمت واقع حساب میشود خصوصا خمس والله اعلم کتاب
الحج حج واجبست بر کسیکه جمیع املاک و اجناس و نقد بغیر از
خانه و فرش ضرور او و ظروف بقدر ضرورت باشد و اجناس کار
و غلام و کنیز ضروری چنانچه از جماعتی شد که بدون خدمتکار بسر
نمیبرد باشد او را آنقدر رسد که زاد و راحله رفتن و آمدن
او شود و مراد از زاد و راحله آن شخص است بنحوی که قدرت
رفتن و مراجعت داشته باشد چنانچه مثلا شخصی باشد که خود خدمت
و کارها را میکرده باشد و احتیاج نداشته باشد بخدمت کار یا شخصی
باشد که سواری ممکنش نباشد بسبب ضعف یا آزار یا پیری و احتیاج
بکجاوه و خدمتکار داشته باشد هر یک را استطاعت آن بروشی که است
که ممکنش باشد رفتن و زر را متعارف است چنانچه بعضی میشوند

اگر بار با چند نفر شرکا نبوده باشند خلاف نیست جواب
صورتی ندارد و در استطاعت معتبر نیست بلکه اگر چنانچه ممکن
باشد که بر الاغ سوار شود و حج کند بر او واجب است و موقوف
بر استطاعت فی النفقه نیست و دیگر اخراجات ضروری واجب
النفقه خود را زیاده بر زاد و راحله تا هنگام مراجعت [illegible]
و در استطاعت بعضی زیاده بر این که مذکور شد شرط کرده اند
که آنقدر داشته باشد که بعد از مراجعت تجارت یا شغل دیگر
تواند کرد که سبب وجه معیشت او باشد و ظاهر آنست که شرط
وجوب حج نیست سوال کسیکه استطاعت حج از راه بیابان نداشته
باشد استطاعت راه دریا داشته باشد چنانچه مشهور است
که ده دوازده تومان اوساط مردمان را بیشتر خرج نشود
آیا حج واجب است یا نه جواب اگر در راه دریا خوف غالب نباشد
و فی الجمله مضبوط باشد اخراجات چنین شخصی و مظنون او باشد
که مال او بعد از آن نفقه سال عیال وفا به اخراجات او میکند
واجب است سوال کسیکه صاحب عیال باشد هرگاه خاطر از وجه معیشت
ایشان جمع داشته باشد [illegible] یا در غیر بلد خود [illegible]
مشرف باز برای زیارت [illegible] جواب ظاهرا اینست
که زنان را از راه دور [illegible]
و زیارت ائمه [illegible] چون نامحرم [illegible] حرف ایشان [illegible]

ایشان

و ایشان را شاید [illegible] زیارت سنت است یا نه
جواب ظاهرا خوب است اگر خوف تلف یا مرض [illegible]
سوال هرگاه کسی مشک همراه داشته باشد و اثنای احرام او بوی
[illegible] خوب است یا نه جواب خوب نیست مگر آنکه احتیاطا [illegible]
بود در وقت احرام رخت های خود را بشوید که اگر بوی خوشی
داشته باشد زایل شود سوال کراهت تنوق در سفره مخصوص
زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است یا عامست جواب
مخصوص زیارت است سوال اگر کسی با جمعی به زیارت میروند هم سفره
شدند و ایشان تنوق در سفره کنند و اگر نکنند شرمنده [illegible]
کند آیا در این صورت نیز مکروه هست یا نه جواب در ایام زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام اگر رعایت کنند بد نیست و در
راه ظاهر [illegible] خصوصا و همچنین [illegible] والله یعلم
سوال اگر کسی خود تنوق در توشه نکند و دیگری بعنوان ضیافت
و غیر آن با و احسان کند [illegible] خوب خوردن و آن مکروه
یا نه جواب و اگر باعث رنجش آن مومن شود شاید خوردن بد
نباشد والله یعلم سوال چهار زانو نشستن یا یک پا را [illegible]
و دیگری را آویزان کردن در وقت [illegible] حکم دارد
جواب اگر ضرورتی [illegible] نیست سوال قربانی [illegible]
[illegible] آورند اگر خایه کشیده یا کوفته باشد خوب است یا نه

جواب بهتر آنست که غایه کشیده نباشد مگر با جزو دست که خبر آن
بهم نرسیده و گوییده مگر دو بیت کتاب جهاد و در آن سه فصلست
فصل اول در بیان آنکه جهاد بر که واجبست سؤال در زمان
غیبت امام علیه السلام مقاتله و جهاد کردن و در چند صورت
جایز است و در چند صورت واجب جواب هر گاه شخصی
قصد حیات شخصی کند جهاد کردن واجبست خواه ظن غلبه
بر خواه نباشد بحث و اگر قصد مال آنکس کند یا قصد حیات
مؤمن یا مال او اگر ظن غالب داشته بحث خلاص مؤمن
جهاد واجبست و از برای خلاصی مال خود یا مال مؤمن جهاد جایز
است و اگر ظن نداشته باشد جهاد جایز نیست و در صورت
وجوب و جواز اگر کشته شود شهید است و اگر بکشد خون مقتول
هدر است و اگر کسی قصد زن یا دختر یا خواهر کسی کند جهاد
واجبست یا ظن غلبه فصل دوم و سیوم در احکام اهل کتاب
و کیفیت جزیه سؤال مقدار جزیه اهل کتاب را بیان فرمایید
جواب بسم الله الرحمن الرحیم بعضی از علما آنست که جزیه اهل کتاب
مقدری ندارد و آنچه امام علیه السلام یا حاکم مسلمانان مصلحت
داند مقرر میگرداند و لازم نیست که مساوی بحسب حال هر شخصی
آنچه مصلحت [مقرر] کند چنانچه در حدیث صحیح منقولست که از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که آیا جزیه قدری مقرر دارد فرمود

دانند مقرر فرمایند ١٢

اختیار

که اختیار با امام است از هر کس آنچه میخواهد بقدر طاقت آن
شخص میگیرد زیرا که جزیه فدائیست که ایشان برای خود میدهند
که ایشان را نکشند و باید که بگیرند پس جزیه از ایشان بقدر
طاقت ایشان میگیرند تا مسلمان شوند چنانچه حق تعالی فرموده
است قتال کنید با اهل کتاب که جزیه را از دست خود بدهند
بخواری و از آخر این روایت معلوم میشود که چنانچه بعضی از علما
نیز گفته اند که باید ایشان مقداری را بدهند تا تشویش خاطر
و مذلت بیشتر باشد و باعث اسلام ایشان گردد و بعضی از علما
ایشان گفته اند که از توانگر ایشان چهل و هشت درهم میگیرند که
بحساب این زمان نزدیک است به هزار و دو صد دینار میشود و از
میان حالان ایشان بیست و چهار درهم و از فقیر ایشان دوازده
چنانچه مشهور است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر ایشان چنین
مقرر فرموده و قول اول اقویست و اشهر و بعضی گفته اند که از
یک اشرفی کمتر نمیگیرند و زیاده آنچه مصلحت بیند میگیرند و خلافی
نیست میان علما که بر کودک نابالغ و بر زنان و بر دیوانه که همیشه
دیوانه باشد جزیه نیست و کسیکه گاه دیوانه و گاه عاقل باشد و بر
فقیر نیز خلافست و اشهر در میان علما آنست که از او جزیه قرار
میکنند و بر وقت که قادر شود بر دادن آن از او میگیرند و بعضی
گفته اند که از او ساقط است و در بنده ایشان نیز خلافست

واکثر گفته اند که او ساقط است وجمعی گفتند که از اقرار او منکر شد
چنانکه روایتی بران واقع است وهمچنین در مرده بسیار پیر وزنان
کرده کور خلاف است واکثر علما بر ایشان لازم میدانند وبعضی ساقط
میدانند وبعضی گفتند که اگر ایشان جنبش حرکت بیحرکت میتوانند بکنند
والا ساقط است ودر روایت معتبر وارد شده است که از مرد بسیار
پیر وزنی کبیره که قادر بر حرکت باشند بیفکنند والله اعلم بحقایق الاحکام
وبحث الکرام علیهم الصلوة والسلام الله کتاب امر معروف وانواع
منکر دو فصل است فصل اول در انواع گناهان ودران چهار
مبحث است مبحث اول در احکام غنا وساز وانچه آن سوال آواز که
طرب داشته باشد اما ترجیع وتحریر نداشته باشد غنا است حرام است
یانه ودر قرآن خواندن چه حکم دارد وترجیع وتحریر بدون طرب
خواند غنا نیست یانه جواب غنا عبارت از ترجیع صوت مطرب است
پس آواز طرب تنها حرام نیست بلکه صوت حسن است خصوصا
در قرآن خواندن مستحب است وترجیع دو احتمال دارد دیگر ترجیع
آواز نیز نقش طرب [illegible] وباعتبار بر صدائی که طرب داشته
احتیاط اجتناب از واست سوال اسباب لهو [illegible]
ستار وکرنا وسنج ونقاره ودف [illegible] وغیر انها
هر چیز که از اسباب ملاهی باشد ونقش خاصی بان باشد حکم
آن میتوان کرد یانه وشنیدن انها در غیر ضرورت چون است

واگر کسی نداه او بران طرف باشد وراه دیگر هم سوا آن
باشد که این سازها نباشد میتوان گفت واجب است که از ان
راه دیگر برود که اینها نباشد جواب هرچه داخل معارف ملاهی
است که عرفا ساز گویند حرام است واگر استماع نکند ومحفوظ
نباشد شاید بغیر طریق ضرور نباشد والله اعلم سوال کسی در خانه
خود باشد وصدای ساز ودایره ودهل وباقی سازها که
حرام است آواز غنا یا آواز زن بیگانه او میرسد بر او جایز است
شنیدن آن یا واجب است که گوش خود را بگیرد وبیرون برود
جواب ظاهر اگر گوش فرا گیرد ومتوجه امور دیگر شود قصوری نداشته
باشد سوال شنودن آواز جرس ودیگر جرس اگر در قافله باشد
جایز است جواب در جرس باکی نیست واگر غنا میکنند گوش
ندهد واکثر حدی شتر را تجویز کردند واحوط گوش نداون است
سوال سوا از شدن بر جوانیکه بر دختری است که آواز دارد چه
است یانه جواب قصور ندارد سوال هرگاه نزدیک خانه این کس
تعزیت میشود وزنان کاهی توجه میکنند وکاهی فریاد میکنند
شنیدن آواز ایشان جایز است یانه جواب اگر گوش نکند قصور
ندارد وحرمت استماع آواز زن بدون حرف بیهوده ثابت
نیست سوال دف زدن در عروسی جایز است یانه جواب از
برای زنان تجویز کردند هرگاه مردان داخل نشوند

٨٤ احکام غیبت سوال جواز غیبت فاسق در جمیع امور ثابت است
یا در بیان امری که بآن فاسق است یا بعضی از آن از امر خیر جایز باشد
جایز است یا نه جواب اگر متظاهر است بفسق و اخفا نمیکند در غیبت
او قصور نداشته باشد و اگر اخفا میکند جایز نیست و احوط ترک
است مگر آنکه نهی از منکر بدون آن نشود سوال هرگاه شخصی شخص
دیگر را دشنام دهد یا او را بزند یا خوش طبعی تیره کند یا اقسام دیگر
آزارها و برسد و آن شخص را که این کار کرده بد بغر آید ازینکه
کسی آنرا نقل کند بلکه شاید خوشحال نیز بشود و آن شخص که است
یا در پنهان آمده او را بد می آید که کسی مطلع شود آیا نقل حرام است
یا جایز بعدم رضای مظلوم یا نه جواب چون متضمن هتک حرمت عرض
مظلوم است آن خوب نیست سوال نسبت مردم دهر یا ولایتی
عرفی گفتن یا اگر یکی حاضر گوید بدش آید غیبت است یا نه جواب
اگر آن شخص بدش بیاید غیبت نخواهد بود محلها سوال اگر شخصی
گوید اگر تو و هر کس را باشد غیبت من کند من حلال کردم و گوید
اگر کسی پیش تو غیبت من کند حلال کردم و گوید آن غیبت را
بشنو آیا غیبت کردن او و شنیدن غیبت او حلال میشود یا نه
جواب حلال نمیشود و شاید بدتر باشد بحث سیوم در ذکر بعضی
اقسام دیگر از گناهان سوال معنی اصرار بر کبیره چه چیز است جواب
آنست که کند و پشیمان نباشد و اراده کردن باز دیگر داشته باشد

و بعضی گفتند که تکرار کند و در میان توبه نکند سوال میگویند اصرار
بر صغیره باعث خروج از عدالت و دخول در فسق میشود
آیا اصرار بر کبایر باعث خروج از چه چیز و دخول در چه چیز
است جواب بعضی میگویند که باعث کفر میشود موافق بعضی
احادیث و ظاهر آنست که این کفر بآن معنی است که همیشه
در جهنم باشد یا نجس باشد یا میراث نبرد یا با او وصلت
نتوان کرد بلکه مراد آنست که حرمت اهل ایمان از او بر طرف
میشود در دنیا مستحق اهانت و صد میشود در آخرت مستحق عذاب
میشود سوال اگر کسی گناه کند و استغفار و توبه نیز کند اما در
دل دارد که اگر اتفاق افتد آن گناه را بکند آیا چنین کسی مصر است
یا نه جواب تا عزم بر ترک نکند توبه بعمل نمیاید و از اصرار بدر
نمیرود سوال کسی که امر بمعروف نهی از منکر میکند و کاهی میکند
از راه دوستی اعتبار اما وقتیکه نمیکند دلش کیر است که
چرا نکردم در وقتی که رجوع بوجدان میکند از خود نمی یابد که
البته امر بمعروف و نهی از منکر در جمیع مواضع خواهد کرد بلکه
ظن غالب دارد که ترک خواهد کرد و در بعضی جاها بلکه در
بعضی مواضع بعینه در مجلسی که مردمان آن بسیار صاحبان
اعتبارند در دنیا خبر دارد که ترک خواهد کرد با وجود عدم
عذر آیا چنین کسی مصر بر کبیره هست یا نه جواب اگر جمیع شرایط

متحقق باشد از تجویز نبرد و عدم عذر و علم منکر بودن آن منکر و جاری بحسب مصلحت دنیا ترک و عفو با شد و آن مرد یکی بکسی بود و آن مجلس است غیبت حرام کند یا مشروع دیگر کند و او تواند که هر کدام از آن دو تا را منع کردن خواسته باشد اما اگر آنکس نشنید و هیچ نگوید از ترس دیگران نخواهد گفت در دل خود یا ظاهرا که این مردم ساکت است یا این چه کارها نامتعارف میکنند و براو نیز ساکت باشد کردن یکی از دو کار مذکور بسبب سستی اعتبار آیا چنین کسی فاسق و مردود الشهادت است تا در این حالت باشد یا نه جواب متلبس گشته را فاسق است سؤال گفتن بکسی که تو ام خواه استاد باشد یا عالم یا صالح باشد یا از اهل دنیا جایز است یا نه هر چند منظور تواضع نباشد نه سالوسی جواب نیست بکسی از جهت دنیا منظور نباشد و بعضی صحیح فهم کنند حکم بد نمیتوان کرد والله یعلم سؤال مثل اکثر الا کثیر و امثال آن از برای اینکه حاجت بخاطر او آید یا در شماره غلط کند جایز است یا نه جواب جایز است و آنکه واقع شده را نباید به غیر خدا اعتماد کرد مرتبه مقربان است سؤال بعضی مردم میگویند که قربان نام خدا شوم و بعضی میگویند که قربان خدا شوم اول حرام و ثانی باعث کفر میشود یا نه جواب اول ظاهرا مقصود نداند و ثانی ...

احوط است سؤال مثال این نقلها که میگویند شخصی در جگر ... میرفت گفت که وقتی که بر میگردی جهت من بیاور که برواخته باشم را ترا صواب است و مثال اینکه شخصی عمر ... داده بود است بجایی جهت اینکه جلاد کشنده مردم بود در آخر عمر ... گشته بود را حساب کند که هم بس رجوع شود که عند الله و عند الرسول ضایع نخواهد شد و مثال اینکه شخصی گفت بود خوب غذایی دارم که علی نگهدارش باد و مثال نقل اینکه شخصی عالم بحج کرده بود و در حیث آن محل بسیار متمرد بود در قنوت نماز خود میگفتند که خدایا مرا بجز تو امید نیست شرمسار نشوم و مثال اینکه میگویند شخصی میخواسته که احوال بپرسید که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام فرزندان کیستند استفهام گفته که حسن و حسین دختران معاویه اند یا نه آن شخص در جواب گفته که کدام غلط تا درست کنم و مثال اینکه شخصی اذا جاء نصر الله والفتح عرض میکرد به شخص دیگر که درست است یا نه گفت اذا جاء نصر الله والفتح و رایت الناس آیا خود این نقلها و امثال این نقلها کردن یا از دیگری شنیدن جایز است یا نه جواب احوط ترک است و جرم معصیت اینها نمیتوان کرد و اگر غرض گوینده استخفاف دین نباشد سؤال اینها بسیار متعارف است خبر آنچه مخصوص نقل در آن واقع شده مثل یا ... نادان ...

حرام است یا نه جواب احوط ترک است سؤال لا ینبغی للمؤمن
ان یجلس مجلساً یعصی الله فیه و لا یقدر علی تغییره
شامل این جهت هم هست که در آن مجلس کسی جامه حریر محض
پوشیده باشد یا در مجلسی بر فرش غصبی نشسته و آن شخص بر روی
آن نشسته یا ظلم یا زینت طلا آلات و منبر را غصبی نشسته اند ایشان
آنجا نشیند با اینکس یا دیگری در خانه ایست و در خانه زنی است
نامحرم اینکس است و محرم شخص دیگر اینکس نیست و آن زن گفتگو
میکند و این مرد گوش میشنود یا شخصی هست شخصی از قرض ... طلبد
دارد و او را حفظ میکند یا در خانه خود دارد و ...
آن شخص یا شخصی هست در آن مجلس که مستطیع است و حج در
گردن او مستقر شده یا زکوة و خمس در گردنش هست یا شخصی آنجا
روزه ماه مبارک رمضان در گردن دارد و وقت تنگ شده
و روزه نمیدارد و ... امکان انجبار امر مذکور ...
آید و غیر اینها و امثال اینها جواب هر معصیت در مجلس علانیه
ظاهر آید ... معصیت است و آنجا جایز نشستن و
حضور ... شده معصیت بعضی ...
آن مجلس نماند والله یعلم سؤال خوش طبعی با دشمن ...
چنانکه عادت مردم روزگار بر آن است جایز است یا نه جواب
احوط ترک است و هر از مطلق کذب واقع شده سؤال ...

و اول سند به نویسند و بعد از آن شخص اقرار کند زمین
رسید تا شهود مهر کنند بعد از آن زر گیرد و این قسم ورق
صورت داده جواب اگر ضرور شود بنا بر مصلحت چندان نقص
ندارد اما ممکن است توریه کنند چنین بهتر است سؤال
اینکه بعضی مردم خطاب بحیوانات میکنند ... زن قحبه ...
و مانند آن آیا آن موجب حد و حرام است یا نه جواب ...
حرام است اما حکم حد مشکل است و اکثر خود شان ... سؤال
این جماعت مردم که در فکر این نیستند ... را و اداب
خانه آباد کنند و یاد گیرند ... و زکات و خمس
... بسیار در بین میکنند و بعد از اختلاط
با مردم معلوم میشود که ... آیا با مردم چنین هر گاه
خویش ... با ایشان ... معاشرت باید کرد و آنچه ... که در
باب ... و اولاد ... و وجوب حقوق ...
واقع شده ... و احوال چنین مردم
... جواب ظاهرا حقوق ایشان را رعایت
کرد تا حسب المقدور در نصیحت ایشان و نهی ایشان از مناهی
تقصیر نباید کرد سؤال تقیه در امور مطلقا واجب و ترک آن حرام است
یا در ... ترک آن خوف ضرر ... واجب ...
جواب تا خوف ضرر نباشد تقیه در کار نیست سؤال ...

را مطالعه میکند اگر چراغ را خاموش نکند و بخوابد داخل اسراف است
یا نه هرگاه منظور این باشد که هرگاه بیدار شود چراغ بوده باشد
و تفاوت میان مستحق و غیر آن هست در این باب یا نه جواب اگر اراده
دشوار بودن از روشن کردن ظاهرا قصوری ندارد والله یعلم بحقیقة
سوال عطیه و احسانی که زن بمعلم میکند و احتمال دارد که شوهر
اذن نداده باشد آیا جایز است صحبت کنیم یا احتیاط باید کرد جواب حمل
بر معنی صحیح میتوان کرد و اگر قراین و امور بر خلاف آن باشند اجتناب
بهتر است والله یعلم مبحث چهارم در احکام توبه سوال چه معنی
دارد ان الله کان للاوابین غفورا جواب کلمه کان
در آیه منسلخ از زمان است و موافق بعضی از روایات مراد
از اواب بسیار رجوع کننده بدرگاه حق تعالی است بتوبه
و در بعضی از روایات وارد است که مراد از اوابین شیعیان
اند که رجوع بائمه خود مینمایند در احکام دین و معانی بطنیان
هر دو حقیقت و قرآن مجید را بطون بسیار است حاصلش آنست
که جناب مقدس الهی شیعیان بسیار توبه کنندگان را بسیار آمرزنده
است و در بعضی روایات وارد است که نماز نافله ظهر نماز
اوابین است یعنی این یکی از علامات آنان است سوال آیا
وارد شده است که بار قبولیت توبه با اجابت دعا علامتی داده باید
که یاد کند دلیل این است بگوید فلان عمل فلان معصیت
کردم

کرده ام یا این که بگوید که فلان معصیت را چند مرتبه و فلان را چند
مرتبه کرده ام جواب معلوم نیست که ذکر عدد در کار باشد والله
یعلم سوال هرگاه مرد عزب با زن محصنه زنا کرده باشد و توبه
نصوح کرده باشد توبه او مقبول است یا نه جواب ظاهرا اگر توبه
واقعی کند و تضرع و استغاثه نماید مقبول باشد سوال اگر شخصی
بکسی محتاج باشد و آن حاجت را در حالت قدرت
برادر مومن بر نیاوردیم آیا ملالی دارد که بجا آوردیم تا از آن
باز دواز چنین کسی مقرر شده در جبران باهم یا نه جواب
تلافی شاید با سترضای آن شخص شود و توبه والله یعلم مطلب دوم
در ذکر شرایط امر معروف و نهی از منکر و آداب آن سوال امر
معروف و نهی از منکر بچند شرط واجب است جواب اگر
علم باستدلال یا تقلیدی بوجوب معروف و تحریم منکر داشته
باشد و مسئله خلافی نباشد که واجب میداند معروف را یا حرام
میداند منکر را و مظنه تاثیر هم داشته باشد و مظنه آن داشته باشد
ضرری بخود یا بعضی از مسلمانان نرسد سوال در مسایلی که خلاف
است در وجوب و استحباب و حرمت و کراهیت آیا امر و نهی
واجب است یا نه جواب در مسئله خلافی نهی از منکر نمیباشد
مگر آنکه بد دارد او را ترغیب نماید سوال رد غیبت واجب است
یعنی چه جواب یعنی نگذارد غیبت واقع شود یا توجیهی از جانب آن

شخص نکند و اگر اینها نشود برخیزد سؤال هرگاه شنونده غیبت
علم بفسق معتاب ندارد آیا واجب است بر شنونده غیبت
هر چند غیبت کننده ادعای فسق او کند یا نه جواب اگر غایب فسق
او را باید که گوش ندهد یا برخیزد اگر منع نتواند کرد سؤال
اگر شخصی را از نامشروع مثل غیبت و غیر آن مکرر منع کرده
و منتهی نشده و ظن این کس غالب باشد بر سخن این کس را
قبول نمیکند آیا بعد از آن نهی واجب است یا نه و همچنین
در امر بواجبات جواب مشهور آنست که با عدم تجویز تأثیر
ساقط میشود سؤال هرگاه شخصی را منع از غیبت کنند و او که
در آن وقت ممنوع میشود اما بعد از آن نیز غیبت میکند
آیا او را همیشه منع کردن واجب است یا نه جواب یا منع
کنند یا برخیزند اگر خوف ضرری نباشد سؤال شخصی که غیبت
میکند آیا بمجرد شروع او در غیبت واجب است که او را منع
کنند از غیبت یا بعد از اتمام کردن جواب اگر در شروع معلوم
شود که غیبت است از اول منع کنند سؤال کسیکه [illegible] ترک
کردن واجبات و با وجود قدرت تساهل میکند و خود هم
اقرار دارد و با چنین کسی خندیدن و مهربانی کردن بدون
اظهار آزردگی با عدم تقیه واجب است یا نه جواب
قدری اظهار کراهت که نهی از منکر موقوف بر آن باشد

فایده کند خوب است سؤال ترجمت لطف [illegible] است
جواب نه خوب بوده خوب دارد و [illegible] نهایت آزادانه کمتر
باید که سؤال طفلی که چهار سال عمر دارد یا زیاده او را بدون
قرآن ادب باید کرد جایز است یا نه جواب جواب ظاهر بقدر ضرورت
ادب توان کرد بقدری باید کرد سؤال هرگاه شخص ایمکس را چیزی
فرزند خود را تعلیم کند و آن فرزند بحد بلوغ رسیده باشد آیا معلم او واجب است
تواند نمود که چیزی بخواند و مطالعه کند هر چند واجب است که غیبت برادر یاد گرفتن
آن یا نه جواب نمیتوانند او را بر آن چیز واجب نه سؤال چشم را کار
فرمودن خواه این کس منتفع میشده باشد یا نه جایز است یا نه
جواب اگر مصلحت لطف در آن باشد خوب است و الا مشکل است
سؤال هرگاه زوجه شخصی نماز نکند یا غلام یا کنیز یا نوکر یا غیر ایشان
که ممکن باشد امر ایشان بمعروف و نهی از منکر تا چه حد واجب است
و مراتب امر و نهی بچه عنوان است جواب بزدن و تملک تا زدن
تجویز شده الا بسیار نباشد بلکه نقص باشد اما در غلبه ایشان سعی
نمودن حدود زدن سؤال اینکه در بعضی اخبار منقول است
که افعال مؤمنان را یا برادران را بر محل صحیح وا دارد و تکذیب
سمع و بصر کن و تکذیب ثقات کن اگر از او بدی گویند هرگاه
او انکار کند آیا در هر مسلمان و ظاهر الایمان در ابتدای معاشرت
چنین باید یا بعد از ثبوت ایمان و دین داری جواب ظاهرا عنبت بعد

از دین و امانت و آیین داری محل قرار باید داد کتاب عقود سؤال
معنی انشا که در عقود در کار است چه چیز است جواب معنی
آنست که مقصود از لفظ انشا مثلا آن چیز که بایع لفظ بعت را واقع
میسازم نه آنکه خبر میدهم که پیش از این واقع شده است سؤال چند
معاملات غیر عقد که نکاح و طلاق و امثال آن هرگاه صیغه جاری
شود آن عقد لزوم بهم میرساند یا نه جواب در بیع و شری روایات واقع
شده که لزوم بهم میرساند و در غیر آن نیز مشهور این است سؤال
هرگاه مثال آن معلوم شد جایز است که بگوید که قبلت هکذا یا
رضیت هکذا یا وکلت هکذا یا نه جواب ظاهرا کافیست سؤال کسی
که قادر بر عربی باشد صیغه عقد و غیر آن از عقود را بفارسی بگوید درست
است یا نه جواب ظاهرا درست باشد و در نکاح با قدرت اگر اکتفا
بفارسی کند بهتر است سؤال در خرید و فروش چنانکه صیغه بفارسی
یا عربی گفته میشود با این قسم گفته میشود مثلا آنکسی که میفروشد
بگوید بکسی که میخرد بعتک المبیع المعلوم یا هذا المبیع بالمبلغ المعلوم
یا مثلا جنس تو این خریدار در جواب بگوید اشتریت یا بفارسی
بگوید فروختم این اسب را یا این ملک را بتو بمبلغ یک تومان خریدار
در جواب بگوید خریدم من فلان اسب را یا ملک را باین مبلغ
شروطی را در ضمن عقد لازم میشود آیا لزوم بهم میرساند یا نه جواب
مشهور آنست که لازم میشود و خالی از قوتی نیست اگرچه خالی از اشکال نیست

دلا

والله یعلم سؤال اگر از شخصی ما چیزی بخریم و قیمت آنرا باو دهیم اما
صیغه خوانده نشود و آن شخص صرف کند آنچه را که باو دادیم بعد
بمیرد آیا وارث او را میرسد که آنچه آن شخص آورده است
باو داده پس بگیرد و بگوید که میان شما صیغه خوانده نشده این
مال منتقل نشده جواب محل اشکال است و مشهور آن است
که رجوع میتواند کرد کتاب تجارت در آن چند فصل است فصل
اول در بیان چیزها که تجارت در آن واقع میشود و غیر آن سؤال
حیواناتی که ذبح نکرده باشند و مردار شده پس پوست گاو و میش فروختن
آن چه حکم دارد اگر مرد نامعتقدی بهم رسد که نماز نمیکند پس و بخرد
پوست چنین گاو و میش یا پوست فروختن بچنین شخص جایز است
و قیمتش حلال است یا نه جواب قیمت چنین اجناس حرام است
و فروختن بچنین شخصی معاونت بر اثم نیز است و بخیه را بمسلمان
دادن که از آن استعمال نماید اعانه بر حرمت قیمت
کند و دیگر را مرتکب شده سؤال پوست میته و روغن نجس و امثال
آنرا بمسلمان یا کافر یا کافر فروختن جایز است یا نه جواب
مشهور آنست که پوست میته را مطلق فروختن جایز نیست و روغن
و چیزهای متنجس را برای سوزانیدن تجویز کرده اند و اشیاء نجس دیگر
که منفعت ظاهر داشته باشد و اجزای میته را که فروختن محل خلاف
است و احوط و اشهر عدم جواز است سؤال چاه را که ندم
مسئله چاه را



و غیر اینها و زر و نقره و پخته و چنین میتوان خرید و همچنین میوه
را بر درخت تخمین میخرند چرا که در آن وقت مکیل و موزون نیستند
و در جمیع مبایعات مشاهد باشد تا تعیین او را مجهول ننمایند بعد از
مشاهده قابلیت نزاع نداشته باشد مگر چیزی را که بیع شرط میکند از جهت
واقع مده دوازده تفاوت یا بیشتر مبالغه نماید جایز است یا نه
جواب جایز است سوال اجرت طواحین را بعضی از طالب علمان
دغدغه میکنند از جهت بد است و چون که اکثر مواضع که نزدیک سکنای
مردم است ممکن گندم ده من و ده من جو آورند و اینقدر
بگیرد مگر قدری داخل میشود و آرد با یابد میکنند و قدری گندم
زیاده بر آرد طحان اجرت آسیا میکرد داخل است یا نه و اگر
باشد علاج آن چه چیز است جواب از اینها که دغدغه میکنند باید برسید
و اگر آرد گندم همان شخص را باید دهد و زیادتی برضا او بحال
و علت دارد شاید بیاید باشد والله العالم سوال در احکام اختیار بیع
مسئله در حیوانات تا سه روز مشتری را اختیار فسخ است و در لبس [illegible]
ورد کند و بایع اختیار ندارد و اگر دو حیوان را بعنوان معاوضه
کنند و یک نقد [illegible] عوض و اول مشتری میشود و اختیار از
طرف اوست سوال در احکام بیع [illegible] مختلفه [illegible] جنس
دیگر [illegible] حاضر باشد و دیگری نسیه مع التفاضل یا مع التساوی
و زوزن جایز است یا نه جواب مشهور میان علما جایز است و در

احکام اختیار بیع

دو جنس را هر یک مکیل یا موزون باشد و نسیه بفروشند یا نه یا [illegible]
در وزن که بعضی کراهتی دانند و بعضی حرام دانسته اند و احوط آن
است که جنس را نفروشند و بقیمت آن جنس دیگر بخرند والله اعلم سوال
چه میفرمایید در بیع عروض [illegible] یا اجناسی یا حیوانات یا
بعکس اخذها نقد باشد و دیگری نسیه آیا حلال و جایز است یا نه
جواب اگر دو جنس باشند جایز است و در یک جنس خصوصاً
نسیه خلاف است و اشهر و اقوی جواز است والله العالم سوال متعارف
و مشهور آنست که تجار شخصی بقدری اجناس واداده [illegible]
آنرا میگویند و چنین قرار میشود میان ایشان مثلا اگر چهار ماه
دیگر قیمت را بدهد ده تومان جنس را بدهد یا نه تومان و اگر هشت ماه دیگر
بدهد دوازده تومان بدهد چنین بیع و شری و چنین شرط جایز
است و آن نفع لازم است یا نه و دادن چنین جنس و قیمت
آنکه مشتری طلبیدن مشروع است یا نه جواب چنین شرط جایز نیست
و بیع و شرای شرعی نیست و چنین جنسی دادن و [illegible]
و قیمت طلبیدن دغدغه میشود سوال اشرفی مثلا قیمت آن هفت عباسی
است و بدو هزار دینار میفروشند که بعد از دو ماه بگیرد چه صورت
دارد جواب اگر بدو هزار بفروشد و الحال قیمت را گرفته باشد [illegible]
و بد هزار است و الا ظاهرا [illegible] شرعی خواهد بود و ده
هزار [illegible] سوال گندم را [illegible]

میفروشند هرگاه مبلغی بگیرند و نسبت و غیار بدهند برابر چند کیل مثلا
سود است یا سود جواب اگر بفروشند بوعده معین خوب است
سوال چه می‌فرماید در بیع اجناس که امتعه نا نقشه در بازار از قیمت
حال تا اجل معین آیا آن زیادتی ربا است یا نه جواب جایز است
سوال کسی شصت یا هفتاد من گندم مثلا بخرد و چون آن را بکشند
ده من یا کمتر زیاد آید حکم آن چیست جواب اگر معلوم باشد که
از جهت غلط نیست از تفاوت کیل و وزن است باکی نیست
و اگر ظاهر آن باشد که غلط شده باید که بایع را اعلام کند والله
تعلیم فصل چهارم در احکام بیع سلف سوال جایز است در
بیع سلف است که یک من گندم بیک شاهی است لکن گندم یک
شاهی بفروشیم یا یک من گندم قرض بدهیم و با آن مشتری قرار دهیم
که در سر خرمن اگر یک من بیک شاهی باشد یک من گندم بدهد و اگر
ده من بیک شاهی باشد ده من بدهد جواب صورت مذکوره
سوال جایز است که ده من گندم بفروشیم بکسی الحال و قرار
بنماید که بیک شاهی و بان یک حیاتی که ده من گندم
کندم از و بخریم العهد از پنجاه و تسلیم کند یا نه جواب در این مسئله
خلاف است و بعضی جایز ندانسته‌اند و احوط آنست که در بیع سلم نقد
و حاضر باشد و در مجلس قبض واقع شود اگرچه صحیح بودن خالی
از قوت نیست مسئله در بیع سلم تعیین وقت بیع بروشنی باید

سوال

که آیا قابل نزاع در زیادتی و نقصان و خوبی و بدی نباشد
در بیع سلم جایز است که بایع وقتی اقرار دهد که هرگاه در آن
وعده که ثمن نیابد خیار به فسخ بیع باشد جواب بیع مشروط
بیع سوال سلف خریدن گوشت و نان چه حکم دارد جواب مشهور
و معمول جواز است الا در باب گوشت و در روایت حکم منع
وارد شده است که قابل تفاوت فاحش که دارد از خوبی و بدی
و بحث کرده‌اند که اسباب یاقوت و امثال آن سلف را جایز ندانسته‌اند
با آنکه اگر تعیین با ذکر اوصاف باشد باز قابل تفاوت فاحش
بود ممکن است ازیشان اوصاف باندک تفاوت درآید از جا
ممکن است مسلمانان کلی تفاوت کند و چون روایت وارد در باب
گوشت ما احتیاط میکنیم و گوسفند میخریم بسلف سیم فصل پنجم
در مسائل متعلقه بدین سوال هرگاه شخصی بشخصی قرض حسنه مثلا
یک تومان بدهد بوعده یکماه قبل از یکماه مطالبه میتواند کرد جواب
بلی هرگاه خواهد مطالبه میتواند کرد و مدیون را با قدرت تاخیر جایز
نیست سوال پس فایده یکماه وعده چیست جواب که ملاحظه وعده
رعایتست از برای تاخیر او عوض آنکه مدیون هرچند قدرت
بر ادای آن داشته باشد در تاخیر آثم نیست و بعد از انقضای وعده
با وجود قدرت در تاخیر محتاج باذن مدیون است سوال اگر شخصی

از دیگری طلب دارد وظاهر شان این است که اگر از آن استیلا کند حق
خود را ازو بگیرد و خواه آنکس ماتعنت از ادای آن میکند بدرو
یا بالقدر یا خویش و در ضمن باشد و خواه در امانت خوش نشسته باشند
آیا جایز است که ترک طلب خود کند و کار را بقیامت اندازد
خواه طالب حق عیال داشته باشد که کفایت عیال خود کند
یا نداشته باشد جایز نیست و بر تقدیر جواز مستحب است یا مکروه
جواب اگر مطالبه متضمن دعاوی و مفاسد باشد ظاهرا ترک اولی باشد مگر آنکه
ضرر عظیم باحوال او رسیده و مضطر شود و داند که طلب نفع میکند
سوال کسی که فرزندان و صاحب طلب میخواهد و آن شخص املاک یا
اجناس دارد و لیکن به وقت متعارف نمیخرند اما اگر از قیمت او ازان
نوبه بد میخرند ناچار خود به نقصان باید فروخت برو لازم است
فروختن آنها و ادای دین و حدی هست که معذور باشد باعتبار
ضرر جواب اگر صاحب دین بسبب سوال راضی شود بصبر خوب است
واگر راضی نشود و مطالبه کند بهر قیمت که بخرند باید فروخت و قرض
را باید داد سوال متعارف است که اجناسی چند میخرند مثلا قیمت
آنرا در عرض سه ماه بدهند یا قرضیکه مدت معین نمایند و صاحب
دین طلب مینماید آن شخص قدرت دارد اما میخواهد که طلب کار
دیگر بدهد یا بسبب اخراجات ضروریه یا متاع از مال میخواهد بخرد میگوید

مرا لازم

مرا لازم نیست تا جزو وقت دیگر بیا جایز است یا نه جواب اگر بگوید
مرا لازم نیست دروغ گفته و هم تعطیل حق مومن کرده و اگر بگوید
برو وقت دیگر بیا نیز تعطیل حق مومن کرده مگر آنکه طلب کاران بسیار
داشته باشد که جمیع طلب میخواهند آنچه داشته باشد تقسیم
نماید تا نوبت سوال هرگاه دینی بر ذمه شخصی بوده باشد و بعد از فوت
چیزی از او نمانده ادای آن دین بر وارث او هرگاه آن وارث
صاحب چیز نیست لازم است جواب مشهور این است که لازم
نیست سوال هرگاه حق الاجاره صوم و صلوة میتی گرفته باشد
مثلا یک سال و شش ماه را بجا آورده فوت شد و ترکه او
وفا بدیون نمیکند توزیع بر غرما میکنند جواب با آنهم مثل سایر
دیون است سوال هرگاه طفل از ما طلبی داشته باشد که مسلمان
باشد و از او فسق ندیده و نشنیده باشیم و او با طفلش قدری
ضرورت کشند طلب طفل را به پدرش میتوانیم داد و بری الذمه میشویم
یا نه جواب به پدرش میتوان داد والله تعالی العلم سوال
هرگاه کسی چیزی را بکسی بفروشد و چیزی دیگر از مال خود با دین گذاشته
درک آن کند تا چه وقت برو واجب است جواب تا آن مبلغ
را بایع استرداد نکند بر او واجب است باقیست و میتواند بکسی فروخت
و هبه کند که در ابتدا بوعده معینی بیع کند مثلا تا یکسال
که بعد از وعده از ذمه بیرون آید سوال هرگاه کسی کاغذی



فقد کسی رهن کرده باشد و در این فوت شود و مالک غرما شود حق
مالک و رهن چه صورت دارد جواب اگر باذن مالک رهن کرده باشد
صاحب طلب مرتهن استیفاء حق خود تمام از آن رهن میکند
اگر زیاد آید در میان غرما قسمت میشود و آن مالک رهن نیز
از جمله سایر غرما است اگر کسر باشد نیز بر میخورد اما اگر بدون اذن
مالک رهن کرده باشد آن رهن باطل است و بعد از ثبوت احق
است مالک خود مال خود را میگیرد و آن مرتهن از جمله سایر غرما
است سؤال هرگاه شخصی چیزی را نزد شخصی رهن گذاشته باشد
و راهن غایب شود بحیثیتی که مرتهن اصلاً بر راهن نتواند رسید
مرتهن را با وزنه او را میرسد که استیفاء حق خود از مال راهن
نماید یا نه جواب میرسد بعد از آنکه رهن را بقیمت عادله تقویم نمایند
و احوط آنست که تقویم و استیفاء باطلاع حاکم شرع باشد
کتاب ضمان سؤال در ضمانت کسی اگر چنین شرط کند که من ضامنم
اما اگر فلان شخص از اداء مبلغ عاجز آید من از عهده فلان
مبلغ یا فلان مقدار بیرون آیم چه حکم دارد جواب ضمانت
بچنین قولی و چنین شرط واقع نمیشود بلکه این کفالت است ضمانت
آنست که شخصی گوید که من ضامن این مبلغ یا این مقدار شدم
[illegible] آن شخص برطرف میشود و برذمه ضامن قرار میگیرد
و صاحب طلب [illegible] از شخصی که طالب است طلب نماید بلکه باید از ضامن

طلب

طلب کند و ضامن بعد از ادا مضمون اگر آن شخص صاحب قرض
ضامن بنده شده باشد میرسد که ضامن از آن شخص طلب نماید و اگر
بغیر اذن او [illegible] آن شخص ضامن شده باشد مطالبه نمیتواند نمود
سؤال هرگاه شخصی ضامن وجه از کسی شده و مضمون عنه فوت شده
و معلوم نباشد که باذن او ضامن شده یا آنکه معلوم باشد که بدون
اذن او ضامن شده بعد از آن که ادای وجه را مضمون له نموده
از ترکه او [illegible] نمیتواند تا معلوم شود که باذن او
ضامن شده [illegible]

طلب کند و ضامن بعد از ادا میتواند اگر آن شخص ضامن حق
ضامن شده باشد [illegible] ضامن از آن شخص طلب نماید و اگر
تبرعا بدون تکلیف آن شخص ضامن شده نمیتواند مطالبه نمود
سوال هرگاه شخصی ضامن وجهی از کسی شده و مضمون عنه فوت شده
و معلوم نباشد که باذن او ضامن شده یا آنکه معلوم است که بدون
اذن او ضامن شده بعد از آن که ادای وجه با مضمون له نمود
از ترکه او میتواند برداشت جواب نمیتواند تا معلوم شود که باذن او
ضامن شده بود کتاب صلح و هبه و ابراء و در آن سه فصل است
فصل اول در احکام صلح سوال صلحی که واقع شود به قدری یا مبلغی از آن
شخص که وجه صلح داده نمیداند که حق آن شخص زیاده بر آن است
چه حکم دارد جواب صلح دادن در چنین صورتی دفع منازعه در دنیا میکند
اما شغل ذمه آخرت بر طرف نمیشود سوال اگر کسی بر کسی در حقی که
تعیین نمیتواند کرد ادعای داشته باشد صلح نماید آیا آن صلح صحیح است
جواب دغدغه میشود فصل دوم در احکام هبه و ابراء سوال مشهور
چنین است که مریض از اصل و وصیت از ثلث جدا میشود هرگاه
ابراء نماید حق را که کسی داشته باشد مثل مهر و غیر آن نیز حکم
منجزات دارد یا نه جواب ابرا نیز حکم منجزات دارد اما در منجزات
اختلاف هست و اظهر آن است که از اصل جدا شود و احوط آن است
که از ثلث جدا کنند خصوصا هرگاه بیم در میان باشد سوال کسی که

نقد کسی رهن کرده بود و مرتهن فوت شود و مال غرما شود حق
مالک رهن چه صورت دارد جواب اگر باذن مالک رهن کرده باشد
صاحب طلب مرتهن استیفاء حق خود تمام از آن رهن میکند
اگر زیاد آید در میان غرما قسمت میشود و آن مالک رهن نیز
از جمله سایر غرماست اگر کم باشد نیز [illegible] اما اگر بدون اذن
مالک رهن گذاشته بود [illegible] است و بعد از فوت احق
است صاحب حق [illegible] از جمله سایر غرما
است [illegible]
و راهن غایب
مرتهن را [illegible]
نماید یا نه
و احوط آن
[illegible]
شغل
و صاحب طلب را [illegible] قرار [illegible]
[illegible] ضامن قرار میکرد
[illegible] نماید [illegible] بعد از ضامن

سیّم بودن او معلوم یا مظنون باشد و همچنین سایر مذاهب مخالفه
حق با اینان بأول یا غزان دادن و یا اینان را مهمانی کردن
چه صورت دارد جواب اگر تعصب نداشته باشد و مستضعف باشد
میتوان داد سؤال کسیکه ظاهرا سنی است و امّا مذهب
اگر سؤال کند چیزی با و میتوان داد یا نه جواب اگر تعصبش معلوم
نباشد ظاهرا توان داد سؤال اگر در سفر با در حضر باشد و با شیعی
باشد و او چیزی بطلبد و خوف از ندادن نباشد میتوان داد یا نه
جواب اگر خوف ضرر مطلقا نباشد ندادن بهتر است مگر که مستضعف
باشد و تعصبی در مذهب نداشته باشد سؤال طفل کوچک خواه یتیم
و خواه غیر یتیم یا بزرگ را چیزی دادن از نان و غیر آن هرگاه یتیم
باشد او عادت بطلب خواهد کرد مستحب است یا مکروه جواب ظاهرا
دادن خوب است سؤال اگر کسی در مرض موت هبه کند چیزی را
که حاضر است و چیزی را که در سفر دیگر است آیا هبه هر دو صحیح است
جواب در هبه تا قبض نشود بموت هر دو منحل شود خواه حاضر خواه
غایب سؤال چه میفرمایند علمای امامیه هرگاه زید ملک عمرو را بخفیه
هبه نماید بمحض منعقد هبه متحقق میشود یا اگر محتاج بعقد هبه است
از عمرو خود بگوید جواب ظاهرا منعقد کافی باشد اگر قبض هم بشرط او
بعمل آمده باشد فصل سیم در ذکر متفرقات صلح و هبه و ابراء سؤال هرگاه
آنکه بحق و ... کسی ... و ... حق ... را [illegible]

نظر و تقریب و سیّم باید که تمام شد کلام کلینی و تحقیق کلام این دو بزرگوار
موقوف بر چند مقدمه است اول بیان حقیقت صفات حقیقیست الخ
اعتقاد صفت مغایره و زائد حقیقیه معلوم میشود است که باید اعتقاد کرد که صفت
موجود زاید بر ذات مقدس خدا نیست و الا لازم آید که آن صفت یا
قدیم باشد یا غیر از خدا و تعدد قدما لازم آید و ایضا لازم آید که حق تعالی
در کمال محتاج بغیر باشد و آن نیز محال است و ایضا آن صفات اگر
محتاج بعلت نیستند چنانچه واجب الوجود لازم آید و اگر محتاج بعلت
باشند و علت غیر خدا باشد و خدا محتاج بغیر باشد و در وجود جمیع
کمالات و اگر هستند ذات حق تعالی پس غیر خدا در آنها موقوف باشد بر
اتصاف بآن صفات پس اگر موقوف بر همین صفات باشد دور لازم آید
و آن محال است و اگر محتاج بصفت دیگر غیر آنها باشد نقل کنیم سخن را
در آن صفت و تسلسل لازم آید و آن نیز محال است و اشاعره
از اهل سنت قائل شده‌اند بزیادتی صفات و بآن قدما لازم آمده
قول متعدد و الحاصل که فخر رازی از افاضل علمای ایشان است گفته
است که حق سبحانه و تعالی حکم کرده است بکفر نصاری از آنکه سه خدا قائل شده‌اند
و اصحاب ما میگویند که هشت خدا قائل شده‌اند و قائلان بعدم زیادتی
صفات چهار مسلک دارند اول قول حکماست که نفی صفات قائل
شده‌اند و میگویند اثبات صفت وجودی زاید بر حق تعالی نفی صفت است
و اثبات صفت وجودی زاید بر حق تعالی میتوان کرد پس اثبات علم برای خدا

او را در صورت صلح یا هبه یا بری الذمه نمایند و تا آن شخص مطلق
ازان حق نشود یا نه و هم چنین حق عرفی [illegible] حق عرفی اگر صاحب
حق نماند بیابد دعا و استغفار نماید که و معلوم نیست که آن حق
وارث نقل و رسیده باشد و اگر حق مالی باشد اگر ورثه مطلب خاطر
صلح یا ابراء آن نمایند خوب است یا آنکه تمکین بکند و اعلام بکند
که این مقدار از مورث شما نزد من است و اگر وارث ذمه صلح
کنند و اگر بصورت صلح کنند دفع نزاع آخرت نشود والله یعلم
[illegible] شخصی شنید یا شخص غیبت الذمه بحق [illegible] و بدادو اما زد
یا زنا نمود [illegible] آیا حلال کردن بهتر است یا نه [illegible] شخص را
حلال کردن بهتر است [illegible] علمای امامیه که هرکاه زید
از [illegible] ادعا نماید که عمرو [illegible] مورث مبلغی از او
بخود را بموجب این [illegible] و بانی ورثه بدون اطلاع
بر [illegible] و اطلاع [illegible] آن اقرار بعینه [illegible] یا شنید بعض
آنها چنین ورثه را الزام [illegible] تحقیق [illegible]
[illegible] یا آنکه باید بر تفحص اطلاع یافته بعد از آن اقرار
نمایند [illegible] دعوی عدم اطلاع بر خصوصیات نمایند [illegible]
[illegible] سوال هرکاه [illegible]
و [illegible] آب [illegible] باشد و [illegible]
آنجا [illegible] آب [illegible]

[illegible] هرکاه گوید خدا عالم است معنی آنست که خدا
[illegible] خدا قادر است معنی آنست که خدا عاجز نیست و همچنین
صفات و این معنی را نهایت مرتبه تنزیه میدانند و کلام حضرت امیر
[illegible] علیه السلام که کمال توحید نفی الصفات عنه و باین معنی
و کلام ابن بابویه رحمت الله علیه نیز موهوم این معنی است
[illegible] موهوم این معنی است اما آنچه [illegible]
معلوم است که مطلقا این معنی نیست و این [illegible] است
اخبار [illegible] انکار آن وارد شده و [illegible]
است که توجیه آنست که خدا را از [illegible]
[illegible] تعطیل آنست که برای خدا اثبات صفت [illegible] و تشبیه
که همچون اثبات کنی که مستلزم تشبیه بمخلوق باشد مثلا عالم [illegible]
دکوئی که خدا عالم نیست یا علم [illegible] اطلاق [illegible]
که خدا را عاطل از صفت کمال کردانیده و اگر گوئی [illegible]
است این تشبیه است که خدا را تشبیه بخلق کردانیده و اگر گوئی که خدا
عالم است [illegible]
[illegible] و همچنین [illegible] و سایر صفات [illegible]
است [illegible]
[illegible] مخلوق [illegible] است [illegible] کمال است [illegible]
[illegible] شده است اما چون [illegible] و ممکن بدون این [illegible]
[illegible]

در بیان تعطیل و تشبیه

باید هرچند نقصان بسیار بهر دو طرف برسد یا نه جواب اگر بعنوان
مصالحه یا وجهی دیگر از وجوه شرعیه بر صاحب بهره لازم نشد
میتواند تغییر بلد و اولی و احوط آنست [illegible] رضا
ترسانند والله اعلم سوال هرگاه کسی راضی شود به باغچه او آب
بخورانند و نوبتش [illegible] داد و صاحب باغچه میتواند مانع
شده بر طرف دیگر جاری کند یا بر عکس یا بچه کدام را حق [illegible]
جواب حکمش همانست که مذکور شد والله اعلم سوال آب رود
خانه و چشمه محض داخل کردن [illegible] خاص اهل آن قریه است
است [illegible]
[illegible] در آن بهره رعایت اعلا فالاعلی باید نمود یا نه
جواب تعطیل آنست که [illegible] اشتراکست والله اعلم سوال [illegible]
[illegible] اثبات کنی که مستلزم تشبیه بمخلوق [illegible]
دکوید که خدا عالم نیست یا علم در خدا اطلاق نتوان کرد آن تعطیل است
که خدا را عاطل از صفت کمال کرده باشند و اگر گوید [illegible] عالم و عالم
است این تشبیه است که خدا را تشبیه بخلق کرده باشند و اگر گوید خدا
عالم است [illegible] علم ما [illegible] و علم با اثبات [illegible]
[illegible] تشبیه کرده و همچنین در سمیع و بصیر و سایر صفات [illegible]
است [illegible] کمالی ما را حاصل گردیده
مخلوق و ممزوج است با انواع نقص و آنچه کمالست و دانستن آن
[illegible] شده است اما چون ما عاجزیم و ناقص و ممکن بدون این با

در بیان تعطیل و تشبیه

کوید رسید مرا از یک قطعه یا دو قطعه نزد یکسهم جدا کن [illegible]
[illegible] از هر قطعه دست خود را بگیرم [illegible] از زراعت [illegible]
و خلاف میشود آیا در چنین صورتی صاحب یک سهم میتواند گفت
[illegible] از هر جا دست خود را بگیر که ملک خراب میشود یا نه
و اگر سهم او را در یک جا جدا نکند و او ناچار رسد خود را
[illegible] بفروشد و گوید اگر سهم مرا [illegible] در زراعت
میتوانستم کرد فروختم آیا این [illegible] بیع صحیح است [illegible]
[illegible] حاضر باشند [illegible] خود را میتوانند نوشت و بر صحت
[illegible] میتوانند داد یا نه جواب اگر [illegible] شیعه را
[illegible] باید کرد و اگر [illegible] علمای امامیه [illegible] هرگاه [illegible]
[illegible] عمرو متوفی مورث بعضی از اطفال
خود را [illegible] این نوشته [illegible] ورثه بدون ملاحظه
[illegible] و اطلاع [illegible] آن اقرار [illegible]
[illegible] تحقیق [illegible]
[illegible] اطلاع [illegible] ازان اقرار
[illegible] عدم اطلاع بر خصوصیات [illegible]
[illegible] سوال هرگاه [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] معطل کند

باید هرچند نقصان بسیار بهر دو طرف برسد یا نه جواب اگر بتوان مصالحه یا وجهی دیگر از وجوه ملزمه بین صاحب نهر لازم نفع باشد میتوانند تغییر نهر داد و اولی و احوط آنست که بهر دو نحو بتراضی بینهم رسانند والله اعلم سؤال هرگاه کسی باغی بخرد بعد از آنچه او [illegible] میکند آن نهر و جهت آن جز باغی دارد و صاحب باغ میتواند که آب شده تا بعد ازین دیگر جاری نکند یا بر عکس یا بجهت کدام اختیار لازم و حکمش چه است چه مذکور شد جواب شرکت سؤال آب رود

که در نهر خاص اهل قریه مالک آن میشود یا نه و بیانش

الجواب باید بقدر یا نقد

بقدر اخراجات حفر نهر و غیره

مالک شدن نهر آن را نیز بقدر شراکت مالک میشوند

فالانفع و در نهر قریات نداند سؤال املاک واجبی [illegible] که کاین و آسیا و غیره که از مورث مانده باشد و بعضی از ورثه راضی به قسمت که داده باشند و بعضی بر اضی نباشند آیا شرعاً جبر قسمت میتوان کرد یا نه جواب اگر ضرری نباشد قسمت آنها را [illegible] قسمت احتیاج بتفاوت نقد دادن نباشد مشهور و اقوی اینست که جبر قسمت میتوان کرد سؤال هرگاه دو شخص در ملکی شریک باشند یکی پنج سهم داشته باشد و دیگری یک سهم مشاعاً و دارایی آن ملک متفرق [illegible] و ازهم دور باشد خواهند قسمت کنند صاحب یک سهم

[illegible]

که رشته را از یک قطعه یا دو قطعه نه در یک سهم جدا کن [illegible] توانم کرد و اگر از هر قطعه رشته خود را بگیرم ملکم از زراعت بیافتد و خراب میشود آیا درچنین صورتی صاحب پنج سهم میتواند گفت هر یکی یک قسم از هر جا رشته خود را بگیر که علت خراب شود یا نه و اگر رسد او را در یک جا جدا نکنند و او ناچار رسد خود را بصاحب پنج سهم بفروشد و گوید اگر رسد مرا بطور میداد در زراعت میتوانستم که نفروختم آیا این مبلغ بیع صحیح است و جمعی در مجلس بیع حاضر باشند شهادت خود را می توانند نوشت و در صحت بیع شهادت میتوانند داد یا نه جواب اگر زمینها بیکدیگر متقارب باشند بسر هم قسمت باید کرد و اگر متقارب نباشند حقیقتاً بر وقت آن مراعات کنند از ضرر باو نه رسد آن جبر کردن مشکلست والله اعلم سؤال هرگاه چند شخص در باغی یا زمینی شریک باشند و همه خواهند قسمت کنند و یکی گوید این رسد خود را مفروض میکنم ا[illegible] نگاه داشت و خراب میشود بوجه عدم قدرت بر نگاه داشتن نباشد بلکه فقدت ظاهر باشد و گوید رسد مرا در میان حصص شریکان ضبط کنید مثلاً در هر حصه مشاعاً ربعی شریک باشم این حرف معقول و مشروع است و از شرعاً مسموعست یا نه خصوصاً هرگاه این معنی مانع تفرقه شرکا شود و در حصص خود باعث نا آبادی بلکه خرابی حصص شود زیرا که هر یک خواهند حصه خود را تعمیر کنند







٩٨ وارکان واجبه نماز در آن داخل نیست [illegible] سوال اجرت
جهت عقد نکاح دایم و متعه خواه کسی دیگر بهم رسد که عقد کند
یا بهم نرسد حلال است یا نه جواب اگر شرط نکنند بهتر است و
با عدم تعیین [illegible] ندارد و سوال [illegible] است
که [illegible] باجاره میدهند باز همان [illegible] بگیرند و حاصل آن را
[illegible] بمبلغ معین باجاره میدهند مشروع است یا نه
جواب چنین اجاره [illegible] آن چیز را باجاره میدهند در وقت اجاره
[illegible] واگر بی تفریط مستاجر بمیرد یا تلف شود [illegible]
ضامن نباشد اگر خواهد بعنوان مشروع صورت داده شود باید
که [illegible] را یا شخصی را اجاره میدهد بفروشد بمبلغ معین
و آن مشتری همان قیمت بعنوان سلف در ذمه همان [illegible]

وقارض و یا مقترض فوت شوند آیا آن بخودی خود از آثار آن حیوة
در ایام حیوة ایشان شده اجاره بقیه مدت لازم یا باطل میشود جواب اگر برای منافع مدت
اجاره قرار دهند بنا بر آن اختلافیست که اجاره بموت باطل میشود
یا نه اشکال وارد و اگر بعنوان مبلغ مال المصالحه بقیه مدت
نیز لازم است سوال هرگاه دو یا غیر مذهب دیگر را وکیل در تجدید
میتوانند کرد جواب هرگاه نوزادان باشند میتوان پس اگر خود صیغه
را تواند جاری ساخت اگرچه با لفات دیگر باشد با وجود هم
تواند گفت و الا هرگاه مأذون در توکیل غیر باشد دیگری را
میتوانند کرد سوال هرگاه شخصی را چیزی داده وکیل کند که مسجد
معمور بنا کند و پیش از تمام آن مسجد موکل فوت شد آیا به وکیل
نیست بنای مسجد با مال میت داده است جواب ظاهرا آنست که وکالت
بموت موکل بر هم میخورد و آن مال مال ورثه است سوال هرگاه شخصی
شخصی را وکیل کند فلان مبلغ را بعنوان هبه بمستحقین برساند
و قبل از آنکه وکیل آن مبلغ را بتفصیل هو بکار بدهد بمجرد شد آیا وجه
تلف شده باطل میشود یا نه جواب باطل میشود و میراث بر
میگردد مگر آنکه واسطه از جانب موهوب له بگیرد نیز زیرا که قبض
وکیل در حکم قبض موکل است سوال یک شخص در معاملات
دیگر طرفین میتواند شد یا نه جواب ظاهرا تواند شد لکن لیکن کند
اگر فقیه بر وکیل مراعات غبطه موکل لازم نیست و مراعات غبطه طرفین
تمّ

ممکن نیست و لکن اولی این آنست که مجتهد غبطه عدم ضرر است
طلب نفع نماید و اگر نفع زیادتی در وکیل عادل مراعات صلاح جانب
طرفین نمیتواند کرد اما در صیغه احوط آنست که از برای ایجاب
یا قبول شخص دیگر را وکیل کند تا صادق آید صیغه بین الاثنین
جاری آید سوال هرگاه عمرو شخصی را وکیل کند در طلاق
زوجه خود که همشیره زید است و شرط نماید که زید زوجه خود
همشیره عمرو است طلاق گوید صحیح است یا نه جواب هرگاه این
شرط در وکالت باشد خوب نیست اما اگر در اجرای طلاق
را مشروط ساخته باشد صحیح نیست کتاب وقوف و
وقف و صدقات سوال هرگاه کسی ملکی را بغیر لکن وقف کند بر جمعی و از
عاقدان آن قصد حقی نیست حق التولیه قرار دهد جائز است
یا نه جواب در صحت وقف و جعل نفع برای خود میشود و حکم بصحت
آن مشکل است زیرا که از فحوای اخبار ظاهر میشود که وقف باید
وقف را بالکلیه از تصرف خود اخراج نموده بتصرف موقوف علیهم
دهد و پیش از زمان شیخ بهاء الدین علیه الرحمه چنین وقفی در
وقف نامجات نبود مگر شیخ که از وهم نقات شده سوال هرگاه مصرف وقف را نامشروع قرار دهند مثلا که
وقف کند تا حاصل آنرا صرف غنا و جرخ نمایند چه حکم دارد
جواب مشهور آنست که آن وقف باطل است سوال هرگاه شخص

ازآن باطل و بعضی صحیح نیست مثلا گوید که نصف آنرا صرف غذا و
اهل خیر نما و نصف دیگر صرف مستحقین شود چه حکم دارد
جواب مشهور آنست که آن نصف باطل است سوال اگر کسی گوید
فلان ملک خود را از برای فلان شخص وقف کردم و بعد از فوت
او بر علما در فلان ده درس گوید آیا درست است یا نه
جواب درست است سوال هرگاه کسی را املاکی باشد و وقف کند
بحضرت امام رضا علیه التحیة والثنا یا قبور جماعتی باعتبار حسن ظن
بایشان داشته که مذهب ایشان معلوم نیست یا بر مسجدی یا مسافر
یعنی املاک چنین وقف مستحقین بلا دار استحقاق میتوانند گرفت
و مصرف چنین وقف چه چیز است جواب باید حاصل موقوفات
صرف خراج آن مزار از فرش و روشنائی شود و کسی که خدمت
آن مزار و مسجد مشغول نیست بقدر اجرت عمل میتواند گرفت
و بلا دار استحقاق جایز نیست گرفتن سوال هرگاه شخص حاصل ملکی
یا مستغلی را وقف مسجدی نموده و مقرر نموده که هر سال قدر معینی
را صرف روشنائی و قدر معینی صرف بوریا و همچنین را بر مصرف
قدر معینی صرف قرار داده و یک سال مثلا بوریا احتیاج نیست
از جهت آنکه مثلا شخص دیگر تصدق آن کرده آیا متولی باید
آن قدر را با حاصل سال آینده نگاه دارد و باز صرف بوریا نماید یا بمصرف دیگر
از مصالح مسجد صرف میتواند نمود جواب بسم الله الرحمن الرحیم حمد

سنوات را نیز صرف بوجوه معینه که واقف تعیین نموده باید کرد
و اگر ازین نا زیاده صرف سایر مصالح مسجد بوده باشد بدان نوع کرد
والله تعالی یعلم محمد وبخط مدظله سوال اگر دهی بر سادات وقف
باشد و همه ایشان یا بعضی مستحق باشند و قدری آن کار نیز
آن ده خراب شده و محتاج به تعمیر است آیا جایز است که قدری از حصه
امام علیه السلام را یا خیرات امام را در تعمیر آن کار صرف کنند یا نه
باشند یا نه جواب اگر حاصلات آن سالات عاید میشود نمی شاید
توان که اگر سادات بایشان بدهند و ایشان صرف کنند
بهتر است سوال چه میفرمایند علمای امامیه درین مسئله که هرگاه
زید املاک خود را وقف اولاد نموده و متوفی شده است و بعد از
زید متوفی بطن اول باعتبار رعایت ترتیب یا از جهت دیگر
که معلوم نیست رسید و الحال از منافع موقوفات به بطن ثانی
منتقل باشند و بالفعل از بطن اول کسی موجود نباشد که حقیقت مشخص
شود آیا باید که بطن ثانی و ثالث جمیعاً بدون رعایت ترتیب
قسمت نمایند یا بمقتضای الاقرب فالاقرب مانع انتفاع
الابعد میتوانند شد جواب اگر بقراین معلوم نیست که اولاد اولاد نیز در
وقف داخلند حکم بتقدیم بطن اعلی بر بطن اسفل مشکل است
و ظاهر نیست که همه بالسویه نصیب داشته باشند سوال هرگاه وقف
اولادی هرگاه واقف چنین قرار داده که نفع آن را به

١٠١

کوچک و بزرگ و پسر و دختر دهند و شرط نکرده که بطن اعلی
مانع بطن اسفل باشد آیا درین صورت حصه بکر بفرزند رسد
و از اخراجات ضروریه او زیاد آید بجهت خود صرف تواند
کرد یا نه جواب نمیتواند مگر آنکه بقرض بردارد یا بیرون باشد
و بقدر نفقه بردارد سؤال چه میفرمایند علمای امامیه که هرگاه شخصی
املاک خود را وقف اولاد ذکور و اناث نماید بدون
شرط خصوص منافع آن را در میانه موقوف علیهم منقسم شود آیا
در میانه ذکور و اناث باید بالسویه قسمت شود یا بعنوان ارث
للذکر مثل حظ الانثیین جواب محل خلاف است اشهر و اقوی آنست
که بالسویه قسمت میشود سؤال چه میفرمایند علمای امامیه که هرگاه یکی از ورثه
عمرو اقرار نماید که زید مورث ما بعضی از املاک خود را وقف
اولاد بکر و عمرو و متولی موقوفات مذکوره است و اقرار نمود
باشند که بغیر از ایشان کسی داخل موقوف علیهم نیست و آنکه از زمان
فوت و انتقال تقریبا بیست یا پنجاه گذشته باشد و ظاهر شود که غیر ادعای
امر مذکور در آن مدت نکرده باشد آیا در این وقت اگر عمرو متولی
ادعا نماید که املاک مذکوره وقف اولاد تنها نیست و غیر
ایشان هم داخلند مسموع است یا نه جواب ظاهرا بدون اثبات
مسموع نباشد سؤال چه میفرمایند علمای امامیه که هرگاه یکی از ورثه
عمرو اقرار نماید که زید مورث من قدری از املاک خود را

وقف

وقف نموده اقرار بتصرف موقوف علیهم دادن نموده باشد
آیا بمحض همین اقرار مانع از تصرف او در حصه از ترکه بعنوان
ملکیت میتواند شد یا نه جواب محل خلاف است و وجه نیست که
ادعای عدم قبض مسموع نیست کتاب وصایا و در آن پنج فصل
است فصل اول در احکام وصیت مسئله وصیت بعد از
ترویج باحج واجب یا زکوة و خمس واجبی یا کفاره که در
ذمه کسی باشد از جمیع حقوق واجبه سنت است که کمتر از ثلث
مال آن شخص باشد و منجزات که در مرض الموت میشود و در آن
وقت بکسی چیزی میبخشد ظاهر اینست که از ثلث معتبر باشد
سؤال مرض الموت یعنی چه جواب مرض الموت آن مرض است
که آن مرض بمیرد و ظاهر آنست که معتبر نیست که اول و در آن
مرض خوف هلاک شود سؤال هرگاه شخصی زیاده از ثلث وصیت
کند و ورثه قبل از موت امضا کنند صحیح است یا نه جواب اگر بعد
از موت امضا کنند اشهر و اظهر آنست که صحیح است و اگر
قبل از موت راضی شده باشند و بعد از موت پشیمان
شده باشند در آن خلاف است و اظهر آنست که ممضی است
سؤال منجزات مریض بسهم ثلث وصیت است که هرگاه
ورثه در ایام حیوة او راضی شده باشند و بعد از آن پشیمان
شوند باز ممضا باشد یا نه جواب بلی مثل وصیت است

کتاب وصایا

بلکه اعتبار درین باب بثلث است مطلقا سؤال اگر کسی در مرض
موت برای شخصی وصیت کند مالی را که حاضر است و جزوی را
که در شهر دیگر است آیا وصیت در مال حاضر و غائب هر دو صحیح است
جواب اگر وصیت کرده که باو دهند از ثلث اعتبار دارد و حاضر
و غائب دخلی ندارد سؤال وصیت بخمس و زکوة و غیر آن معتبر
است اگر متهم نباشد چه جواب تهمت آنست که قرینه چند باشد
که دلالت کند براینکه مشغول الذمه بزکوة و خمس نیست و از برای
اضرار بوارث این وصیت را میکند اگر این در مرض موت
باشد معتبر از ثلث میباشد سؤال اگر کسی وصیت کند بخمس
زکوة و هبه هم کند پیش از وصیت مذکور یا بعد از آن آیا
درین صورت هر کدام از هبه و وصیت از اصل اند یا از ثلث
جواب خمس و زکوة از اصل بیرون میرود و مقدم است بر وصیت
[illegible] وصیت سنت است و هبه با باب ثلث تصرفات مرض موت جمع شود
و اگر هبه را بقبض داده باشند آن و سایر منجزات مقدم اند
بر وصیت علی المشهور والله اعلم سؤال هرگاه شخصی وصیت
کند که بعوض نماز و روزه و زکوة و خمس و رد مظالم و حجة الاسلام
هر یک را که رأی وصی اقتضا نماید و مصلحت داند و استیجار و
اخراج نماید و در ماه و یا در هر سال چند ختم قرآن مجید نمایند و
تتمه متروکات را تسلیم وارث نمایند این قسم وصیت جائز
است

است یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم با عدم رضای
وارث وصیت از ثلث اعتبار دارد و آنچه از اصل بیرون
میرود و آن حج واجب است و زکوة واجب را اقرار کرده
باشند یا نذر مالی این ها از اصل مال بیرون میروند و باقی وصایا
اگر کمتر از ثلث یا مساوی ثلث است همه را بعمل می آورند و اگر
زیاد است زیاده موقوف بر تجویز وارث است اگر تجویز کرد
صحیح است والا بقدر ثلث را بعمل می آورند و بس والله تعالی اعلم
سؤال هرگاه کسی وصیت نامه نوشت که فلان قدر برای نماز و روزه
بدهند و یک نفر گفت که موصی میگفت که نماز بسیار قضا دارم
و صیغه درین صورت چکار کند جواب گفته یک نفر مشکل است
اعتبار مگر آنکه خود از قرائن احوال داند که غرض موصی به نماز بسیار
متعلق بوده جواب دوم در احکام موصی سؤال هرگاه شخصی مکرر
میگفته است که فلان قدر خمس و فلان قدر زکات در گردن من
هست و میگفته است برای فلان وارث هدیه برابر یعنی اما
وصیت تمام درست نکند و در وقت مردن از این غافل شود
و مهلت ندهد و هیچ کس مطلع نباشد آن خمس و زکات
را از گردن خود واگذاشته و از چندین برابر قدر موصی نماند
باشد آیا درین صورت وارث چه چیز لازم است جواب ظاهر آن
است که آنقدر را اقرار میکرده باشد در گردن من هست اگر [illegible]

باید داد فصل سیوم در احکام موصی به سؤال هرگاه شخصی
ملک و غیره ملک داشت و در حین حیات خود قدری از
املاک را به بعضی از فرزندان خود داده و بعضی را هنوز
نداده و در وقت مردن از تقصیرات بعضی پشیمان شده
و مثلا و ذکر بدون او صد تومان خمس و زکوة هست آیا اگر آن
شخص در وقت مردن از برای اینکه تلافی آن تقصیرات بعضی
بر بعضی بشود و ذمه خود را هم از خمس و زکوة فارغ سازد
و چنین وصیت کند که بعد از مردن من اول مرتبه فلان که
وصی منست بقدر صد تومان خمس و زکوة ملک بفروشد هر
ملکی باشد خواه ملکی که در تصرف من بوده و خواه ملکی که در تصرف
ورثه بوده و قیمت آنرا به مستحقین برساند و بعد از آن هرچه
باند کما فرض الله میان [illegible] قسمت نمایند سؤال شخصی فوت
شده و در میان ورثه یک پسر خود را وصی ساخته و وصیت
[illegible] از جمله املاک او ملکی که حاصل آن بقدر دوازده تومان
مثلا بجهت بعضی از اطفال که وارث او نباشد داده شود
و بالفعل جدا نمودن ملک مذکور حسب الواقع و تشخیص حاصل آن
بر وصی متعسر است و چند سال [illegible] گذشت که این معنی صورت
نیافت وصی هر سال از جمله حاصل املاک مبلغ دوازده تومان
را بایشان میرساند آیا من بعد بر وصی اقرار بقدر ملک

لازم

لازم است یا آنکه بدستور سابق آن مبلغ را از حاصل کل
املاک بایشان بدهد جواب بسم الله الرحمن الرحیم حسب المقدور
تعیین بمقتضای وصیت لازم است و تا ممکن شد جدا کردن ملک وداد
مقدم است و اگر ممکن نباشد [illegible] برای ایشان مقرر کنند و حاصل
را بایشان برسانند والله العالم [illegible] سؤال هرگاه
شخصی وصیت نموده که بعد از فوت او وصی از جمله املاک
آن شخص ملکی که حاصل آن بقدر دوازده تومان بوده باشد
بجمعی غیر وارث بدهند و حال آنکه جدا نمودن ملک مذکور و
تشخیص حاصل آن بر وصی در نهایت اشکال بلکه متعذر
باشد در این صورت آیا بر وصی لازم است که البته عین
ملکی را با وجود اشکال از جمله موصی [illegible] وضع نموده بایشان
دهند و در این شق آخر هرچند که موصی لهم در حاصل
کل املاک با ورثه موصی شریک خواهند بود آیا در اخراجات
که هر سال در املاک مذکور واقع میشود نیز شریک خواهند بود
و بقدر حصه خود از عهده آن بیرون خواهند آمد یا نه و همچنین
هرگاه شخصی دیگر وصیت کرده باشد که در حین تقسیم املاک او
بین الورثه از آن جمله ملکی که قیمت آن پنجاه تومان و حاصل آن
پنج تومان بوده بجمعی داده شود و حال اینکه در میان املاک
موصی مذکور ملک [illegible] که ده دیگر حاصل [illegible] باشد در این صورت

نیز آیا میتوان مبلغ پنج تومان را هر ساله از جمله حاصل کل املاک
موقوفه وضع نمود بموصی لهم داده و در اخراجات املاک مزبور
نیز ایشان را با ورثه موصی شریک نمود یا شقی غیر آن میتواند
داشت و در باب قیمت [illegible] را بایشان داده میشود قیمت ایام
تقسیم باید منظور شود یا قیمت وقت فوت و همچنین در حاصل
آن نیز باید که حاصل را قبل از اخراجات مستمره که در املاک میباشد
ملاحظه نمود و حصه بزرگ و قیمت مصالح الاملاک و تعمیرات و مالیات
و حق السعی ضابط و غیرها منظور داشت یا بعضی را جواب
بسم الله الرحمن الرحیم ظاهرا دلالت قوانین فقها رضوان الله
علیهم آنست که موافق وصیت ملک که آنرا اعمالش موافق مبلغ مزبور
در اغلب سنوات بوده مبنی بر آنکه اخراجات غیر ضروریه را
اخراج نمایند هر چند بعد از اخراج آنها کمتر شود میدهند مگر آنکه
قرینه [illegible] باشند که دلالت کند برآنکه مراد بعد از اخراج خرج ها
ضروریست و تخمین حاصل بر این وجه باید نزد ارباب خبرت و بصیرت
اشکالی ندارند و اگر موصی لهم بالغ و عاقل باشند بایشان صورت
میتوان مصالحه نمود که راضی شوند اگر معامله [illegible] ایشان نباشد
قرض [illegible] است اما در قیمت ملکی که پنجاه تومان ارزد اگر
بدهند مجری [illegible] و موصی لهم [illegible] راضی شوند زیرا که در این صورت
احتمال بطلان وصیت دارد بنا بر قول بعضی در نظایر این مسئله [illegible]

آنست

آنست که قیمت وقت اعتبار داشته باشند و اگر [illegible] را ورثه
اعتبار کنند احوط است سؤال هرگاه موصی که ملک و غیره را از ثلث
وصیت کند بقدری و گوید که اول مرتبه هر ملکی را [illegible]
بخرند و بفروشند و بمصرفی که گفتم صرف کنند و از آنجمله مبلغ صد تومان
خمس [illegible] و آن موصی از جمله سادات طلب داشته باشد که قدر آن
پنجاه تومان یا زیاده و کم [illegible] آیا وارثان میتوانند در اینصورت که
آن پنجاه تومان طلب را بخمس واگذارند و از آن سادات بگیرند
مطلق خواه ایشان آنقدر یا زیاده داشته باشند [illegible] بدهند و خواه نداشته
باشند خواه خرج یک سال [illegible] داشته باشند و خواه احتمال
این بدهند یا او آنقدر طلب را بحساب کرده جهت [illegible]
خمس [illegible] دیگر غیر این خمس وصیت کرده و خواه احتمال [illegible] یا آنکه
ملک را بفروشند و زر را بمستحقین برسانند واجب است مجموع
صد تومان را بدهند از قیمت ملک او [illegible] بآیه شریفه فمن بدله
بعد ما سمعه [illegible] شود جواب اگر آن سادات قادرند بادای
[illegible] خمس حساب میتوان کرد و اگر [illegible] باشند از ایشان مطالبه باید
کرد تا هم رسانند و خمس را جدا بدهند و اگر ایشان بدهند قدری را
بعوض طلب [illegible] و اگر مصلحت فقیر کند احوط است
سؤال هرگاه شخصی بگوید که فلان وصی ملک بفروشد و فلان قدر
[illegible] و فلان قدر نماز و روزه و حج بخرند آیا در این صورت [illegible]

باخراج [illegible] باشند

ارث وارث است و وارثان را جایز است که متاع را بچند در بر
یک از وجوه مذکوره که مثلاً نصف بها یا کمتر از نصف بها یا
بیشتر از نصف بها بفروشند خواه با آن قیمت ابتیاع داده
ارزد یا نیرزد یا جایز نیست هر چند که بیرزد و احوط تا به مذکوره میشود
جواب با وفای ثلث بوصایا وصیت کنند و ملک بفروشند و نقد
دهند و جنس ندهند والله اعلم فصل چهارم در احکام موصی له
سؤال هرگاه موصی له قسم مشترک بین ذکور و اناث باشند و در وصیت
تفاوت رسد ... آنچه باب ... داده میشود که فرض ...
است یا بالمناصفه جواب اگر تصریح بتفاوت نموده باشد ...
مراد او قسمت بعنوان میراث است موافق مشهور اناث و ذکور
مساوی باشند والله تعالی اعلم سؤال هرگاه شخصی وصیت بلا عذر
یا با عذر تاخیر و ... کند اجرت المثل و ... موصی به را ...
لازم داد و ... از وجوب باید جواب ... است اگر قبول
نکرده موصی له و بعد از آن قبول کند بعضی قبول را ناقل میدانند
و بعضی کاشف و اگر قبول کرده نماء موصی له است و اگر موصی له
معین نداشته ... و مصرف عام ... اگر معین معین ... ظاهر ...
ورثه است و اگر معین ... از وصی است والله اعلم فصل پنجم
در احکام موصی سؤال و ... ... اختیار ... که ... کند
... از مال ... بواسطه خود تصرف میتواند ... جواب ...
اختیار

کتاب النکاح

اختیار مال یتیم جد پدری است با وجود او و در صورت عدم پدر و جد
جد پدر او و بر فرض مفقود بودن اینها که یتیم که حاکم شرع ...
کند و در این زمان مجتهد جامع الشرایط یا عدول مؤمنین کنند
و کسی متوجه مال یتیم است احتیاط آنست مطلقا ...
از آنکه غنی باشد یا فقیر و اگر مضطر باشد و بسبب ضبط اموال یتیم
کسب نتواند که بقرض بقدر ضرورت اخذ نماید و بعضی گفته اند
آنچه اقل است از اجرت المثل و اخراجات ضروری آن شخص را
میتواند برداشت از مال یتیم سؤال و آیا طفل ... در مال
تواند که کسب جواب پدر و جد پدری ولایت دارند و بقدر احتیاج
ضروری از مال او خود صرف میتوانند که و ولایت و ...
دارند بر فرض تفاوت اختیار جد مقدم سؤال عدول مؤمنین از برای
... سؤال وجوب ...
با امکان ... یا هرگاه خاطر ... خواهد ... را ...
آورد جواب ... اگر آن ... تجویز تاخیر ... کتاب نکاح
و در آن پنج فصل است و خاتمه است فصل اول در احکام
اقسام نکاح و صیغه آن و اولیای عقد ... سؤال زن بچه
سبب بر مرد حلال میشود جواب بعقد دوام و بعقد منقطع
... و شرط است در عقد منقطع که تعیین مدت ... کنند
... و نقصان نداشته باشد و تعیین مهر نمایند و ...

مبلغ زر عقد دوام اگرچه از جمله شرط صحت عقد نیست اما باید
را اگر نقد شد بر وجهی تعیین نمایند مشخص و معین شود که نکاح
عقد میکنند میباید که اقلا ربط بعربیت بر وجهی داشته باشد اگرچه
بعد از ایجاب و قبول و غیرها که در صیغه گفتن معتبر است معانی
هر یک را دانند که از کدام کلمه فهمیده میشود احتیاطا که صیغه عقد
دوام و متعه و صیغه بیع کنیز و تحلیل کنیز جمیع بعربی گفته شود و اگر
ربط تمام بعربیت نداشته باشند بفارسی نیز بگوید بر وجهی که از شرع
مترتب است از ایجاب و قبول مسئله بعنوان ملکیت نیز حلال میشود
مثلا کسی کنیزی بخرد باید استبرا کند یعنی دخول میتواند [illegible] عقد
مگر کنیز مثل اینکه حیض زن باشد یا مرد عادل باشد و اقرار کند
از حیض استبرا فرموده ام اگر کنیز را و یک حیض جواب تحلیل آنست که شخصی کنیز
دارد و بر کسی حلال کند خدمت کردن آن زن را یا نگاه کردن باو
یا بوسیدن او را یا جماع کردن او را در آن کس حلال میشود آنچه حلال
کرده است او را نگاه نمیتواند بوسید و اگر حلال کرده باشد
بوسیدن جماع نمیتواند کرد و اگر حلال جماع کردن او حلال میشود برو او
بوسیدن و نگاه کردن و باقی تمتعات و اگر حلال کرده باشد
بوسیدن او را نیز حلال میشود نگاه کردن باو و در تحلیل نیز صیغه
ایجاب و قبول شرط است مثل آنکه صاحب کنیز گوید احللت لک
وطی امتی فلانه یعنی حلال کردم بتو وطی کردن فلان کنیز خود را در

جواب

باید و مهر کند تا کنیز حیض ببیند و بعد از آن استبرا بحیض

جواب آن شخص گوید قبلت یا صاحب کنیز گوید احللت لک
تقبیل امتی فلانه یا بگوید احللت لک النظر الی امتی یا گوید
احللت لک خدمة امتی فلانه و در جمیع صور بگوید آن شخص
قبلت قصد کند امری را حلال کرده برا و قبول کردم و بعد از آن
وطی کنیز برای شخص حلال میشود و صاحب کنیز هر وقت که
نظر نماید کنیز حق دارد که بتواند آن شخص منع بود و تا رفتن نماید بر
[illegible] منقطع [illegible] نیز باد و دخول میشود
که جواب بسم الله الرحمن الرحیم کنیز شخصی بر دیگری بعقد دوام
یا متعه یا تحلیل حلال میشود و بخشش منفعت وطی شرعا نبوده
نباشد و کذلک نیز لفظ هبه واقع نمیشود و اگر بعنوان تحلیلات
هر وقت که خواهد رجوع میتواند کرد و حکم هبه ندارد و اگر تحلیلات
[illegible] تقیید [illegible] کردن بعد از مدت حرام است [illegible] تحلیل
دیگر است والله اعلم سئوال اگر کسی عربی نفهمد و ایجاب را در
عقد نکاح دو ربع از وکالت زن بگوید و شوهر او عربی نفهمد مطلقا
[illegible] قبول را بگوید جایز است یا نه و همچنین وکالت زن ازجانب
مردی که عربی نفهمد جایز است یا نه جواب اگر او را بفهمانند که
هر این لفظ این معنی دارد و درست بگوید ظاهرا کافی باشد
سئوال اگر شخصی یکی از دخترهای خود را برای شخصی عقد کند و تعیین
نکند بعد از اجرای صیغه تعیین جایز است یا نه جواب اگر در لفظ

و قصد حیث نکرده باطل است و تعیین بعد از صیغه نا[illegible]

وصیغه دیگر باید گفت **سؤال** اگر شخصی یکی از دختران خود را بنا

بشخصی عقد نماید و در حین عقد یکی را که بزرگ است اراده نماید

و ذبح دختر کوچک را قصد کند صحیح است یا نه **جواب** [illegible]

است **سؤال** هرگاه شخصی به زنی که اراده متعه کرده [illegible]

باشد بگوید که تو متعه منی منعوتی در مدت معین باین مبلغ

و زن بگوید که آیا همین کافیست و صیغه مشروط است که صیغه

عربی گفته شود **جواب** احوط آنست که بدون ضرورت الفاظ صیغه

فارسی نکنند و اگر گفته زن ابتدا بصیغه کند احوط است **جواب**

اگر خود مستغنی است از تعارف بغیر عربی و فارسی واقع شده باشد

و از اینان اولاد بهم رسیده باشد حکم واقعه **جواب** اگر عالم بحرمت

باشند اولاد ایشان اولاد زنا است و اگر شبهه شده باشد

برایشان اولاد شبهه خواهد بود و حکم صحیح خواهند داشت والله

اعلم **سؤال** رضای باکره بالغه در صحت عقد او کافیست یا رضای

پدر و جد بعنوان استقلال یا تشریک میباید **جواب** اقوی آنست

که رضای دختر کافیست و احتیاط آنست که رضای پدر یا جد پدری

نیز واقع شود و بر فرض اختلاف پدر و جد مقدم است

سؤال هرگاه دختر زنی را که ولی آن دختر یکی صیغه عقد منقطع

بخواند با وجود آنکه آن مرد محتاط باشد آیا محرم میشود و بدون

اینکه پدر را خوب است باشد و اگر عقد فضولی شود

پدر و مادر راضی نباشند و غیر ولی هرگاه عقد کنند باز حکم اول

خواهد داشت یا نه **جواب** اگر ولی عقد کند ظاهرا محرم میشود

و در فضولی بدون تجویز بعد از بلوغ معلوم نیست که اثر

مترتب شود والله یعلم **سؤال** علامت بلوغ پسر و دختر بحسب

ودرش کدام است **جواب** ظاهر اخبار وبیشتر معتبر آنست که پسر

در سیزده سالگی بالغ است و احوط آنست که از سیزده تا

پانزده رضای او در تصرفات مال و نکاح و غیر ذلک را واقع نسازند

والله یعلم و در عبارت دیگر فرموده اند که اقوی آنست که پانزده

سال را تمام کند یا موی درشت از زهار او بروید یا محتلم شود

بالغ است و احتمال بلوغ در وقت داخل شدن پانزده سال نیز هست

و بعضی تصرفات و عتق در سیزده سال نیز جایز

است و دختر نه سال را تمام کند یا حیض ببیند یا موی درشت

از زهارش بروید بالغ است **سؤال** هرگاه چند مرد یا چند زن

با مردان و زنان آمدند و گفتند که فلانه زن ترا وکیل کرده که

او را بعقد آن شخص بعقد [illegible] بعقد [illegible] در آورد آیا نزد او

آن هست که اینکس خوانده شود در جمیع احکام و جایز است که

عقد کند باین نحو یا آنکه نفس موکله باشد **جواب** اگر مطلب اطلاع

صیغه [illegible] ازدواج در زوجه جفو بدا شد عقد واقع شد و مطلب

آن زن کودک شده انکه نباشد بقول یکی بس هم میتوان
کرد اگر چه زوج باشد و اگر خواهد ا انکس باید باشد
میتواند یا زوجه اول کودکی بدهد یا انقدر بگویند اعلم
والله تعالی اعلم و در وقت غلام اسباب تحریم بود و آن بسته ملحق
است مسئله اول در احکام رضاع ابتدا یکی شیر خورده باشد
حرمت میشود یا نه جواب ظاهرا کمتر از ده شیر نخورد سوال ده
شیر بچه را یک روز چند نوبت غیر متوالی مرضعه واحده شیر داده
باشد بر احدهما خواهر دیگری حرام میشود یا نه جواب هرگاه ده
نوبت متوالی یا یک شبانه روز متوالی شیر خورده باشند موافق
مشهور حرام میشود والله تعالی اعلم سوال مرضعه برجد رضیع حرام
است یا نه جواب حرام نیست سوال هرگاه شخصی زنی و کنیزی داشته
هر یک فرزندی داشته باشد کنیز آنرا میتواند فرزند آن شیر داده
جواب میتواند داد رضیع سوال چه میفرماید هرگاه زینب بنت
شش ماهه شیر عمرو را شش فارغ شیر داده باشد بلی شرایط
طریق اینکه هر چند نوم اتفاقا داده چنانچه ابتدا تا انتها
شش ماه شده بر شرعا و رضاع حالت رضاع متحقق میباشد
پسر عمرو و دختر زینب را که با و شیر متوسط خورده جواز
میتواند شروط شرعیه یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم اگر با تزویج
شیر حالیه بوده بکری در میان شیر داده باشند پسر عمرو داده است

با تحقق

با تحقق سایر شرایط رضاع اولاد زینب بر آن فرزندی که
شیر خورده حرام میشود والله تعالی اعلم سوال باز چنان فرمایند
هرگاه زینب را بعد از دختری با پسر شخص شیر خورده
دو دختر دیگر هم رسیده و زینب مذبور شیر دختر ناظم دختر
دیگر داده در وقت کبری لا ینقطع شیر داده باشد شیر خوردن
پسر عمرو با دختر بطن اول زینب شیر خورده و دختر
دیگر را خواستگاری نماید بشرط شرعیه یا نه جواب اگر پسر عمرو
را با شیر داده شیر حالیه یک شبانه روز حالیه شیر داده
شیر حالیه شوهر او از فرزند دیگر باشد و دختر دیگر را شیر داده
است بیان حد که مذکور شد بر یکدیگر حرام میشوند والله تعالی اعلم
سوال هرگاه شخصی با دختری او چند خواهر دارد و شیر خورده و
خواهرهای دیگر را میتواند خواست یا نه جواب آنکه شیر خورده
نمیتواند خواست و اخوات دیگر را نیز احوط ترک است خروجا عن
مخالفت و در جای دیگر بخط شریف نوشته اند بسم الله الرحمن الرحیم
هرگاه دو طفل را یکی مرضعه از شیر یک مرد شیر داده و هر یک
ده شیر حالیه خورده باشند هر دو حقیقی خواهر و برادر رضاعی هر یک
از آن دو طفل بر دیگری حرام است و اگر چه عدم
حرمت خالی از قوت نیست اما موافق احتیاط ترک است
والله تعالی اعلم سوال هرگاه شخصی از زوجه خود [illegible]

در مسائل حج
با محرم کسی [illegible]
نکاح حلال نمیشوند

شیر خورده‌اند و صبیه شخصی از دایه نبوده لاغیر شیر خورده باشد
برادر آن صبیه شخص اول را با این صبیه شخص دوم
عقد میتوانند بست یا نه جواب اگر دایه هر یک از صبیه‌ها را ده شیر
متوالی داده باشد و برادر یکی از این دو صبیه دیگری را خواهد عقد
نماید محل خلاف است و احوط اجتناب است و اگر کمتر از این
ده شیر متوالی خورده‌اند قصوری ندارد والله تعالی اعلم بحقایق الاحکام
و حجج الکرام علیهم الصلوة والسلام سؤال چه میفرمایند هرگاه شخصی
همشیره مادری رضیعه داشته باشد زبیده نام شرعاً رضیعه مذکوره زبیده
همشیره خود را شیر میتواند داد بقدری که شرایط رضاع محقق بشود
یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم اگر ده شیر متوالی و یک شبانه
روز [illegible] احوط است والله تعالی اعلم
سؤال هرگاه زنی پسر برادرش را شیر دهد بر شوهرش حلال
است یا نه جواب مشهور آنست که قصوری ندارد و بعضی [illegible]
سؤال اگر مادر شخصی فرزندش را شیر دهد [illegible]
[illegible] احوط آنست که طلاق گفته شود جواب بسم الله هرگاه
مادر زن فرزندان زن را که دختر زاده اوست شیر دهد بشرایط
رضاع [illegible] موافق مشهور و روایت صحیحه مادر آن طفل
بر شوهرش حرام میشود و احتیاط است که اگر خواهد شوهر نگاه کند
احتیاطاً طلاق گوید والله تعالی اعلم سؤال معروض میدارد که هرگاه مادر زوجه شخصی شیر بفرزندان او دهد بنحوی که رضاع محقق
شود

[illegible] حرام میشود یا نه
جواب
اگر مادر مادر [illegible] حرام میشود [illegible]

شخص زوجه آن شخص حرام میشود بر آن شخص یا نه جواب
بسم الله اگر شرایط رضاع محقق شده است مشهور و اقوی آنست
که دختر مرضعه حرام میشود و احوط آنست که اگر خواهد شوهر ترک
کند احتیاطاً طلاق بگوید اما حرمت مرضعه بر شوهر [illegible]
ثابت نشده است اگرچه بعضی قائل شده‌اند والله اعلم سؤال چه
میفرمایند که هرگاه زن زید برادر زید را شیر دهد بشرایط
رضاع [illegible] نشر حرمت میکند یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم
اشهر و اظهر آنست که حرام نمیشود والله تعالی اعلم بحقایق احکامه سؤال
هرگاه زنی بچه شوهر خود را شیر داده و مدت یک شبانه
روز [illegible] و بعد از آن شخص دیگر داده [illegible]
ده روز [illegible] شیر داده [illegible] معلوم نماید
[illegible] معلوم شد [illegible]
از هر دو جانب فیمابین زوجات تفریق واقع شده و منتظر
حکم مبارک [illegible] جواب در صورت [illegible]
شیر [illegible] روز [illegible] است حرام نمیشود
[illegible] میان علما [illegible]
میان علما آنست که زنی که شیر داده [illegible] بر شوهر حرام نمیشود
و مظنون [illegible] و بعضی از علمای متاخرین امامیه قائل بحرمت
شده‌اند و اگر کسی احتیاطاً طلاق بگوید بهتر خواهد بود والله تعالی اعلم

بوی پدر و [illegible]

سوال چه میفرمایند علمای امامیه رضوان الله علیهم در اینکه زید زوجه معقوده داشته
باشد و چند فرزند از و حاصل شده و عمرو بعد از آن دختر زید
مذکور را بشیر خود داده باشد و بشیر داده و رضاع متحقق شده باشد
آیا زوجه زید بر زید حرام میشود یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم
اشهر میان علما و اقوی بحسب دلیل آنست که باعث حرمت نمیشود
والله تعالی یعلم محلمه مهر و خط سوال بیان فرمایند اگر زن عمرو
دختر زاده عمرو را شیر دهد و شرایط رضاع ثابت باشد آیا شیر
حرمت میکند یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم اشهر و اظهر آنست
که حرام میشود و احوط آنست که نگذارند این قسم جماع ثابت است
والله تعالی یعلم محلمه و خط سوال بیان فرمایند که هرگاه علی اکبر اصفهانی
دختر آغا محمد شیر دهد و یکی از عمه مذکور بهم رساند و بعد از آن صبیه
از عمه مذکور بهم رسد علی اکبر مذکور صبیه مذکوره را بعقد
در تواند آورد جواب بسم الله هرگاه شرایط رضاع ثابت آمده
باشد صبیه مذکوره را علی اکبر عقد کرده نمیتواند والله تعالی یعلم
دقایق الاحکام و حجته الکرام بخط سوال هرگاه شخصی دو زن
داشته باشد یکی فرزند دیگری را که زن دوم باشد شیر دهد حکم
داده جواب [illegible] ندارد [illegible] دوم در احکام مصاهرت الخ و در
در حکم آنست سوال بیان فرمایند که بمحض عقد دختر مادر حرام میشود
یا [illegible] میکند یا نه جواب خلاف است و اظهر حرمت است سوال

خواهر زن بر اولاد شوهر که از زن دیگر دارد حرامست یا نه
جواب حرام نیست سوال دختر زن بعد از طلاق که از شوهر
دیگر بهم رسد بر شوهر اول حرام است یا نه جواب اگر شوهر اول
دخول بآن زن کرده دختر حرام میشود و الا حرام نیست سوال
عمه مادر را میتوان خواست جواب میتوان خواست اما
کراهتی دارد سوال موطوءه جد مادری هر چند بالا رود و بر نوه دختر
زاده هر چند پائین رود حرام است یا نه و همچنین دختر
زاده بر جد مادری حرامست یا نه جواب حرمت هر دو اجماعیست
و احادیث بسیار دلالت میکند که دختر زاده فرزند است حقیقة
سوال دختر عمه و پسر عمه و دختر را میتوان خواست جواب میتوان
خواست سوال در لواطه موطو بالغ یا غیر بالغ مادر و خواهر و دختر
لاطی را میتوان خواست یا نه جواب بعضی قایل بحرمت شده اند
و تا [illegible] موجود آیات و مشهور حرمت مادر و خواهر
و دختر موطوءه است بر لاطی نه عکس والله تعالی یعلم سوال دو کس
با هم لواطه کرده باشند اولاد خود را بهم تزویج میتوانند کرد یا نه
و در این باب فرق میان لاطی و موطوء هست یا نه جواب ظاهرا
در اولاد و [illegible] حرمت نشده و در این نظر نرسیده والله تعالی یعلم
سوال در آن حدیث که نهی وارد شده از جمع میان دو سیده
آیا شریفه نیز داخل است یا اگر در میان سیده و شریفه جمع



در بیان مهرها

جناب را بر ... مهر سوال بخشیدن مهر زن بخوشی طلبی چه صورت دارد
... مشغول الذمه است سوال مهر مطلقه قبل از دخول چه شود
جواب نصف میشود سوال هرگاه اختلاف مهر شود و زوجین ...
آنکه از زوجین یا هردو مرده باشند چگونه ثابت میشود جواب
گواه ثابت میشود والا تقدیم زاده میشود ... میگویند
بمهر مثل ثابت و احوط صلح است و این مسئله شقوق بسیار
دارد و در نهایت اشکالست و در کتب مبسوط فقه مذکور
با تشویشی بسیار سوال نام که متعارف را که سواب اگر بعنوان
عهد و پیمان زوج نه خود لازم میکنند را عند الوسع والمطالبه
مثلا گفته شده تمهیدا پنج تومان قیمت او باشد تسلیم نوبه نماید
و اگر نوبه ابرا غاید فائده دارد جواب بخشیدن فائده ندارد
زیرا که مقتضای عهد هرگاه را مطالبه نماید باید داد مگر آنکه زن هنوز
صیغه نذر نخوانده را هر مطالبه نخواهم کرد صیغ جواب ... در اداب
خلوة سوال در شب سفر را جماع مکروه است مخصوص سفر است که
موجب قصر باشد یا شامل سفر غیر شرعی است جواب ظاهرا
مخصوص سفر قصر است سوال در روز اول ماه و آخر ماه ...
جماع مکروه است یا مخصوص شب است جواب ظاهرا ... شب
سوال هرگاه موجب جنابت بعد آید بدون انزال آب اگر بخواب رود
بعد از آن خواهد که جماع کند وضو سنت است یا نه جواب ... واقع

شده است

باید ثابت باشند

در اداب خلوت

شده است و وضو افضل است سوال در ازمنه و امکنه را
جماع مکروه هست آیا آن کراهت مخصوص کسی است که زن
او احتمال داشته باشد یا بسبب آن جماع حامله شود یا مطلق است
جواب ظاهرا حدیث و کلام علما مطلق است سوال بعضی میگویند
جماع کردن در اوقاتی که ممنوع است و باعث علت ...
در فرزند است وقتی است که حمل ... رسیده باشد
یا جمیع ... نیز این حکم دارد جواب بعد از حمل نیز بهتر
اجتناب است سوال اگر کسی چیزی بر ذکر خود بپیچد و مقاربت کند یا
از روی جامه زن یا جامه خود ملاعبه و حرکت کند تا انزال
آیا داخل فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون هست
یا نه جواب حرمت اینها معلوم نیست سوال مقاربت در خانه که
طفل است تمیز ندارد و در خواب است مکروه است یا نه جواب
از بعضی احادیث کراهت معلوم ظاهر میشود و اگر طفل ممیز باشد
احوط است سوال اگر شخصی در میان سرای ... و آن طفل را
بپوشانند آن نیز بمنزله خانه است در کراهت یا نه جواب ظاهرا
را طفل ممیز نزدیک نباشد سوال اگر طفل در گهواره باشد و گهواره پوشیده
باشد آیا آن گهواره بمنزله خانه شود تا رفع کراهت جماع شود
در آن خانه یا نه جواب و در بعضی فی الجمله کراهت باشد موافق
بعضی اخبار سوال مقاربت در غرفه که بلند بود است یا پست هوا

و آسمان خوب مینماید یا در خانه را دیوار آن باز است و آسمان
مینماید آیا مکروه است یا آنکه کراهت مخصوص آنجا است که
زمین آن در سرا بر آسمان است جواب ظاهر آنست که کراهت
در صورتی باشد که چیزی در سر انیکس نباشد سوال وطی حائض
قبل از غسل و بعد از پاک شدن حرام است یا مکروه یا
جایز جواب مکروه است سوال وطی در حیض و نفاس و در دبر جایز
یا نه جواب مشهور و اقوی جایز است بنابر عدم تحریم وطی در دبر
بعضی استمتاع از حائض را در مابین ناف و زانو حرام دانسته اند
و اظهر کراهت است والله یعلم سوال هرگاه شخصی عالم نباشد
بر زوجه اش حائض است و جاهل مسئله باشد و دخول کند چه حکم
دارد جواب قصور ندارد و اگر جاهل مسئله باشد تقصیر دارد سوال
عورت زن نسبت بمحارم قبل و دبر است یا از سر تا زانو
جواب ظاهرا خصوص عورتین است و اجتناب از نظر بغیر از روی
و دو کف احوط است والله یعلم سوال نگاه کردن دختری که
از شهوت داده باشد و گفتگو کردن و خوش طبعی کردن با او بجهت
راه دهن خواه خویشی داشته باشد یا نه خواه خوش صورت باشد
خواه نه جایز است یا نه و همچنین پسر نابالغ جواب الحوط الاجتناب
و شهوت نباید کرد خصوصا در زیاده از پنج سال سوال دختر
تا چند سال برابر مرد اجنبی نباید آمد جواب احوط پنج سال است

انتهی

آنست که بگذارند که برابر مرد نامحرم اجنبی برود والله یعلم
خاتمه در احکام اولاد سوال اولاد که توام متولد شوند
آیا عقیقه هر دو یک گوسفند کافیست یا نه جواب ظاهرا عقیقه
باید کتاب طلاق سوال عدت مطلقه چند است و عدت وفات
و عدت متعه و عدت کنیز هر یک چند است و آنکه عدت ندارد
کدام است جواب صغیره و یائسه و زوجه غیر مدخوله عدت ندارد
و مطلقه که غیر اینها باشد عده اش اگر طلاق در طهر غیر
مواقعه واقع شده سه طهر است چنانچه بعد از طلاق گفتن بقدر
یک لحظه پاک بوده و دو حیض را بعد ببیند اول حیض سیوم عدت اش تمام
است والا آخر طهر چهارم و اگر حیض نمیبیند در سن کسی که حیض
میبیند عده اش سه ماه است و اگر سه ماه بگذرد و در جمیع ماه پاک باشد
از حیض عده اش تمام شده و اگر در اثنا حامله باشد
عده اش وضع حمل یا عدهٔ مذکوره هر کدام کمتر باشد
و عدت وفات چهار ماه و ده روز است و اگر حامله باشد
بعد از وضع حمل چهار ماه و ده روز هر کدام دیرتر بشود
و ابتدای عدت طلاق از وقت صیغه طلاق گفتن است
و عدت وفات وقت رسیدن خبر است و عدت کنیز از طلاق
دو طهر است و اگر حیض نبیند چهل و پنج روز است و عدت از
وفات چهار ماه و ده روز است و متعه عدت کنیز است

عدت متعه سؤال بعد یا پیش از زمان چند سال است زن یائسه
عدت دارد یا نه جواب در قرشیه یائسگی با شصت سالست
و در غیر آن پنجاه سال و ظاهر آنست که عدت ندارد سؤال
آنچه گفته‌اند که زوجه مطلقه اگر قبل از دخول طلاق واقع شود
عدت ندارد و نصف مهر باو میرسد مراد از دخول دخول
در قبل است یا نه جواب دخول در دبر نیز مدخوله است بلکه
تفخیذ با خلوت کردن بنابر ظاهر بعضی اخبار سبب عدت و تمام
مهر میشود کتاب تدبیر سؤال جایز است مولا را و رجلین جنایت
چه فسخ تدبیر مدبر خود و بیع آن یا نه جواب فسخ تدبیر جایز است
اما بیع پس اگر پیش از آن فسخ تدبیر کرده بیع صحیح است و اگر
فسخ نکرده پس خلاف است بعضی گفته‌اند صحیح است چون بیع
فسخ است و بعضی گفته‌اند صحیح نیست از جهت عدم صراحت آن
در فسخ کتاب ایمان سؤال هرگاه شخصی بر شخصی دعوی کند که تو ... باشد
که انکار ... تو دارم و او انکار کند قسم میتواند داد جواب
ذا نفع زیرا که قسم دعوای مالیت نمی‌باشد احتمال دارد که چنین
کار نفع مالیت ... قسم داد والله العالم سؤال
هرگاه مدعی علیه بر مدعی دعوی کند که سند را از من دزدیده
کرده قسم میتواند داد یا نه جواب بر الحاق قسم ...
... شخصی سؤال هرگاه شخصی موجب سندی را از ...

مانند این دعوی کند با وجود انکار مدعی علیه قسم میتواند
خورد جواب اگر ادعا کند که علم دارم بر حقیقت سند دعوی
بجا دارد والا فلا سؤال اگر چنین سندی بمهر شریف شما باشد
و وارث علم آن وارث منحصر بهمان باشد که سندی بمهر شریف شما
ظاهر شده و مظنون او هست که اگر وجه سند ادا شده سند را
پس میگرفت جواب مدعی علیه را تسلط قسم نفی العلم بر آن وارث
هست که نمیداند که وجه ادا شده و ظاهرا بعد از آن وجه را
... وارث نماید سؤال اگر کسی جهت مدعای خود بگوید که
لعنت خدا بر فلان میکند بر من بلا اگر چنین نباشد اگر من دروغ
گویم و بمرگ فلان و بجان فلان اگر چنین نباشد یا فلان
امام را ضربت زده باشم اگر چنین نباشد یا بحق فلان پیغمبر
فلان امام اگر دروغ گویم آیا اینها و امثال اینها جایز است
یا نه جواب احوط آنست که بغیر از خدا مطلق قسم نخورد و قسم
... و براءت خوب نیست کتاب نذر سؤال اگر کسی نذر کند
و چنین بگوید که نذر کردم که اگر بجایم به شود هزار دینار را
بمستحق بدهم آیا چنین صیغه گفتن لازم میشود یا قید مضمون
مدعی باشد بشود در فرقی که چنین صیغه نذر حضرت امام
رضا علیه السلام کند که باید داد و اگر نذر کند که در روضه
مبارکه بشمع اندازند یا بسالت خدمه یا طالب علمان مستحق بشود

داد جواب بچنین صیغه گفتن لازم نمیشود مگر آنکه نام خدا ببرد
که بخدا نذر کردم یا عهد کردم که در این وقت لازم میشود باید که
بر آن وجهی که نذر کرده و تصریح که تعیین کرده بعمل بیاورد مثلا
هرگاه نذر کند بخدا که بضریح حسینیه باید که به نذر وفا کند اما
اگر نام خدا نبرده گفته که نذر کردم بسادات و مستحقین میتوان [illegible]
سوال نذر مطلق باین نحو بگوید که لله علی سه روز بروزه بگیرم
بدون آنکه آنرا اجزای حضرت [illegible] شنبه و [illegible] باشد [illegible] قرار
و بدآیا منعقد است یا نه جواب خلافست اما ظاهرا منعقد باشد
سیم سوال اگر شخصی نذر کند که بعد از فوت زید هر دینی که
که بر ذمه او باشد ادا کند و اتفاقا زید پسری داشته که قبل از زید
فوت شده براو نیز دیون بوده آیا باید آن شخص دیون پسر
زید را نیز ادا کند یا نه جواب هرگاه آن پسر که فوت شده میراثی
هم برای پدر گذاشته باشد و آن پدر میراث را متصرف شده
تلف او [illegible] آن دیون پسر نیز بر ذمه زید تعلق گرفته خواهد
بود و اگر میراث نگذاشته بذمه زید تعلق نخواهد گرفت و اگر میراث
گذاشته و موجود باشد بمال تعلق خواهد داشت مجملا هرگاه بنحوی
شود که آن دیون بذمه زید تعلق گیرد داخل وجه نذر خواهد بود
والا فلا [illegible] سوال هرگاه نذر کرده که اگر این روز را روزه بگیرد
دو رکعت نماز بگذارد آیا روزه این روز واجب میشود یا نه

جواب واجب میشود نماز اگر روزه را ترک کند سوال کفارت
سوال کفاره روزه خوردن در ماه مبارک رمضان بحلال چه
باید داد و اگر بحرام افطار کند یا بوجهی دیگر فاسد کند
روزه را چه باید داد جواب در حلال مخیر است میان بنده
آزاد کردن و دو ماه روزه و اطعام شصت مسکین و در
حرام احوط جمع است میان هر سه سوال شخصی شرط
بست و از روی تعصب روزه ماه رمضان را خورده
قضای آنرا بگیرد و [illegible] بر او چه چیز لازم است
جواب بسم الله الرحمن الرحیم باید که یک بنده آزاد کند
یا دو ماه پیاپی روزه بگیرد یا شصت مسکین را سیر
هم سیر کند [illegible] طاب ثراه سوال کفاره وطی کردن زن
حائض واجب است یا سنت جواب فعل حرام است و کفاره
ظاهر آنست که سنت است و احتیاط آنست که ترک کفاره نشود
سوال اطعام شصت مسکین که در کفاره لازم شود تفریق لازم
است یا همه را یکی را اطعام باید کرد و هرگاه تفریق جایز باشد
یک مسکین را اگر مکرر اطعام کنند در یک کفاره محسوب میشود
یا نه و مقدار اطعام چه مقدار است جواب تفریق جایز است
و یک مسکین را مکرر اطعام کردن در یک کفاره جایز نیست مگر آنکه
مسکین یافت نشود و هرگاه اطعام کند باید آنقدر باشد که سیر شوند

واکر بایشان دهند احتیاط امنست از دو مد از نیم من تبریز اند
زیاده باشد بدهد با نان خورش اکر وسعت داشته باشد والا یک
تد سوال در کفارهٔ سادات را اطعام میتوان کرد یا نه جواب تصدق
واجبی را بسادات نمیتوان داد مکر آنکه صاحب کفاره سید باشد
سوال هرکاه شخصی روزهٔ قضا را بعد از ظهر خورده باشد چه حکم
دارد جواب بسم الله کسیکه روزهٔ قضا را بعد از ظهر بدون عذر
افطار کند خلاف است در وجوب و بنابر وجوب بعضی گفته اند
ده مسکین را طعام بدهد و بهر مسکین مدی که تقریبا یک چهاریک
وزن قدیم باشد و اکر نداشته باشد سه روز روزه میگیرد و بعضی
گفته اند کفاره سه قسم است یعنی یک بنده آزاد کند یا ده
مسکین را طعام دهد یا جامه دهد و اکر عاجز شود سه روز روزه
میدارد و بعضی گفته اند مخیر است از سه روز روزه بدارد یا ده
مسکین را طعام دهد و بعضی گفته اند که کفاره اش کفاره افطار
ماه رمضان است از یک بنده آزاد کند یا دو ماه پیاپی روزه
بدارد یا شصت مسکین را طعام بدهد و بنابر وجوب ظاهرا
اول اقوی باشد والله یعلم کتاب صید و ذباحت سوال صید
تفنک حلال است یا نه جواب حلال نیست سوال حیوة مستقره که در
مذبوح بعد از ذبح شرط است چه معنی دارد جواب مختلف گفته اند
و اظهر آنست که بعد از ذبح حرکتی کند که دلالت بر حیات کند

سوال هرگاه حیوان ماکول اللحم را قبل از ذبح حیوة مستقره در آن
شرط است یا در حالت اختیار است یا مطلق جواب اکر خون
و حرکت بعد از ذبح بهم آید و در هر دو حال مخیر است در اشتراط
حیوة مستقره بمعنی دیکر ولیک نیست والله یعلم سوال چه میفرمایند
در ذابح مسلم هرکاه آنچه شرط تذکیه باشد در ذبح طیر بجا
بیاورد بعد از مفارقت روح طیر مذبوح معلوم میشود که حلقوم
او یا عضوی از اعضای ذبح بریده نشده است آیا آن طیر
مذبوح حلال است یا نه جواب اکر چهار رک بریده شده است
حلال است والا محل اشکال است و احوط اجتناب است
والله تعالی یعلم حقایق الاحکام و حججه الکرام علیهم السلام مخلصه
سوال هرکاه عالم عمدا نسیانا حیوانی را ذبح بغیر قبله نماید حلال
است یا نه جواب ظاهرا حلال است سوال از ذبیحه سنی در
ملاقات بی میتوان خورد یا نه جواب ظاهرا توان خورد اکر ذبیحه شیعه
بهم رسد اجتناب بهتر است سوال زن ذبح میتواند کرد جواب خود
ذبح کردن ایشان را جایز است کتاب اطعمه و اشربه و زن جایز
نیست و تمام کتاب غصب اوقات را احکام حیوانات سوال
مرغها را چه قاعده میتوان دانست که کدام حلال است و کدام حرام
جواب حیوانی که سنکدان یا چینه دان داشته باشد یا سیخ پس پا
باشد و تنش بیش از صاف رفتن باشد حلال است سوال

بیغه بالکرسا ... [illegible]

چیزیکه مرغ و غیر آن از حیوانات بسبب آن جلال میشوند چه چیز
است و حکم عرف آن چه چیز است جواب اکثر علما آنرا عرق
گذاشته اند و بعضی یک شب و روز گفته اند و بعضی گفته اند که تغذیه
نجاست در گوشت او بهم رسد و درین آخر احتیاط ضرور است
اگرچه خلاف است که جلال باعث حرمت میشود یا کراهت
و حرمت اشهر است و ایضاً خلاف است که میباید عذره
بخورد یا اگر غالب باشد نیز حرمت میشود و اول اشهر است
و بعضی نجاسات دیگر الحاق کرده اند و ظاهرا بیوجه است و کراهت
عرق اقوی است والله یعلم فصل دوم در احکام جامدات

در احکام جامدات

سوال مشک حلال است یا نه جواب ظاهرا حلال است از جهت
استعمال ائمه علیهم السلام سوال اصل جُند بیدستر چیز است حلال است یا نه
جواب ظاهر آنست که خصیه حیوان معروفیست و بعضی گفته اند
که در میان راهها او میباشد و بعضی گفته اند که آن حیوان را انثیین
ظاهری میباشد مشابه سایر حیوانات و انثیین دیگر دارد که در
تجویف شکم میباشند و [illegible] ظاهر میشوند و اینها که اینها است چند [illegible]
و میتواند این قول وجه جمع میان دو قول اول باشد و احوط
اجتناب از آن بدون ضرورت است سوال اگر نان را خمیر در کره
از آرد ساخته باشند و یک لقمه یا چند لقمه آنرا خوب نرم کرده
که خاک دارد آیا جایز است که دندان بر باقی نانها بگذارد چنانکه

معلوم

معلوم شود که خاک دارد یا ندارد و یا خود گوید که از کجا
که غیر آن لقمه نان خاک دارد و شاید خاکی که داخل آن و همان
لقمه شده و بس آیا چنین حیله جایز است یا نه و اگر همچنان
یک نفر یا چند نفر گویند که این نان خاک دارد و آن نان جاریه (?)
و نخورده باشد جایز است جواب خاکی که مستهلک باشد در نان حرمتش
معلوم نیست سوال نانی که بر آن خاکستر می چسبد هرگاه در میان
خاکستر و آتش پخته میشود [illegible] آن چه صورت دارد جواب
دلیل بر حرمت غیر خاک نیست سوال بادام تلخ که پوست آن
از بادام پوست چوبی بسته مانند چوب است در بعضی
کوه‌ها پوست آنرا با مغز آن آرد میکنند و با دوشاب ممزوج
میکنند و نان می پزند و تلخی آن برطرف میشود بلکه لذیذ میشود
و همچنین عرق یا آب دهن هرگاه در میان ماکول یا مشروب
افتد و مخلوط شود چه صورت دارد و دلیل منع یا رخصت
در هر یک از اینها کدام است و دیگر علفی که برگ آن [illegible]
و چوب آن درشت تخم دارد دانه های ریزه [illegible]
میگویند فی الجمله کیفیتی دارد و چون بریان شود طیب و لطیف
است چه حکم دارد جواب پوست بر دشمن مذکور و آب دهن و
عرق ظاهر آنست که حلال باشد و جماعتی دغدغه میکنند از جهت
آنها است و شباهت آنها ثابت نیست خصوصاً به دو شق مذکور



در احکام مایعات

در پوست و در باب چرس و بنگ و واله آن تابع اشکال
است هرچه کثیر آن باعث اسکار شود قلیلش نیز حرام است
سؤال خرما و غیر آن را چیزهای کوچک در میان آن هست و قشنه
آن را شکی فند آیا آنها از آن چیزها پاک باید کرد بعنوان
وجوب یا نه جواب اگر کرم بود پاک باید کرد خصوص سیم در احکام
مایعات سؤال آب نهر عام را هرگاه بحوض آورند وضو میتوان
ساخت و در شرب خفین آنجا بقرنا خیز چه حکم دارد جواب استعمالات
یک حکم دارد اما در وضو و غسل احتیاط بیشتر ضرور است
والله تعالی اعلم سؤال اگر مار یا هر در خم سرکه افتد بمیرد و نجس
شود یا نه جواب مشهور آنست که حلال است اما باجتناب بهتر است از
آن کراهت دارد و اگر ظن ضرر آن بود حرام است والله تعالی اعلم
سؤال اگر خواهند که احتیاط کنند از شیره انگور بعد از غلیان
تا بر قول نجاست که هنوز ذهاب ثلثین نشده بر رخت چکیده
آن رسیده باشد با آن رخت نماز کردن چون است و بعد از
ذهاب از اجتناب آن شیره احتیاج بشستن خواهد بود یا نه جواب
حکم بنجاست مستندی ندارد و آنچه مستند بآن شده اند بعید نیست
والله ولکن اگر قائل بنجاست شده حکم کرده اند بتبعیت
پاک شود سؤال در وقت دوشاب پختن متعارف است
که خاکی داخل میکنند و آخر اجزای آن خاک قدری در آن

دوشاب باقی میماند آن دوشاب حلال است یا حرام جواب
حلال است زیرا که اکثر آن خاک از او جدا میشود و قلیلی که
باقی میماند چون در میان دوشاب مستهلک است دخلی ضرر
ندارد و کم چیزی از ماکولات میباشد که قدری از خاک در آن
مستهلک نباشد جمیع سؤال چه میفرمایند در مویز یا عنب یا دوشاب
یا خرما که آب مطلق بر آن بریزند و بگذارند تا مسکر شود و بعد
از آن بگذارند تا سرکه شود و آن سرکه مذکور طاهر و حلال
است یا نه جواب ظاهرا حلال و طاهر است سؤال چه میفرمایند در
سرکه که آب مطلق بر خمر عصیر عنبی ریخته شود تا استهلاک
حاصل شود و بعد از آن که استهلاک خمر مذکور حاصل کند اما حلال
است یا نه جواب اگر شراب را بر سرکه و غیر آن غالب شود
و بعد از آن سرکه شود خوب است و اگر سرکه غالب شود و شراب
در آن مستهلک شود محل اشکال است و احوط ترک استعمال است
والله اعلم سؤال کشمش را هرگاه بکوبند و شیره آنرا گرفته بجوش
جوش نهند آیا عصیر این در حلیتش بر طرف شدن دو ثلث
شرط هست یا همینکه عرفا دوشاب و شیره بر آن صادق است
کافیست جواب بسبب غلیان و جوشیدن حکم بحرمت عصیر
کشمش و مویز نمیتوان کرد اما احتیاط آنست که ذهاب ثلثان
بعمل آید سؤال کشمش را هرگاه در میان آب یا برنج وغیره بجوشانند

چه حکم دارد در حرمت و حلیت قبل از ذهاب ثلثین جواب
خارج کشمش بقدری باشد شیره او آب را رنگین کند بجنبیند از آب
مویزش کوبند و هم جنبند اگر حرام نمیشود سؤال هرگاه شیره انگور را با
شیره انار ممزوج ساخته بجوشانند تا بقوام آید و دو ثلث آن برود
چه حکم دارد جواب ظاهرا اولی آنست که حلال باشد اگر معلوم باشد که دو ثلث
عصیر رفته است و اگر بیش از ذهاب دو ثلث داخل کنند تا پخته
شود چه حکم دارد جواب ظاهرا خوب نیست والله اعلم سؤال آب غوره را
اگر بجوشانند حرام میشود و احتیاج ذهاب ثلثین هست یا نه جواب نه
شود بجوشیدن و در ظرف انگور بیاو اطلاق کنند حرام نمیشود سؤال ما
ای که در لار و حوالی شیراز میسازند و آن چنانست که ماهی کوچک
خشک شده بقدر یک انگشت و نصف انگشت و کمتر بقدر نیم من یا کمتر
کوفته و آن را با نمک و خرده کرده و آب ... آن ریخته و آن
در آفتاب گذاشته و همه روزه حرکت داده و آن خمره که ریخته اند تا آن
ماهی خشک با نمک و آب مضمحل شود بعد از چند یوم از آن خم بیرون
آورند صاف نموده آنچه درد آنست در دستر و کرباس صاف نمایند و
انداخته و آنچه صاف مانده در دیگ کرده بالای آتش گذاشته و
چند جوشی داده و بعد از آن بزیر آورده تخمه چند ... سیاه دانه
و خشخاش و زنیان و گشنیز در آن ریخته اند و قدری فلفل و دیگر ادویه
با نیز صرف بریان که بر آن پاشیده اند آیا حلال است یا حرام و دیگر

از بزه

از شیره خرما و در کرم سیرات میسازند و آن چنانست که خرما را در آب
پخته دست هم مالی میکنند و بعد از آن در دیگ کرده بالای آتش
گذاشته چند جوشی میدهند بعد از آن پایین آورده صاف
نموده و آن را دوری ریزند و آن شیره صاف را که مانده است
با شیره برنج کوفته و پخته ممزوج نموده در دیگ کرده بالای آتش می
گذارند تا پخته شود آیا حلال است یا حرام و دیگر کشمش خشک در
طعام چه صورت دارد جواب بسم الله الرحمن الرحیم ماء آبه
بنحویکه مرقوم شد ظاهرا حلال است و در شیره خرما اگر دو ثلث شیره خرما
برود و یک ثلث بماند حلال است و اگر نرود نیز موافق مشهور
اقوی حلال است و کشمش نیز موافق اشهر و اقوی حلال است والله
تعالی عالم نعلیم شریف و بخط طالب نژاد سؤال آیا اگر رنگ آن
خاک متغیر است آشامیدن و در خمیره و غیر آن صرف کردن چه صورت
دارد جواب ظاهرا باکی نیست سؤال هرگاه سگی از خانه بیرون آید
دهن آلوده است البته و در آن خانه یک ظرف ماست باز یا باشد
آن ماست نجس است جواب احتمال دارد که آن سگ از بیرون خانه
دهن آلوده داخل شده باشد و بر فرضی که کسی ببیند که وقت داخل
شدن دهنش آلوده نبوده چند طرفی که در آن خانه ماست داشته باشد
بنابر فرض مذکور اجتناب باید کرد سؤال چهارم در آداب طعام
و شراب سؤال طعام و گوشت را بدون نان گذاشتن چه صورت دارد

جواب ظاهرا مخصوص ظروف مس و اگر آن را هم نگذارند بهتر است سوال
مانی بردن سفره گذاشتن و رحمات آن اخبار خوب است با وجود آنکه
امام علیه السلام از این خوف متغیر شدند و هرگاه اندکی مستغنی شدند
بسبب گذاشتن ظروف و نان و طعام آیا منقصت قلیلی باعث جواز
آن می‌شود یا نه جواب نامقدور شد نکردن اولیست و با قدری
تخفیف کراهت یا زوال کراهت معلوم نیست سوال استحباب لیسیدن انگشت
در وقت طعام خاصست نسبت بهر لقمه یا همین در آخر تمام خوردن
است جواب ظاهرا در آخر باشد سوال در وقت آشامیدن غیر آب
از مایعات سنت است لعن بر قاتلان حضرت امام حسین علیه السلام
و عادت می‌شود و در آن ثواب لعن چنانکه در آب باشد جواب در
همه وقت لعن ثواب دارد و در وقت خوردن آب افضل است
خاتمه در ذکر بعضی از امور مناسب سوال در قلیان چه می‌فرمایند
و اینکه شبهات میدانند یا نه و بر تقدیری که داخل شبهات از حیثیت
چه است و حال آنکه شدید تلخ و در بعضی روایات و در باب ادکا
شبهات واقع منع و اگر داخل شبهات نمیدانند جواب چه
میفرمایند و حال آنکه آیات و روایات دال بر اباحت اشیا ظاهر
در ماکول و مشروب است و قلیان را در عرف و لغت ماکول و مشروب
نمیدانند یک فعلیست که آن موقوف است بر خصوص شارع
جواب عموماً اباحت الزم از ماکول و مشروب است و جواب سخنها

ان

در این موضع ذکر نمیتواند شد والله الموفق سوال مجهول المالک زکات
آنها واجب است هرگاه زکات آنها را ندهند خوردن آنها جایز
باشد جواب اگر مالک ضامن زکات نشود نمیتوان خوردن و تصرف کردن
مشکل است والله یعلم سوال اگر در رساله فقط مرقوم است بسیار میآیند
و میگویند که ما گرسنه‌ایم و صاحب قرض ایم و از هیچ جا مستعمل
نداریم و ما توشه سال خود را داریم یا کمتر خرج دو سه روزه
داریم یا یک روزه آیا در این صورت چه کار کنیم جواب اگر خوف
اضطرار نفوس و هلاکت باشد دادن احوط است سوال اگر نان را به
سگ و خوک و خر و غیر اینها از حیوانات و سایر بدهند ادبیت باشد
جواب نهی وارد آن باب نشده سوال حرام رزق میشود یا نه جواب این
نزاع لفظی است سوال هرگاه کسی رختی را از کسی غصب کند
مغصوب منه معلوم یا موجود نباشد آن رخت مغصوب یا ثمن
آن را علاجی میتوان کرد که برائت ذمه حاصل شود و همچنین هرگاه
از وجه نقدی یا از وجه حرام بخرد جواب کسی که از او غصب کرده
اگر موجود یا معلوم نباشد بعد از ظن مایوس شدن آن را
به مستحقین بدهند و دزدی حکم غصب دارد و رختی که از وجه
حرام بخرند چنانکه بیع بر عین آن وجه واقع شود حکم غصب دارد
و چنانکه بیع بر ذمه واقع شود و آن وجه را بخواه آن رخت
حکم غصب ندارد سوال اگر رختی یا حوایجی بر غصبی خریده شود

مغصوب منه معلوم یا موجود نباشد قیمت آن را مستحق وادن
چون است و اگر عین در صورت مذکوره عیب یابد جواب
حکمش از جواب مسئله سابق ظاهر شد سوال هرگاه جمعی بسته باشند
مال وجهات باهم شریک باشند یا سرشماری و در بعضی بلاد بسیار
و یک نفر از ایشان بحسب دنیا اعتبار او بیشتر است و در الاغ
میکنند مارا الخ باید داد بشما میدهیم التسلیم نوکر حاکم کنند و
یک منت دار هستند و شاید کار نفع عظیم بایشان برسد
در دادن آن شخص اگر کسی چنین کند مرتکب این امر شرع از
ایشان بگیرد و بحاکم بدهد آیا آن آثم است یا نه جواب اگر کسی
برضای خود کسی را التماس کند دور نیست با اعتبار مصلحت او خوب
باشد آنچنانچه اغلب آنست اسرکه کان کسی را ترشیح کنند
والتماس بیجا نمایند و بیچاره کان هستند از ایشان تعدی میکنند
و چیزی نداده و اعانت بر ظلم است و مرتکب شدن این امور صورت
نداره سوال هرگاه میشود در مزرعه چند نفر بحسب دار مال وجهات
وغیره واله میشوند و بقدر صد و هزار دینار طلب وا دارند و هر سال
قریب هزار دینار خرج ایشان است آیا اگر کسی از شرکا باغراض
وجه مطالبه آن جماعت را از خود بدهد تا ایشان حرکت که اخراجات
کمتر شود و نفع بشرکا رسد و بعد از آن از شرکا متفرق باشد
بگیرد چه صورت دارد صور مذکوره هرگاه باعتبار کثرت مصلحت

نقصان

نقصان و ضرر آیا سعی نمودن و تحریک شرکا از برای زود دادن
وجه اعانت ظالم خواهد بود یا نه جواب این نیز از مسئله سابق
ظاهر میشود چنین امور را حتی مرتکب نمی توانند شد سوال خراج
سلطان از مال و جهات بعضی سلطان قات ملک دارند و جای دیگر را
حواله میکنند جایز است شخصی مرتکب تقسیم کردن بر رعایا
شود با از ایشان بگیرد و بآدم حاکم دهد و مشغول الذمه آن
حق میشود چنین کسی یا اگر خود طمعی نداشته باشد بر فرض [illegible] باید
باشد چه حکم دارد و چیزی خوردن در خانه کسی که از این وجه میگیرد
و خود هم [illegible] چه حکم دارد جواب جایز نیست مرتکب این
امور شدن و طعامی که میآورند اگر معلوم باشد که عین حرام در آن
داخل است جایز نیست خوردن و اگر معلوم نباشد جایز است
و اگر غالب مال حرام باشد شاید که اجتناب داشته باشد کتاب شفعه
مسئله شفعه بدون ملک شرط است و قیمت نشدن و میان ده
کس شفعه نیست چنانچه شرکا زیاده بر دو شریک باشند شفعه نمیشود
سوال شریک ملک با وجود اراده خریدن مانع شریک دیگر از
فروختن ملک بغیر میتواند شد یا نه و اگر در صورت مذکوره بدون
وقوف او بفروشد بیع صحیح است یا نه جواب مانع نمیتواند شد و
بیع آن صحیح است اما اگر شریک واحد باشد و سایر شرایط شفعه
متحقق باشد شفعه میتواند کرد کتاب احیاء اموات سوال اراضی که در
زمین

کتاب الشفعه

کتاب احیاء اموات



کوه‌ها و بیابان هاست و [illegible] و احیا از سبب ملکیت [illegible]
نخواست جواب هرگاه شخصی ازاله اسباب موانع زراعت نماید
تا آثار او باقیست و قابلیت زراعت دارد ملک اوست و بعد
از برطرف شدن قابلیت زراعت حکم بملکیت نمیتوان کرد
کتاب لقطه سوال اگر کسی چیزی بگوید چه کند جواب [illegible] سوال
اینکه گفتند خاک [illegible] آن چیز باید گفت جواب در کار نیست
کتاب میراث وورّاث دو قسم است [illegible]
نسب سوال دخترزاده و پسرزاده میراث را چه قسم قسمت می
کنند جواب مشهور است الاقرب [illegible] سوال هر
گاه شخصی فوت شده و یک همشیره و یک دختر برادر از او
مانده پس کدام یک میراث می برند جواب بسم الله الرحمن الرحیم میراث
بهمشیره میرسد و بدختر برادر چیزی نمیرسد سوال [illegible]

[illegible]

جمیع است والله تعالی یعلم بحقایق الاحکام وحجة الکرام علیهم السلام
بخط قدس سره و در جای دیگر فرموده‌اند که حبوه میت از پسر
بزرگ است و مراد از حبوه در رخوت بدن جامهای پوشیده
میت است و یک قرآن و یک شمشیر و یک انگشتر با داخلها
هیچ داشته باشد و اگر بریده باشند داخل حبوه میت و اگر
متعدد باشد آنچه پوشیده داخل حبوه است و نماز
و روزه که در ذمه میت است به پسر بزرگ واجب است که
بکند در مقابل حبوه و چنانچه کس دیگر تبرعاً بکند یا فرزندان
دیگر بکنند یا بعنوان استجاره کسی کند ظاهر است که میت از
شغل ذمه بیرون می‌آید اما حکم کردن برائت ذمه پسر بزرگ
مشکل است **سؤال** هرگاه شخصی پسری فوت شود ورثه پسر داشته
باشد و ورثه مسلمان هم داشته باشد میراث او کدام یک از ورثه
میرسد **جواب** هرگاه وارث مسلمان داشته باشد پسر عبد الله که
کافر است میراث مسلمان میرسد والله یعلم بحکمه **تمام** دوم
در میراث خنثی **سؤال** ربع از زوجه غیر ذات ولد چه قسم میبرد
جواب نصف **سؤال** زنی که پدر و مادر و الدین با عمو یا خالو داشته
باشد نصیب شوهرش از میراث او چه مقدار میشود **جواب** نصف
میشود **سؤال** نصیب زوجه ذات ولد از میراث زوج چند است
جواب مشهور میان ثمن از همه چیز میبرد و احوط صلح است

سؤال

سؤال زوجه که از شوهر ولد نداشته باشد از زوجه میراث میبرد
جواب بسم الله الرحمن الرحیم اشهر میان علمای امامیه رضوان الله
علیهم اوله الست که زوجه که فرزند نداشته باشد از زمین مطلقاً
حصه نمیبرد اعیان و عمارات از آجر و خشت و چوب و در و
پنجره و غیر ذلک را خواه از فانه و خواه از مستغل و خواه از
ده که قیمت میکنند و حصه او را از قیمت میدهند و در عین
شریک نمیشوند و در درختان اشکال است اگر قیمت را راضی
شود قیمت باو میدهند و اگر راضی نشود احوط آن است که
از زمین باو میدهند اگر شریک او یتیم نباشد از جمیع
منقولات حصه میبرد بغیر از آنچه بسبب حبوه به پسر بزرگ موجود باشد
در میان ورثه والله تعالی یعلم بخطه رحمه الله و در جای
دیگر از اشان نوشته شده که اشهر میان علمای از
اصحاب البیت هر چه باشد منقولات میراث میبرد و از عین زمین
نمیبرد و همچنین از قیمت اعیان میبرد اما درین صورت اگر
ورثه مصالحه کنند بهتر است **سؤال** نصیب زوجه غیر ذات ولد
هرگاه شوهر اولاد داشته باشد از میراث شوهر چه قدر میشود
جواب مشهور آنست که از منقولات ربع میبرد و از عمارات
و اشجار قیمت ربع و عین آنها را نمیبرد ~~و از عمارات~~ و از عین
نمیبرد و نه قیمت **کتاب** قضا **سؤال** فقیه جامع الشرایط به عنوان

و بسیط بر ظاهر هم از جمله شرایط است یا نه جواب مجتهد عادل
فقیه جامع الشرایط است هر چند بسط ظاهری نداشته باشد سؤال
هرگاه کسی از کسی طلبی داشته باشد و او در دادن تعلل نماید
و اگر چه نقد ندارد و اما املاک دارد و یا وجهی دیگر دارد و
اما چون بقیمتی او در نظر دارد که هیچ نمی‌فروشد و دین
خود را ادا نمیکند بحکام این زمان عرض کردن جایز است
یا نه چون حکام از احوالش اغلب اینست که بشرع رجوع
میکند و بحاکم یا این تحاکم به طاغوت هست یا نه جواب
عرض کردن بحکام جایز مشکل است مگر آنکه بعد از آنکه در حضور
حاکم شرع ثابت بشود چنانچه صاحب دین داند که ضرر
مالی و بدنی بآن شخص نخواهد رسید و مخارج خدمتانه و اخراجات
نشود شاید در چنین صورت عرض توان کرد سؤال هرگاه کسی
زمینی را در تصرف داشته باشد و کسی دیگر ادعای ملکیت آن
کند و زراعت صورت حکم چنین هست که منکر متصرف باید و
انصاف را ثابت کند یا همان محض قسم و قسم است جواب
چنین احکام تعلق بحاکم شرع دارد و باشد و نهایت اشکال
صاحب حکم را خواهد دانست سؤال هرگاه اختلاف بهم
رسد در وقتی که یکی از زوجین یا هر دو مرده باشند یا هر
زنده باشند بچه که ثابت میشود جواب هرگاه ثابت نشود الا

قم

قسم داده میشود سؤال هرگاه کسی بمیرد و زنی و فرزندی و مادری
بگذارد و مالی داشته باشد در میان ایشان دعوی شود زن گوید اول
مهر مرا بدهید و هر چه بماند حصه کنید بر ورثه و مادر میگوید که
من حصه میراث خود را میخواهم در این صورت چه باید کرد
جواب اگر مهر ثابت باشد و قسم استظهاری یاد کند مهر مقدم است
بر میراث سؤال هرگاه زوج فوت باشد و بالفعل ورثه زوجه
دعوای مهر میکنند و سایر ورثه زوج ادعا مینمایند که زوجه مهر
را در حین حیات ابرا نموده بود چه باید کرد جواب هرگاه
مهر ثابت است بالفعل ورثه زوج بر ورثه زوجه قسم
نفی العلم استظهاری دادند قسم بخورند که ما علم نداریم که زوجه
مهر را بخشیده و اگر ورثه زوج ادعای علم با برا نمایند
ورثه زوجه قسم را رد نمایند اما اگر بعضی از زوجه صغیر باشند
میباید حصه ایشان را داده و دیگر بار قسم در میان نیاید
و تعطیل حق او جایز نیست و قسم استظهاری در چنین جا
... کتوب ... سؤال زید که در معاملات ...
دست کاران میکنند درست هست یا نه جواب درست است
اما شاید قرض ... میباید بهمان نحوی که واقع
شده ... دهند والله العلیم سؤال هرگاه این کس را شاهد
میگیرند که زنی او شخصی را وکیل میکند در امری با چیزی ...

میکند با غیر آن و آنکس زن را نمی‌شناسد و دو عادل نیز
گواهی هستند برین که این زن آن زنست آیا بمجرد این که
چند زنی یا چند مرد غیر عادل بگویید که این زن آن زنست
میتوانیم ما شهادت داده در وقت ادای شهادت یا نه و همچنین
و بعنوان جزم میتوانیم شهادت خود را نوشت که فلان زن چنین
گفت یا آنکه واجب است که چنین بنویسیم که زنی گفت که من
فلان کس را وکیل کردم در فلان امر چند نفر گفتند که این زن
آن زنست **جواب** اگر علم بهم رسد بر آنکه آن زنست بقرائن
حالیه شهادت جزمی بعنوان جزم میتوان داد و الّا اگر خصوص
واقعه و شهود را ذکر کنند شاید بد نباشد **سوال** اگر جماعتی کاغذی
بیاورند که شهادت خود را بنویسید که فلان زن یا فلان مرد
چیزی را فروخت یا هبه کرد مثلا ما همه شنیدیم تو هم شهادت
خود را بنویس آیا بمجرد این ما شهادت خود میتوانیم نوشت و
میتوانیم شهادت داد یا نه **جواب** اگر علم قطعی از گفته این‌ها
بهم رسد میتوان نوشت و بعضی ظن قریب بعلم را اکتفا کرده‌اند
و خالی از اشکالی نیست و احوط ترکست مگر اگر حاکم شرع
به ثبوت شرعی چیزی بنویسد **سوال** هرگاه بیع و شری میان دو کس
واقع شود بر مبلغی یا یکی از دیگری قرض کند و قبالجه نویسند
که این آن مبلغ است آیا بدون شمردن آن زر میتوانیم نوشت

شهادت

شهادت میتوانیم داد که مبلغ مذکور تمام و کمال واصل شد یا نه **جواب**
اگر هر دو طرف بگویند و زر را نما بیند ظاهرا که کافی باشد **سوال** هرگاه
دو کس کنند که شهادت خود را بنویسید برین کاغذ که گفت
که من فلان نام دارم فلان ملک را برفیق خود که فلان نام
داشت فروختم و ما نه بایع را میشناسیم و نه مشتری را و نه نام
ایشان را میدانیم و نمیدانیم که بایع مالک آن ملک هست یا نه
آیا جایز است که ما شهادت خود را بنویسیم و در وقت احتیاج
شهادت دهیم بدون تحقیق امور مذکوره یا نه **جواب** تا بایع
را نشناسد گواه نمیتوان شد اما شرط نیست که بداند که او
این ملک را دارد **سوال** هرگاه شخصی کاغذ بیع و شری یا هبه یا
وقف داشته و از مضمون آن کما هو حقه مطلع نشویم
چند جا میگوید آیا جایز است که بنویسیم که فلان اقرار کرد بهر چه
درین کاغذ است یا آنکه واجب است تحقیق کردن جمیع جزئیات
جواب احوط آنست که بر جمیع جزئیات کاغذ مطلع شود و اگر اجمالا
بگوید که آنچه درین کاغذ است من دیده ام و معترفم شاید
بهمین نحو گواه توان شد که اعتراف بجمیع این کاغذ نمود که
سوال خواهد سرایان در باب شهادت حکم مردان دارند یا نه **جواب**
اختلافی و اشکالی نیست در آنکه حکم مردان دارند مع
سوال حق خواهد شد دو یا دو یا دو زن بدون ضرورت

و در زینت لحاف جایز است یا نه جواب اگر زرینه باشند حرام است
و اگر رخت پوشیدنی باشند احوط آنست نخواهند و اگر ضرور شود
لحاف را در زمستان نه کنند تا غایت شود کتاب قصاص و دیات
و آن دو فصلست فصل اول در ذکر اقسام و مقادیر دیات
و موجبات ضمان سؤال دیت مقتول به زر چند میشود جواب
بسم الله الرحمن الرحیم دیت بحساب درهم ده هزار درهم
است و درین زمان که عباسی نه دانگ و نیم معمولست موافق
شصت و شش تومان و سه هزار و صد و شصت دینار تقریباً
میشود بحساب طلا یک هزار اشرفی دو تیجه است بهر قیمت که
باشد والله تعالی اعلم بخط طاب ثراه سؤال هرگاه دو نفر زنی را
بکشند با دعای آنکه آن زن را در زنا دیده بودند و اقرار نموده بودند
و آن زن حامله نیز بوده و وارث آن زن منحصرست در دو همشیره
و مذکور میشود که یک نفر دیگر هم همراه ایشان بوده مجموع سه
نفر بودند آنچه از دیت و قصاص بر قاتلان لازم است حسب
جواب بسم الله الرحمن الرحیم معروض میدارد موافق شرع انور
محض ادعای قاتلان زنا بر زن مقتول ثابت نمیشود تا چهار گواه
عادل بر زنای آن زن شهادت ندهند و بر تقدیر ثبوت آن بین
اگر شوهر داشته باشد مستحق قتل نیست و حد او صد تازیانه است و
قاتلان مستحق قصاص میشوند و اختیار قصاص کردن و عفو نمودن

کتاب قصاص و دیات

دیت مرد

و دیت

و دیت گرفتن با او و همشیره است که وارث او بوده اگر عفو کنند
قصاص و دیت هر دو ساقط میشود و اگر قرار دیت بدهند دیت
زن که بحساب نقره موافق عباسی نه دانگ و نیم سی و سه تومان
و یک هزار و پانصد و هشتاد دینار است میگیرند و اگر خواهند
قصاص کنند اگر قاتل یک کس بوده باید سی و سه تومان و
یکهزار و پانصد و هشتاد دینار بوارث او بدهند و او را بکشند
و اگر قاتل دو نفر باشند که بضرب هر دو کشته شده باشد
اگر خواهند هر دو را میکشند و اگر خواهند یکی را بکشند و اگر خواهند
دیت میگیرند و اگر دیت بگیرند همان مبلغ سابق را از هر دو
میگیرند و اگر اختیار کشتن هر دو کنند باید که بوارث هر یک
ربع دیت مرد بدهند که بحساب نه تومان و هفت هزار و سیصد
و نود دینار است و هر دو را بکشند و اگر یکی را بکشند باید که
ورثهٔ زن مقتول نصف دیت را بدهند بورثهٔ آنکه میکشند یعنی
سی و سه تومان و یک هزار و پانصد و هشتاد دینار و قاتل دیگر
که او را نکشته اند باید یک ربع دیت را بدهند بورثهٔ آنکه کشته‌اند یعنی
شانزده تومان و پنج هزار و هفتصد و نود دینار و اگر قاتلان سه
نفر باشند چنانکه مذکور میشود درین واقعه میتوانند هر سه را
بکشند یا دو نفر را یا یکی را یا دیت بگیرند اگر دیت بگیرند همان
سی و سه تومان و یکهزار و پانصد و هشتاد دینار را از هر سه

دیت زن

نقره میگیرند با آنکه هر یک ثلث این مبلغ را میدهند و اگر یکی را کشتند
باید که بوارث او پنجاه و پنج تومان و دو هزار و ششصد و شصت و شش
دینار میدهند و از آن که او را نکشتند یازده تومان و [illegible]
و بیست و هفت دینار میگیرند و اگر هر سه را خواهند بکشند باید
بوارث هر یک آن مبلغ را بدهند آنچه عرض شد احکام مارزید [illegible]
چون مذکور میشود با اقرار دارند و تفاوتی ندارد که زن حامله بوده
پس باید دیت فرزند را نیز بدهند و اگر متولد شد فرزند و مع
در او و مرده بود اگر معلوم شود که پسر بوده باید دیت او را که پنجاه
و شش تومان و سه هزار و صد و شصت دینار بدهد و اگر دختر
بوده نصف [illegible] سه تومان و یک هزار و پانصد و هشتاد دینار بدهند
اگر معلوم نشان پسر بوده یا دختر موافق مشهور میان علما
باید نصف دیه [illegible] نه تومان و هفت هزار و سیصد و هفتاد دینار
بدهند و اگر روح دمیدن معلوم نباشد و خلقتش تمام شده باشد که
صد اشرفی بدهند علی المشهور بین الاصحاب اگر خلقتش تمام نشده
بوده اگر نطفه بوده یعنی منی بسته بیست اشرفی میدهند و اگر علقه
شده بوده یعنی پاره خون بسته چهل اشرفی میدهند و اگر مضغه
بوده یعنی پاره گوشت شصت اشرفی میدهند و اگر استخوان
شده بوده [illegible] و گوشت بر روی آن رویده بوده هشتاد اشرفی
میدهند علی المشهور بین الاصحاب والله تعالی اعلم بحقایق الاحکام

دیت فرزند زن حامله

وجه الکرام

وجهه الکرام علیهم السلام بخط طالب ثناء. سؤال هرگاه زید کشته شده
و مادر زید ادعا نماید که محمد آقا زید را نگاه داشت تا کافور
بدو ضربت زد بر محمد آقا و کافور هر یک چه چیز لازم است
مادر زید اختیار قصاص دارد یا نه مولف گوید که اهل نظر رسیده
ظاهرا بعضی فروع دیگر نیز در سؤال مذکور بوده جواب معروض
میدارد که میان علما خلافی نیست در آنکه زنان را اختیار قصاص هست
و بنا بر مشهور میان علما که ایشان را اختیار هست بنا بر فرض
مذکور ظاهر آنست که بر محمد آقا چیزی لازم نباید و اگر مادر مدعی
آن باشد که محمد آقا مقتول را نگاه داشت تا کافور برو ضربت
زد و قتلی است که قسم متوجه محمد آقا میشود و بعد از نکول قسم خوردن
مدعیه او را حبس موبد نمایند و لیکن این احتمال بعید است
اما بر کافور چون در این ماده لوث محقق نیست هر چند احتمال
حکم القسامه ظاهرا نتوان کرد و اگر در میان ملک کافور [illegible]
بعضی بنا بر قول بعضی از اعاظم علما مانند علامه و شهید رضی الله عنهما در
[illegible] قسم نفی العلم متوجه ایشان تواند ساخت پس
اگر قسم بخورند دعوی ساقط میشود و اگر نکول کنند بنا بر قول
بعضی از علما مدعیه سوگند یاد کند و کافور اقرار نماید بنسبت
میراث آن وارث از رقبه کافور منتقل میشود [illegible]
مادر میشود اما او را قصاص و تعذیب نماید و آنچه از ورثه

لوث قسم [illegible] افاده

مکلف نباشند موقوف بماند تا بالغ و مکلف شوند و باز همان
حکم ورثان جاری گردد بتقدیر قسم خوردن مالکان و سقوط
دعوی بنابر قول بعضی از علما که مختار است و دیت مقتول از
بیت المال مسلمانان باید داد انچه از کلام علماء شریعت براین
فقیر [illegible] ظاهر شده این بود و بعضی از فروع مذکوره را
ظنی حاصل شده و حکم بان توانم نمود والله تعالی یعلم بحقایق
الاحکام و حججه الکرام علیهم السلام بخط طالب [illegible] سوال هرگاه شخصی
مفقود الاثر شود و استخوانها که سوار بود در حوالی دهی یافته اند
و میان او و مردم آن ده عداوتی ظاهر [illegible] بنابر این سبب گمان میرود
که مردم آن ده او را کشته باشند دیت آن بر کیست و میتوان
ایشان را شکنجه و زجر و تهدید کرد تا باقرار بیایند یا نه جواب
بسم الله الرحمن الرحیم مشهور میان علماء امامیه آنست که هر
گاه کشته را بیابند و قاتل معلوم نباشد اگر لوث باشد یعنی قرینه
ای که افاده ظن کند بر شخصی یا جماعتی که ایشان قتل کرده اند آن
کشته را و در میان قبیله یا قلعه یا دهی یافت شود و میان
کشته و ایشان عداوتی ظاهری بوده باشد و در این صورت اگر
اگر وارث مقتول دعوی کند بر یکی یا چند نفر از این جماعت
قاتل بودن [illegible] باشد حاکم شرع او را اینجا قسم میدهد اگر دعوی
کند که عمدا کشته است و اگر خوف [illegible] مدعی با او دو قسم موافقت

کند

کنند پنجاه را بر ایشان قسمت میکنند الا هر قدر از ایشان که موافقت
کنند بر او و ایشان قسمت میشود و اگر هیچیک موافقت نکنند
مکرر او را قسم میدهند تا پنجاه قسم تمام شود بر آنکه فلان شخص
قاتل فلان است و اگر وارث قسم رد نماید مدعی علیه را اقارب
او پنجاه سوگند میخورند که قاتل آن کشته نیستند و دفع قصاص
از خود مینمایند و اگر دعوای قتل خطا کند خلاف است که پنجاه
قسم است یا بیست و پنج و اقوی اشهر است و اگر قرینه نباشد
که افاده ظن کند و وارث دعوای قتل بر شخصی کند و گواه
نداشته باشند یک قسم میدهند مدعی علیه را اگر قسم [illegible] کند
مدعی یک قسم میخورد علی المشهور و اگر قرینه نباشد و وارث
نیز دعوی بر کسی نکند دیت را امام علیه السلام یا نائب او از
بیت المال مسلمانان میدهند و در مقدمه مفروضه کشته یافت نشده
و علم بقتل او هنوز بهم نرسیده و بر تقدیر علم بمحض آنکه استخوان
او در حوالی مساکن جماعتی هستند حکم بلوث مشکل است
و بر تقدیر [illegible] که لوث باشد معلوم نیست که وارث آن شخص دعوای
قتل بر آنها کند و شکنجه و زجر و تهدید با قرار موافق شرع
جایز نیست پس صبر باید کرد تا قتل معلوم شود بعد از آن با
خواهد بود یا دیت را از بیت المال مسلمانان اگر باشند خواهند
داد و الله تعالی بحقایق احکام و حججه الکرام علیهم السلام بخط طالب [illegible]

سوال هرگاه شخصی شخصی را بکشد و ورثه مقتول همه یا بعضی صغیر باشند و قاتل را عفو کنند ممکن است یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم
موافق فتاوای علمای امامیه ره عفو نمودن اولیا و کردن اطفال فایده نمیکند و ظاهر آنست که باید حاکم شرع قاتل را ضبط کند تا اطفال بزرگ شوند و بعد از رسیدن بلوغ مختارند در عفو و قصاص و اگر بعضی بالغ باشند و ایشان عفو کنند در حصه ایشان ممضاست و در حصه اطفال موقوف بر بلوغ و رضاست والله یعلم بحقه سوال
هرگاه عمرو کشته شد و وارثی از او نماند و زید و زینب که دو بالغ و عاقل اند اقرار بقتل او کردند و عبدالله نام غلام عمرو مقتول اقرار نموده که دیت و مال عمرو را نگهداشت تا زید و زینب اورا کشتند درین باب آنچه بر هر یک لازم است بیان جواب
چون در مقدمه مذکوره دو بالغ عاقل حر از زید و زینب باشند اقرار بقتل کرده اند و غلام روسیاه نگاه داشتن دست و مال مقتول کرده اقرار عبد بدون تصدیق مولا معتبر نیست و مالک او بغیر امام علیه السلام کسی معلوم نیست و با تصدیق مولا ثابت که اورا همیشه در زندان بدارند و آن دو بالغ حکم ایشان آنست که اگر وارث مقتول [illegible] خواهد هر دو را بکشند و بوارث هر یک نصف دیت بدهند و اگر خواهند یکی را بکشند و نصف دیت از دیگری بگیرند و بوارث مقتول بدهند و درین

ماده چون وارث بغیر امام علیه السلام معلوم نیست حکم قصاص مشکل است و دیت [illegible] اگر هر دو را حبس ابد نمایند و مال مقتول را تصدق کنند بد نباشد والله تعالی یعلم حقایق الاحکام بحفظه و نصره مقصد دوم در احکام جنایت اطراف سوال هرگاه شخصی دست کسی را از دست بند دست ببرد و دعوی میکنند که دو شجه بر سرش زده که یکی ازآن جراحت باستخوان رسیده و شکسته و دیگر استخوان شکسته شده و بیرون آمده و یک ضرب دیگر هم بر کتف آورده که بازو استخوان شکسته شده و بیرون آمده بر جانی چه چیز لازم است جواب
بسم الله الرحمن الرحیم دست را اگر از مفصل دست که زند گویند قطع کرده عمداً قصاص میتوان کرد و اگر بدیت قرار دهند آنچه را قطع شده در هر صورت عمداً و خطاً نصف دیت است که بحساب نقره [illegible] و سه تومان و یک هزار و پانصد دینار میشود تقریباً و در سر چون دعوی دو شجه میکنند اگر ثابت شود اما جراحت باستخوان رسیده موافق اکثر احادیث و اقوال پنج شتر لازم میشود و بحساب نقره اکثر میگویند سه تومان [illegible] هزار و چهار صد و شصت دینار است و اما زخم دیگر را دعوی میکنند که استخوان شکسته بیرون آید اگر ثابت شود و موافق مشهور و اخبار بسیار پانزده شتر [illegible] دیت آنست و بحساب نقره بعضی

[illegible]



میگویند که نه تومان و نه هزار و دو چهارصد و هشتاد دینار
است و در کتف اگر دعوی میکنند اگر استخوان شکسته و بیرون
آمده از حدیث ظریف و کلام قدما معلوم میشود اگر دیت آن
صد و هفتاد و پنج دینار است یعنی اشرفی چهار حمالک و
نیم و تعقیبی صد و سی و سه اشرفی کنند و از کلام جمعی از فقها
چهار تومان و نه هزار و هفتصد و چهار دینار مفهوم میشود و در
جمیع مراتب احوط صلح است والله تعالی یعلم بخطه بعرض
میرسانند اگر محمد علی بیک عزدینی ملازم وارد غه بدون تقصیر
دست فقیر را بضرب شمشیر مضروب ساخته نحوی که عاجز شده ام
استدعا آنکه مقرر فرمایند اگر دیت آن شرعا چه قدر است
که عند الله ضایع نخواهد شد جواب چون دستش شل شده است
موافق مشهور دیت آن سه و دو تومان و ده هزار و صد دینار
است تقریبا والله یعلم سؤال شخصی شخصی زخمی زده
بنحوی که بالیش شکسته و قوت جماع او برطرف شده و شخص
همدران وقت همراه ضارب بوده و مال مضروب را هم برده
در باب ضارب و رفقای او حکم چیست جواب بسم الله الرحمن الرحیم
مشهور میان علما رضوان الله علیهم آنست که اگر ثابت شود که انثیین او شکسته
شده است و در راه رفتن مطلق لنگ راه و نمی آید دو ثلث
دیت یا بر او لازم است که بحساب زر معمول تقریبا حیث و
نوبان[…]

تومان و یک هزار و چهارصد دینار میشود و با عتبار رفع
قوت جماع اگر صدقش معلوم شود بقاعده شرعیه مراد
مشهور دیگر دیت کامله است که تقریبا بزنه دانگ
بحساب درهم شصت و شش تومان و سه هزار و دو صد دینار
است و موافق مشهور هر دو برو لازم است و استعلام
این امور اگر با متحان و اختبار توان کرد میکنند والا قسما
شرعیه حکم میکنند و اینها بر کسی لازم میشود که اخرج زده
و همراهیها که همراه بوده اند غیر تعذیب شرعی و عقاب اخروی
چیزی لازم نمی آید و مالی که برده اند بر هر که ثابت میشود که
برده است غرامت لازم میشود با وجود تهمت بعضی از علما
تهم قایل شده اند که اینها تواند سؤال هرگاه یا در حرا
یا در حرامی باغیه اگر حلال است یا زنی که به شبهت حرام
مخلوط شود یا در حلال و زر حلال و غیره پاک و زنی حلال
است و شبهه شود اشتباه اگر آن نیز ممکن نباشد آیا
درین صورت اجتناب لازم است یا نه جواب اکثر علما را اعتقاد
آنست که اگر در میان غیر محصور شبهه شده است اجتناب
واجب نیست واگر محصور است واجب است و در زمان محصور
اشتباه نیست و ظاهر اما که تعلیق [...] بعضیه معلوم

استخر بحث ابتدا رسید لعنت شرع یعنی معلوم میکویند بعد از
انتشار ناقلی فرمودند که احادیث آن معتقد علیها نیست و حال
آنکه نسخه انکشت و یافته این حروف صورتی واده یا صورت
حاملان است جواب بسم الله الرحمن الرحیم در نقل احادیث
کتب معتبره علما و محدثین استخراج نموده هستند بذاتیت
عیانش کسی را اما چون رساله مختصر است وتوضیح وجمع این
اخبار را حواله بکتاب بحار الانوار کرده ام سوال خیر المال
عین ساهرة بعین نائمة جواب چشمه آب جاری از برای
کسانی در خواب است سوال من اکل البقیة والتقط الوقیة
دستنهب الحشیش امن من الشوص واللوص والافلص
حدیثیست جواب در طرق عام است سوال شوص ولوص
وافلص یعنی چه کوفتی است سوال السعید سعید فی بطن
امه والشقی شقی فی بطن امه حدیثیست جواب میکویند از
جمله احادیث موضوع است اما تدرک مابین دو احادیث
نیست سوال الصالحون لله والطالحون لی در باب حال
میکویند حدیث قولیست ایجا طالو یانه جواب ظاهرا از طرق عامه
سوال در بعضی روایات منقول است که برای فلان کار کنند

شوند که کسی لعنت میکنند جواب شاید مراد آن باشد
که مجملاً بر کار بدکننده لعنت میکنند یا آن لعنت از آن
معنی دیگر مشهور است ماندانم سوال صیغه فعّال بضم فا وتشدید
عین برای جمع است یا مفرد جواب بسم الله الرحمن الرحیم
صیغه فعّال بضم فا وتشدید عین برای مفرد و مبالغه جمع
بهره آمده است اول کبّار و طوّال چنانکه تصریح کرده اند اکبر
را کبّار میکویند و کبار بتشدید بسیار بزرک است و از آن
بزرک تر کبّار بتشدید میکویند و همچنین طوال و طوّال
والله یعلم بخط سوال شپش را در میان آتش انداختن
چون است و آب کرم کشتن که شپش بمیرد و بعضی همکی
وغدغه میکنند ولیکن حیست جواب حیوانات را با آتش
سوختن خوب نیست واکر در میان باشد و به آب کرم
بشویند ظاهرا قصوری ندارد و شبهه بخاطر ندارم والسلام
علی من اتبع الهدی تمت الرسالة بعون الله والظفر
قد فرغ من تسوید هذه الاوراق بقلم
تاریخ سنه
شهر شعبان المعظم
الراقم اضعف العباد
سلطان علی



بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست　　جواب　　و سؤال

کتاب التوحید و در آن دو فصل است فصل اول در
طرق استنباط و استدلال فصل دوم در آداب تقلید
کتاب حجت و در آن خاتمه ایست کتاب معاد کتاب ایمان
و کفر و در آن دو فصل است فصل اول در بیان اعتقادات
فصل دوم در احکام مؤمنین اعمال کتاب ذکر و دعا و قرائت
و در آن خاتمه ایست کتاب طهارت و در آن دوازده
فصل است فصل اول در ذکر انواع آبهاست و احکام آن
فصل دوم در بیان نجاسات و اسار فصل سوم در آداب
استنجا فصل چهارم در ذکر آب متنجس فصل پنجم در
ذکر ازاله نجاسات بدن و جامه و اشباه آن فصل ششم
در ذکر تطهیر ظروف و حکم ظروف طلا و نقره فصل
هشتم در ذکر تطهیر بند و قالیچه و اشباه آن فصل نهم در
بیان غساله بدن و جامه و غیر آن فصل دهم در بیان سرایت
نجاست و شک در آن و در آن دو بحث است بحث
اول در حکم بواطن و حکم مو و ریزه های پوست // از بدن

١٢

جدا میشود بحث دوم بیان مراتب نجاسات فصل یازدهم
در احکام شک در نجاسات فصل دوازدهم در ذکر اقسام
طهارت است حدث و تذنیب در کیفیت وضو و احکام
متعلقه آن و در آن سه رکن است رکن اول در کیفیت
و احکام متعلقه آن و در آن سه بحث بحث اول در
در کیفیت وضو و بحث دوم در احکام شک در طهارت
یا شستن بحث سوم در طهارت در مکان غصبی و با
شکاف و غیر آن رکن دوم در کیفیت غسل و احکام متعلقه
و در آن پنج بحث است بحث اول در کیفیت غسل بحث
دوم در کیفیت غسل جنابت بحث سوم در احکام حیض در
غسل جمعه رکن سوم در احکام تیمم و متعلقه بآن و تذنیب
در احکام جبیره کتاب صلوة و در آن هفده فصل است فصل
اول در اعداد صلوات فصل دوم در اوقات صلوة
فصل سوم در احکام قبله فصل چهارم در احکام لباس
مصلی فصل پنجم در احکام مکان مصلی متعلقه بآن فصل ششم
در احکام اذان و اقامت فصل هفتم در بیان افعال صلوة
و کیفیت آن و در آن هفت بحث است بحث اول در نیت
نماز و در تکبیرة الاحرام بحث سوم در قیام بحث چهارم
در قرائت بحث پنجم در رکوع بحث ششم در سجود بحث

هفتم در تشهد و سلام فصل هشتم در کیفیت نماز بر وجه تفصیل
فصل نهم در قواطع صلوة فصل دهم در احکام سهو و شک
فصل یازدهم در بیان متفرقات احکام سهو و شک فصل
دوازدهم در احکام نماز قضا و اجاره و جماعت و در آن
دو بحث است بحث اول در احکام نماز قضا و اجاره و
امثال آن بحث دوم در احکام نماز جماعت فصل
سیزدهم در احکام نماز جمعه فصل چهاردهم در بیان نماز
عیدین فصل پانزدهم در احکام نماز آیات فصل شانزدهم
در احکام نماز استسقا فصل هفدهم در احکام نماز نافله
خاتمه در آداب صوم و توابع آن فصل دوم در احکام
قصر در صوم و صلوة و در آن چهار بحث است بحث
اول در بیان مسافت شرعیه و در آن قصر لازم است بحث دوم
در اقامه سفر بحث سوم در توابع سفر بحث چهارم در
بیان حد ترخص کتاب زکات و خمس و در آن سه فصل
است فصل اول در بیان احکام زکاة و در آن سه بحث
است بحث اول در بیان آنکه زکوة بر که واجب است
بحث دوم در بیان زکاة و چیزها که زکوة بر آن واجب
است بحث سوم در بیان مصرف زکوة فصل دوم در
بیان احکام خمس و در آن سه بحث است بحث اول

در بیان چیزهایی که خمس بر آن واجب است مبحث دوم در شرایط
خمس مبحث سیوم در مصارف خمس و فصل سیوم در ذکر
بعضی از امور متعلقه بزکوة و خمس و کتاب حج و توابع آن
کتاب جهاد و در آن شش فصل است فصل اول در بیان آنکه
جهاد بر که واجب است فصل دوم در احکام اهل ذمه
فصل سیوم در کیفیت جزیه کتاب امر بمعروف و نهی از منکر
و در آن دو فصل است فصل اول در احکام کبایر و در
آن سه مبحث است مبحث اول در احکام غنا و سازها و امثال
آن مبحث دوم در احکام غیبت مبحث سیوم در ذکر بعضی از
احکام اقسام کبایر دیگر مبحث چهارم در احکام توبه فصل
دوم در ذکر بعضی شرایط امر بمعروف و نهی از منکر و آداب
آن کتاب عفو و در آن خاتمه ایست کتاب تجارت و در آن
پنج فصل است فصل اول در بیان چیزهائی که تجارت در آن
واقع شود و شروط آن فصل دوم در احکام خیار در بیع
فصل سیوم در احکام بیع نقد و نسیه و احکام ربا و
طهور تجارات و امثال آن فصل چهارم در احکام بیع سلف
فصل پنجم در بیان متعلقه بدین کتاب دین و کتاب رهن
کتاب صلح و هبه و ابراء و در آن سه فصل است فصل اول
در احکام صلح فصل دوم در احکام ابرا فصل سیوم در ذکر متفرقات

هبه و صلح و ابرا کتاب شرکت کتاب مزارعه و مساقات کتاب
عاریه کتاب اجاره و در آن خاتمه ایست کتاب وکالت
کتاب وقوف و صدقات کتاب وصایا و در آن پنج فصل است
فصل اول در احکام وصیت فصل دوم در احکام موصی
فصل سیوم در احکام موصی له فصل چهارم در بیان
احکام موصوله فصل پنجم در احکام وصی کتاب نکاح
و در آن پنج فصل است فصل اول در اقسام نکاح و صیغه
و اولیاء عقد و قدر بلوغ فصل دوم در اسباب تحریم و در
آن سه مبحث است مبحث اول در احکام رضاع مبحث دوم
در احکام مصاهره و آنچه در حکم آنست مبحث سیوم در احکام
نظر و لمس فصل سیوم در نکاح منقطع که متعه است فصل چهارم
در مهور فصل پنجم در آداب خلوت خاتمه در احکام اولاد
کتاب طلاق کتاب ایمان کتاب نذر کتاب کفارات کتاب
صید و ذباحت کتاب اطعمه و اشربه و در آن چهار فصل
است و خاتمه فصل اول در احکام حیوانات فصل دوم
در احکام جامدات فصل سیوم در احکام مایعات فصل
چهارم در آداب طعام و شراب خاتمه در ذکر بعضی از امور
مناسبه کتاب غصب و توابع آن کتاب شفعه
کتاب احیاء اموات کتاب لقطه کتاب میراث و در آن

و در آن دو فصل است فصل اول در میراث نسب
فصل دوم در میراث سبب کتاب قضا کتاب
کتاب حدود کتاب قصاص و دیات و در آن دو فصل
است فصل اول در ذکرات [illegible] و مقادیر دیات
موجبات ضمان فصل دوم در احکام جنایت بر اطراف
کتاب نوادر هو آخر الکتب

فهرست جواب
و سوال

تمام

تفصیل سبع و عشر [illegible] سنت یک خلاف و تبعیض
وارد شده سوال رکعتین اخیرتین ظهر و عصر و عشا و
رکعت اخیره مغرب قرائت حمد افضل است یا تسبیح جواب
تسبیح نسبت بغیر پیش نماز بهتر است و در پیش نماز تسبیحات است
احتمالا افضلیتش خصوصا در جایی که احتمال لحوق ماموین
در رکعت آخر بعید باشد سوال هرگاه شخصی در رکعات اخیره
اختیار تسبیح نماید طریق اصح در خواندن کدام است و شخص
صاحب قضا میتواند اکتفا نماید بخواندن یک مرتبه تسبیحات
اربعه یا نه جواب یک مرتبه تسبیحات اربعه اکتفا میتوان نمود
و اگر استغفار با آن ضم کند بهتر است و سه مرتبه تسبیحات
ثلاث بهتر است و اگر تکبیر را به آن الحاق نماید که ده تسبیح شود احوط
است و اگر بهر یک تکبیری الحاق نماید تا دوازده تسبیح شود
بهتر است و در ادا و قضا تفاوتی نیست بحث پنجم در رکوع
سوال آیا رکوع رکن است جواب بلی رکن است بحث ششم
در سجود سوال سجدتین رکن است یا نه جواب بلی رکن است
سوال سجده بر برگ انگور جایز است در نماز جواب تا نازک است
و میتوان خورد جایز نیست سوال سجده بر سنگ جایز است جواب
جایز است سوال چیزی که بر آن سجده کرده میشود چقدر میباید باشد
جواب بعرف بر میگردد سوال اینکه گفته‌اند بقدر ناخن شصت میباید

لحوق



باشد احتیاط دارد و جواب حضرت امام نداده سوال جواز نماز در موزه
شرط است یا آنکه انگشت مهامش بر موزه فشرده و پشت تا ملاصق آید
در سجده بر هفت عضو شده باشد جواب در کار نیست و همین که در او
میان شبر زمین است کافیست والله اعلم فرع سوال آیا در سجده
عزایم طهارت و استقبال در کار هست جواب لازم نیست سوال
سجده عزایم را بر الارض و ما ینبت منه باید کرد جواب احوط آنست
که چنین کنند بحث هفتم در تشهد و سلام سوال سلام در نماز مخرج
واجب است یا نه جواب مخرج میباشد بعضی یعنی هرگاه مصلی سلام
گوید از حکم نماز بیرون میاید اما توقف دارند در وجوب
آن و در اینکه لفظ مخرج کدام است سوال در وقتی که این کس
در نماز است اگر کسی سلام با این قسم کند السلام علیکم یا سلام
علیک بضمیر واحد یا علیکم السلام یا بعبارت غلط سلام کند
مثل آنکه الف لام را با تنوین جمع کند یا بدون هر دو سلام
را استعمال کند یا طبع سلام کند مصلی چکار کند جواب اگر السلام علیکم
گوید همین نحو جواب باید گفت و اگر خود دیگر گوید همان نحو ظاهرا
جواب گوید و قصد دعا کند بد نباشد و اگر غلط گوید و این کس
جواب درست گوید و قصد دعا کند ظاهرا بد نباشد و اگر ظاهر
در این صورت اعاده نماز نیز کنند احوط است و ظاهرا سلام اطفال
را واجب نباشد سوال اگر بر نماز کننده سلام کند هر چند موافق

قواعد

عضو مخصوص نمی توانیم دید و این عین نقص است و آن عجز ما ناشی
شده است و خدا منزه است از آنکه عضو در وجود داشته باشد
و در دوانائی محتاج بعضوی باشد و ایضا علم ما بعینه از مقوله بهره رسید
و خدا منزه است از آنکه علم او مسبوق بجهل باشد و ایضا علم
تحصیل صورت است در ذات با حیثیات نقص ما و خدا منزه است
از آنکه محل حوادث باشد و ایضا بحیثیت آن امر ممکن است که علم
زایل شود و در خدا زوال علم محال است و علم ما معلول به
علت است و علم خدا عالمی نخواهد بس آنچه کمال است که علم
مصرف است برای خدا اثبات باید کرد و جهات نقص که در علم ما حاصلست
همه را از حق تعالی نفی باید کرد و آنچه در احادیث وارد شده است
که توحید نفی صفات است و در بعضی مراد آنست که زاید موجود
در خدا نباشد و در بعضی مراد آنست که صفات کمالیه الهی را
نمیدانیم و ندیدیم و جهت وجوه تنزیهات اینها نمیتوانیم کرد نه آنکه هیچ نحو نفوذ
و اثبات نمیتوانیم کرد تا تعطیل لازم آید سوال آنست که
میگویند ذات مقدس حق تعالی نایب مناب صفات است
در ما چنانچه ما اشیا را بعلم میدانیم و حق تعالی بنفس ذات مقدس
خود داند و ما بسیار تواناییم و داریم بقدرت که قایم است با ذات ما
و ذات مقدس توانا است و ذات اقدس قایم مقام صفت قدرت
است و در سایر همچنین در سایر صفات و جمعی کثیر از محققان باین قول



قایل اند و بعضی میگویند این قول نیز بتعطیل و نفی میگردد
مسلک سیوم آنست که میگویند که بر ذات مقدس وجود و علم و قدرت
صادق است و موجود آنست از وجود خالی نباشد خواه عین او باشد
خواه قایم باو و همچنین قدرت و آنچه لغویان گویند که عالم ذاتیست
که علم باو قایم شد و قادر بذات ما قام به القدرة است مبتنی بر
عدم تحقیق است و قلت فهم ایشان زیرا که میدانیم که حجر را که نورانی
باشد نورانی گویند و اگر نور قایم بذات تواند بود عین نور خواهد بود
و هم نورانی اگر بیابیم قایم بذات تواند بود و هم [illegible] علم
قدرت و سایر صفات بر خدا صادق است بصدق عرفی و لکن ذات
معلوم ما نیست و این صفات بوجهی مفهوم ما هستند چنانچه زید را
ما بعنوان ضاحک تصور کنیم معنی ضاحک یعنی خندان مفهوم و معلوم
ما هست و لکن حقیقت زید را ندانیم و بر این معنی احادیث ظاهر الدلاله
دالند چنانچه در حدیث صحیح از هشام بن سالم منقول است که گفت
خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم فرمود که آیا خدا را
وصف میکنی گفتم بلی فرمود که بگو گفتم سمیع است و بصیر است فرمود
که این صفتی است که مخلوقات در آن شریک اند گفتم چگونه وصف
کنم خدا را [illegible] فرمود که خدا نوریست که در او ظلمت نیست و حیاتیست
که در او مرگ نیست و علمیست که در او جهل نیست و حقیقتی است که
در او باطل نیست پس بیرون آمدم از نزد او و من داناترین مردم بودم

بتوحید

بتوحید خدا اگرچه امثال این روایات را بر مسلک ثانی نیز حمل میتوان
کرد مسلک چهارم آنست که این صفات امور اعتباریه نفس الامریه اند
و عین ذات مقدس نیستند و موجود زاید بر ذات محال است پس
وجود مطلق است اعتباری و لازم ذات مقدس است و ثبوتش برای ذات
معلول علتی غیر از ذات نیست و همچنین علم عبارت از [illegible]
است و لازم ذات است و از ذات منتزع میشود و معلول غیر
ذات نیست و امر اعتباری نفس الامریست و از موجودیت و قیام
آن بذات مستلزم فنا باشد و همچنین قدرت عبارت است از
توانائی و این نیز امریست اعتباری و منتزع از ذات و بغیر ذات
اقدس علتی ندارد و همچنین سایر صفات کمالیه و باین مسلک الحق
چه کم کسی قایل نیست اما بعقل اقربیست از سایر مسالک و حق آنست
که تفکر در این امور ضرور نیست و محتاج باید اعتقاد کرد که صفت
کمالیه موجوده باید بذات نیستند و علتی سوای ذات اقدس ندارند
و هرگز ذات مقدس ازین صفات خالی نیست و تعدد در ذات و
صفات حقیقیه نیست که موجودات متعدده را ازلی اثبات کنیم
و اتصاف ذات باین صفات شبیه اتصاف ممکنات نیست و
تفکر درین زیاده ازین تفکر در ذات بی مصلحت و [illegible] بود
اخبار وارد شده است و عقل از فهم آن کما ینبغی قاصر است
[illegible] اینکه آیا [illegible] از صفات ذات است یا از صفات فعل بدانکه اکثر

بر ذات و قایم

حکما و متکلمان را اعتقاد آنست که اراده از جمله صفات ذات است
و قدیم است و از ذات مقدس منفک نمیشود بلکه عین ذات مقدس
است بنابر عینیت صفات و احادیث بسیار دلالت میکند بر آنکه اراده
از صفات فعل است و حادث است بلکه عین ایجاد و احداث
است و در حق تعالی بغیر ایجاد معنی نیست که مسمی باراده باشد و تحقیق
آنست که چنانچه در ما پیش از آنکه فعلی اختیاری صادر شود چند چیز حاصل
میشود اول تصور آن فعل پس از تصور او تردد و تفکر در آن پس
اعتقاد حصول نفع در آن پس منبعث شدن شوق از نفس بسبب
آن پس تأکد عزم در آن تا بحد اجماع رسد که آن اراده است که از آن
فعل تا صادر شود و این ها همه در ما منوط است بصفات ما و حدوث
در جناب حق تعالی بغیر علم بآن و علم که مقرون بمصلحت است که
قدیم است و ایجاد فعل که حادث است دیگر نیست پس حکما و
متکلمین علم بخیر و نفع و اصلح بودن را اراده نامیده اند و آن خود
علم خداست و قدیم است لهذا از صفات ذات شمرده اند و عرف احادیث
و محدثان ایجاد را اراده نامیده اند و آن حادث است و مغایرت
وجه بهم رسید و از صفات ذات نیست که از حدوث شی تغییری یا از عدم شی
نقصی در ذات مقدس بهم رسد و حاصلش آنست که ذات مقدس
صفات کمالیه است کافیست در حدوث شی حادث در وقت معین و
محتاج نیست بآنکه امری در ذات مقدس حادث گردد سوای علم قدیم

بنفع

بنفع و صلاح بسیار این نزاع نزدیک است به نزاع در اصطلاح بر گفته و برکات
چنین باشد موافق احادیث معتبره ثابت شدن اولی خواهد بود والله اعلم
اول جواب ما حضرت کلام آن دو فاضل در فرق میان صفات ذات
و صفات فعل آنست که هر چه اتصاف ذات حق تعالی بآن نقیض آن
صفت میکند از ذات ممکن است که عین ذات مقدس باشد و از
قدیم بودن آن تعدد در ذات و صفات لازم نمی آید آن صفت ذات
است و آنچه ذات مقدس نسبت بآن چیز متصف است و نسبت
چیز دیگر ضد آن متصف است ذات میتواند بود زیرا که اگر از صفات
ذات باشد هر دو ضد یا هر دو نقیض عین ذات واحد میتوانند بود
پس باید که زاید بر ذات باشند پس از صفات ذات نباشند و
چنین نقیض آن کار شده باید که آن ذات تغیر و تغیر در صفات
ذاتیه لازم آید و کلینی رحمه الله علیه فرق دیگر کرده است میان
صفات ذات و صفات فعل بآنکه قدرت و اراده تعلق بصفات
ذات نمیگیرند و بصفات فعل تعلق میگیرند چنانچه
نمیتوان گفت که خدا قادر است بر دانستن و قادر است بر ندانستن
و قادر است بر پادشاهی و عدم آن و قادر است بر عزت و عدم آن
و توان گفت که خدا قادر است بر آمرزیدن و نیامرزیدن و خدا قادر است
بر آفریدن و نیافریدن و روزی دادن و ندادن و نتوان گفت که اراده
که از عالم شد و ثابت باشد و قدیم باشد و عزیز باشد و حکیم و مالک

اگر آن صفات ذات باشند نقیض آن کار شده باید که آن ذات تغیر و تغیر در صفات ذاتیه لازم آید

قادر نشود زیرا که اینها از صفات ذات اند و قدیم اند و اراده و تعلق
بحوادث میگیرد و نتوان گفت که اراده کرده که خلق نماید و روزی دهد
و بیامرزد و ثواب دهد و عقاب کند زیرا که اینها صفات فعل اند و
حادث اند و درین مطلب مجال سخن بسیار است و بیان فرق میان
صفات ذات و صفات فعل که با همین کافی باشد وَاللهُ یَهْدِی مَنْ
یَشَاءُ اِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ الفقره معروض میدارم که چه معنی دارد این فقره
که درکتاب مصباح الشریعة از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت شده است که العبودیة جوهرة کنهها الربوبیة فما فقد من العبودیة
وجد فی الربوبیة و ما خفی عن الربوبیة اصیب فی العبودیة الجواب بسم الله
الرحمن الرحیم این فقره از مصباح الشریعة بروایت شقیق بلخی از
جناب صادق علیه السلام رسیده است و مشتمل بر چند نکته است که
معلوم است که از معصومین علیهم السلام نیست و بر تقدیر ورود شاید
مراد آن باشد که عبودیت و ربوبیت مقابل یکدیگر اند و حقیقت هر
یک بدیگری معلوم میشود کما قیل انما تعرف الاشیاء باضدادها و حدیث
شریف من عرف نفسه فقد عرف ربه را بعضی چنین تفسیر کرده
اند حاصلش که هرکس خود را بفقر و احتیاج شناخت و مراتب افتقار
خود را چنانچه باید دانست پروردگار خود را باستغنا میشناسد
میداند که منزه است ازینها و هرکس خود را بدنائت و پستی شناخت پروردگار
خود را بعلو و رفعت شناخته و هرکس نفس خود را بجهل و نادانی شناخت

العبودية جوهرة كنهها الربوبية فما فقد من العبودية وجد في الربوبية وما خفي عن الربوبية أصيب في العبودية

خود را بعلم کامل شناخته و هکذا فی جمیع الصفات پس حاصل کلام این
میشود والله اعلم که عبودیت جوهریست که حقیقت آن ربوبیت است یعنی
ربوبیت معلوم میشود پس آنچه در عبودیت یافت نشود از صفات
تقدس و کمال مانند وجوب وجود و تجرد و استغنای مطلق و علم ذاتی
و سایر کمالات که ممکنات ازان عاری اند یافت میشود در ربوبیت
یعنی باید دانست که جناب رب الارباب عاری است و آنچه مخفی
است از خلق از جمله صفات ربوبیت یافت میشود در عبودیت
یعنی پی بآنها میتوان برد از صفات عبودیت با آنکه جناب حق را
ازینها منزه دانی چنانچه در احادیث وارد شده که حق تعالی را
بیرون کن از دو حد تعطیل و تشبیه هیچ صفت برای او اثبات مکن
چنانچه میگوئی خدا عالم است اصل علم را برای او اثبات کن و در علم
خود فکر کن هرچه متضمن نقص است ازو سلب کن چنانچه علم ما
مسبوق بجهل است و از غیر است و در معرض زوال است و ناقص
است و اینها همه صفات نقص است و از خدا سلب کن پس بگو
دانا است نه مانند دانایان دیگر و همچنین سایر صفات پس معلوم
شد که از تفکر در صفات عبودیت پی بصفات ربوبیت میتوان
برد و موید این معنی است آنکه بعد ازین فقره مذکور قال الله تعالی
سَنُرِیهِمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَفِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ
أَوَلَمْ یَکْفِ بِرَبِّکَ أَنَّهُ عَلَى کُلِّ شَیْءٍ شَهِیدٌ [illegible] و این فقره را [illegible] [illegible] [illegible]

و ذکر آنها موجب تطویل است و از اکثر عقول دور است و ما بهمین
وجه اکتفا کردیم والله تعالی بعلم بحقایق الامور محیط مترجم کتاب
حجت سوال آیا کسی بنفس خود ثابت کند نبوت رسول و امامت
ائمه را چون است جواب خوب است خوب است سوال چه میفرمایید چه
فرق است میان مذهب و ملت و دین و منهاج جواب مذهب
علم است و ملت اصول اعتقادات است و بتبدیل پیغمبران تغییر
نمی یابد و نسخ در آن راه ندارد ملت توحید و دین مجموعه ما
جاء بها النبی است در هر زمان و منهاج خصوصیات جزئیه فرعیه
است و در دین پیغمبر و وصی او تعیین نماید لب ملت پیغمبران بعد
از زمان ابراهیم علیه السلام یکیست و دین محمد از زمان ادیان سایر
پیغمبران ممتاز است و منهاج عبارت از زواید خصوصیات [illegible] بار تعلیم
و تعلیم نبوی و الهام الهی یقین نمود سوال اینکه مشهور است که
حضرت فرمودند من از عزم و عرب از زمین [illegible] هیچ ندارند جواب
حدیث [illegible] در باب این که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در شبی
از شبهای ماه مبارک رمضان المبارک در خانه جعفر [illegible] از حی
افطار نمودند جواب حدیث ندارد کتاب معاد سوال چه میفرمایند علماء
امامیه در این مسئله روح بعد از مفارقت بدن کجا میرود و ثواب
و عقابیکه واقع میشود از حال تا روز قیامت به بدن حال یا
قالب مثالی یا روح و رجوع در کجا است و تعلق بکدام بدن [illegible]

در فرق میان مذهب و ملت و دین و منهاج

جواب

[illegible]

کتاب معاد

بر روح واقع میشود

[illegible]

وعود روح واقع میشود اعلام فرمایند جواب آنچه از احادیث
معلوم میشود آنست که ارواح سعدا گاهی در بهشت دنیا که
در وادی السلام است صحرای نجف است میباشند و گاهی طیران
در هوا مینمایند و نزد قبر خود می آیند و در ساعت اول قبر
میگذارند روح بهمین بدن واقع میشود بعد از آن روح در
قالب مثالی تعلق میگیرد و در اماکن مذکوره می باشند و ثواب
و عقابیکه واقع میشود و ارواح اشقیا گاهی در برهوت وادی
است در یمن معذب میباشند و ارواح مستضعفین را ثواب
و عذاب در برزخ نمیباشد تا در روز قیامت حال ایشان معلوم
میشود و جمعی از ایشان بسیار نیک و بدان بسیار بد ایشان را عذاب
میباشد و در آن وقت نیز ارواح به بدن اصلی عود میکنند کتاب ایمان
و کفر و در آن دو فصل است فصل اول در بیان اعتقادات سوال
چه میفرمایند در باب شخصی که معتقد است عالم قایم میشن و گوید که ما میگوییم
قدیم بالذات است ملک قدیم بالزمان است حال این شخص
چون است جواب این مذهب مخالف مذهب مسلمانانست سوال
چه میفرمایند در باب شخصی که انکار این حدیث کند که آسمانها
هر یک رنگی مخصوص دارند و گوید عقل ما قبول نمیکند و ما هر چه
باشد از اهل بیت از احادیث قبول میکنیم و هر چه از فروع است
بعقل خود میسنجیم اگر قبول کند قبول میکنیم و الا فلا حال این شخص

در بیان ارواح و [illegible]

در بیان ارواح بدبختان که کجا میباشند

کتاب ایمان و کفر

[illegible]

یعلمت جواب انچه شنواند و ضروری دین باشد انکارش موجب
کفر میشود اما جرأت بر خدا و [در رسول ص] و ائمه هدا ست علیهم السلام سوال چه میفرمائید
در متابعت ملا و تابع لشی آیا هدایت یا ضلالت است جواب
بسم الله الرحمن الرحیم بسیاری از اعتقاد و اعمال ایشان مخالف
طریقه مستقیم اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم اجمعین
و احتراز از ایشان لازم است و کسیکه شیعه اهلبیت علیهم السلام
باشد میباید اقوال و افعالش موافق فرموده ایشان باشد و در
کتاب عین الحیات بعضی از بدع ایشان را ذکر کرده ایم والسلام
علی من اتبع الهدی فصل دوم در احکام نیت اعمال سوال
بنده ذلیل مستمد علی عرض میرساند هر چند فکر میکنم که
مطلب آن قبله گاه را درین مسئله در عبادات قصد و نیت و
جوب و ندب و ادا و قضا در کار میدانند نفهم نمیفهمم [آید] زیرا که بنابر
تحقیق مراتب معنی نیت که چه تا آن نحو باهمش فهم فرموده اند نیت
گفتن بزبان یا گذرانیدن در خاطر لفظ وجوب و استحباب
و ادا و قضا لازم نیست و هرگاه شخصی ادا و قضا و ندب و وجوب
فعل را داند بدون این قصد بچه نحو لعاب میتوان نداوند مگر گوئیم
دانستن وجوب واجب و ادای ادا در کار نداند پس آیا اگر
دانستن وجوب واجب و ادای ادا در کار نداند پس آیا اگر
شخصی مثلا نداند ظهرین واجب اند و بعد از تحقیق شام قضا

منشوند

باشند حرامش مشهور است

حدیث است انما الاعمال بالنیات

چنانچه کردر کتاب عین الحیوة م

منشوند و همچنین نماز بگذارند صحیح است یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم
اینکه نیت وجوب و ادا در کار نیست دو محل دارد اول بنا بر
طریقه فقها است که تذکر و استحضار این معانی را مقارن تکبیرة الاحرام در کار میدانند
کار میدانند و دیگر آنکه در افعال بعضی که معلوم شده مطلوب
شارع است ضرور نیست سعی در علم بوجوب و ندب و در ادا
و قضا در اوقات مشتبه بدون تحصیل علم باحدهما بجا میتوان
آورد و مسئله را شما فرض کرده از ضروریات دین است و جهال در آن
نمیروند سوال در عبادات و باقی اعمال نیت قربت و عبارت از
امتثال شارع و رضای شریعت بروجهی ممتاز باشد از غیر که جدا میسازند
نیت وجه را در کار میدانند جواب نیت قربت در جمیع اعمال کافیست
سوال اگر کسی الله اکبر گوید بقصد دخول نماز بدون اینکه قصد کند
در دل خود فلان نماز واجب یا سنت با ادا یا قضا میکنم برای
رضای خدا تعالی و در غسل سر زیر آب کند یا آب بر سر ریزد بقصد
غسل بدون اینکه در دل گذرانند غسل جمعه یا جنابت برای استباحت
صلوة یا اینکه فلان غسل سنت میکنم برای رضای خدا بلکه دو مشت
آب بگیرد و بریزد بقصد وضو بدون اینکه قصد کند وضوی
واجب و سنت قربت الی الله را یا نماز یا وضو و غسل این وجوه
درست است یا نه و بر تقدیری که جمیع آنچه مذکور شد شرط باشد
آیا شرط است که قصد قربت الی الله در آغاز باشد یا در اول و وسط نیز

جایز است جواب نیت بخاطر گذرانیدن این آموز نیت اگر در او قت
میداند در نماز واجب ادا میکند و غرضش رضای الهی باشد کافیست
و همچنین در سایر اعمال و قصد اول و اخری نمیدارد و باید باعث
بر عمل رضای خدا باشد کتاب ذکر و دعا و قران جواب الذاکرین
الله کثیرا والذاکرات شامل است کسی را که فکر بسیار در معنی حدیث
و قران کند یا تامل در آیات قرآن کند یا فکر در احوال مرگ و بعد
مرگ کند یا نه جواب افضل افراد ذکر است سوال فکر کردن در معنی
قران و دعا افضلست یا خواندن بی تصور معنی جواب آن تفکر
افضلست و جمیع الکملست سوال اگر کسی یکساعت بیشتر فرصت قرآن
خواندن ندارد و مثلا اگر تتابع و تدبر بخواند یک جزو میتواند خواند اگر
بسرعت بخواند دو جزو آیا تتابع افضل است یا بیشتر خواندن جواب
تانی و تدبر در تلاوت افضل است سوال حکمت در تکرار قصه
واحده در قران مجید چیست جواب حکمت بسیار است و قصه واحده
را بعبارات مختلفه ادا کردن از جمله بلاغت و تکرار قصه واحده بلفظ
واحد آن قدر اثر ندارد که بالفاظ مختلفه ادا شود و وجوه دیگر بسیار
والله اعلم سوال اگر کسی قران یا دعا بخواند و معنی آن را در دل
گذرانیده شد آیا داخل است در مصداق حدیث تفکر ساعة خیر من
عبادة سبعین سنة یا نه جواب ظاهرا داخل نیست سوال اگر کسی از ترس
عذاب آخرت معتقد شد با آنکه گناهان کبیرة کند فقط امثال این جایز است

ذکر و دعا و قران خواندن

